

نشریه انجمن نجات

شماره ۴۵



سرنگونی نماد به اصطلاح

آزادی در قرارگاه اشرف

بنام ایزد یکتا

نشریه انجمن نجات

شماره ۴۵



مهر ۹۲

WWW.NEJATNGO.ORG

E.MAIL: info@nejatngo.org

عنوان	فهرست مطالب	صفحه
* درد دل مادری دلسوخته از فراق فرزندش		۷
* خانواده سعادت: تنها امید ما خانواده ها شما هستید		۸
* انتقال مجاهدین به آلمان و اعتراض مقامات کلن		۹
* افشاء یکی از چهره‌های مجاهدین که می‌خواهد از قانون عراق به آلبانی بگریزد		۱۰
* زمینه‌سازان و جاده‌صاف‌کن‌های واقعی کشتارها در اشرف و لیبرتی		۱۱
* مردم عراق در زمان صدام هم از مجاهدین متنفر بودند		۱۳
* مروری بر حوادث پادگان اشرف		۱۴
* مسئول اول تمامی قربانیان فرقه مجاهدین شخص مسعود رجوی است!		۱۶
* مصاحبه با آقای سیروس غضنفری درباره درگیری و تخلیه اشرف		۱۷
* سازمان مجاهدین خلق سران عراق و ایران را تهدید به ترور کرد		۲۰
* منافقین از آیت‌الله طالقانی پیروی نمی‌کردند		۲۱
* نابودی نمادهای مجاهدین در عراق؛ برج پادگان اشرف سرنگون شد		۲۶
* دفتر سازمان ملل: وقت آن رسیده مجاهدین از عراق بروند		۲۷
* دیدار انجمن نجات خوزستان با خانواده‌های راکی و کاربخش		۲۸
* رجوی با به هدر دادن خون ۵۲ نفر ، اشرف را تخلیه کرد		۳۰
* پیام ۲۷ شهریور رجوی؛ هیچ عضوی از مجاهدین به خارج از عراق نخواهد رسید!		۳۱
* پاسخ رجوی به وضعیت کنونی چیست ؟		۳۲
* نامه علیرضا میرعسگری به خانم آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان		۳۴
* نشست خبری ۴ نجات یافته کادر نظامی فرقه رجوی		۳۶
* احتمال دفن اسرای ایرانی در پادگان اشرف		۳۹
* امریکا ادعای منافقین مبنی بر دیدار با اعضای ناپدید شده سازمان را رد کرد		۴۰

۴۱	* این تازه از نتایج سحر است باش تا صبح دولتت بدمد!
۴۲	* بغداد: برای اخراج مجاهدین از عراق ضرب الاجل تعیین می کنیم
۴۳	* چرا سناریوی فرقه رجوی مبنی بر " حمله به اشرف " را نمی توان باور کرد ؟
۴۴	* خطاب به سرکرده تروریستها به مریم ومسعود و دیگر قاتلان وجنایتکاران فرقه رجوی
۴۵	* خانواده ها: سایه مرگ بر سر فرزندان مان در لیبرتی وجود دارد
۴۷	* رجویها برادر اسیرم را وادار کردند که با من تماس بگیرد وتبریک بگوید!
۴۹	* گروهک منافقین (مجاهدین خلق، فرقه رجوی) در نیویورک دست به دامان متکدیان شد
۵۱	* مجلس ایران تحویل مجاهدین به کشور را پیگیری می کند
۵۲	* مالکی نقش نیروهای عراقی در حمله به پایگاه اشرف را تکذیب کرد
۵۳	* تبریک به مناسبت بسته شدن لانه تروریستی رجوی
۵۴	* دیداری دوباره، تولدی دوباره
۵۵	* فراکسیون بدر در پارلمان عراق : سازمان مجاهدین خلق در درگیری علیه نیروهای ما و نیروهای پیشمرگ در سال ۱۹۹۱ مشارکت داشته است
۵۶	* نامه تعدادی از اعضاء سابق و منتقدان سازمان مجاهدین خلق ایران به وزیر کشور آلبانی
۵۸	* پاسخ آقای عباس اسدی به تماس برادر اسیرش در فرقه رجوی
۶۰	* نامه پدر و مادر اسماعیل کاوسی نیا : مجاهدین خلق مثل مرده متحرک هستند
۶۱	* رجوی بزرگترین مانع عملیات سازمان ملل و آمریکا
۶۳	* آدرس استانهها (تلفن - فکس - صندوق پستی)

می کند و فرزندان ما را از بین می برد . چرا سازمان حقوق بشر فکری به حال ما نمی کند و ما را از نگرانی چندین ساله در بیاورد . من از سازمان های حقوق بشری تقاضا دارم فکری به حال من بکنند چندین سال است جگر گوشه ام دست رجوی و سرانش اسیر است و دسترسی به او ندارم امیدوارم در آینده نزدیک پسرم را در آغوش بگیرم . به امید آن روز .



درد دل مادری دلسوخته از فراق فرزندش

انجمن نجات مرکز اراک

پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲

پسرم چند سال است در فرقه رجوی اسیر است و هیچ خبری از او ندارم.

زمانی که در پادگان اشرف بود با کلی مشکلات جسمی که داشتم به عراق سفر کردم که شاید بتوانم با پسرم دیداری داشته باشم و بعد از چند سال او را در آغوش بگیرم ولی متأسفانه به جای اینکه پسرم را در آغوش بگیرم آدمهای توجیه شده فرقه رجوی با سنگ و فحش های رکیک از من مادر استقبال کردند. خبردار شدم بعد از بسته شدن پادگان اشرف او را به کمپ موقت (لیبرتی) منتقل کرده اند و هیچ اطلاعی از وضعیت او ندارم.

رجوی و سرانش چگونه جرات می کنند که با من مادر و مادرهایی امثال من این گونه رفتار کنند تا بحال چندین نامه برای سازمان ملل و صلیب سرخ ارسال کردم و از آنها تقاضا کردم مشکل مرا حل کنند ولی گویی که در سازمان ملل و صلیب سرخ قانونی وجود ندارد، جوابی از طرف آنها بدستم نرسید . چند سال دیگر من بایستی در حسرت دیدار پسرم بمانم. رجوی و سرانش هیچ ارزشی برای فرزندان ما قائل نیست در واقع فرزندان ما برای او یک بار مصرف هستند و هر زمانی بخواهد آنها را سپر خود و تشکیلاتش

پادگان اشرف که به گفته خود منافقین سمبل و نشان اقتدار و صلابت آنان و کشته شده هایشان شده بود، بدون هیچ سروصدایی به صاحبان اصلی خود بازگشت . پرونده پادگان شوم و تروریستی اشرف پس از سال ها انتظار به طور کامل بسته شد تا برگی دیگر از صفحات سیاه تاریخ فرقه رجوی نیز بسته شود، برگی که به اعتراف و اذعان سرکرده این گروهک، هیچ کس نمی توانست آن را از آنان بگیرد و به مثابه ناموس این فرقه خودفروخته بود. این ناموس فرقه سقوط کرد تا بار دیگر مقوله تاریخی سرکردگان این فرقه تروریستی که ” کوه اگر بجنبد اشرف زجا نجنبد ” را نیز همچون دیگر اوهام آنان مضحکه همگان کند .



شب و روز سراغ علیرضا را می گیرند. من به دلیل بیماری پدر و مادرم دست از کار و زندگی کشیده ام تا از آنها مراقبت کنم. آقای خداداد سلیمانی پدرعلیرضا گفت: تنها امید ما خانواده ها شما هستید به ما سرزنش و ما را در جریان اخبار علیرضا قرار دهید. ما حاضریم هرگونه همکاری با اعضای انجمن داشته باشیم. جان عزیزان اسیر ما بطور جدی در خطر است و باید برای نجات آنها فکری کرد.

اعضای انجمن نجات ضمن تشکر از اظهار محبت آقای سلیمانی نسبت به اعضای انجمن گفتند: ما تا آخر در کنار خانواده های اسیران خواهیم بود و برای آزادی آنها تلاش خواهیم کرد برای اینکه تعداد دیگری قربانی نشوند می بایست خانواده ها برتلاش خود بیفزایند.

در پایان اعضای انجمن ضمن تشکر از میهمان نوازی خانواده سلیمانی آرزو کردند که هرچه زودتر مقدمات آزادی کلیه اسیران فراهم گردد.



خانواده سعادت: تنها امید ما خانواده ها شما هستید

انجمن نجات مرکز خوزستان

سه شنبه ۲ مهر ۱۳۹۲

روز سه شنبه مورخ ۹۲/۶/۲۶ اعضای انجمن نجات خوزستان حمید دهدارحسینی و علی اکرامی و یوسف جرفی با خانواده آقای سعادت سلیمانی برادر علیرضا سلیمانی از اسیران دربند فرقه رجوی در منزل مسکونی آنها در شهرمسجد سلیمان دیدار کردند. در ابتدای این دیدار اعضای انجمن از خانواده سلیمانی بخاطر دعوت از اعضای انجمن به منزلشان تشکر کردند و سپس ضمن اظهار تاسف از حادثه ۱۰ شهریور عنوان کردند که بی شک رجوی مسئول تمام این خونریزی هاست. زیرا منافع سیاسی و مطامع قدرت طلبانه آنها ایجاد می کند که اعضا در خاک عراق باقی بمانند تا آنها بتوانند جان و خون آنها را دستاویزی برای خود فروشی سیاسی خود قرار دهند. درحالیکه کمپ لیبرتی که تحت حفاظت نیروهای سازمان ملل قرار دارد برای اسکان موقت اعضا در نظر گرفته شده است، به چه دلیل رجویها این تعداد از نفرات را در پادگان اشرف نگه داشته بودند؟ قراردادن اعضا در پادگان اشرف که بدلیل وضعیت خاص عراق در معرض تهدیدات امنیتی مضاعف قرار دارد تنها بدین خاطر صورت گرفته که آنها از خون قربانیان استفاده تبلیغاتی کنند.

خانواده آقای سلیمانی گفتند: که برادر ایشان در جریان جنگ به اسارت نیروهای عراقی درآمده بود ولی از زمانی که تحویل فرقه رجوی شد دیگر هیچ خبری از او نداریم. پدر و مادرم بیمار هستند و

قراردادن اعضا در پادگان اشرف که بدلیل وضعیت خاص عراق در معرض تهدیدات امنیتی مضاعف قرار دارد تنها بدین خاطر صورت گرفته که آنها از خون قربانیان استفاده تبلیغاتی کنند.

این در حالی است که مسئولان شهر کلن از جمله آقای گیدوکاهلن، رئیس شورای شهر کلن به این تصمیم به شدت اعتراض کرده و حضور این افراد که سابقه فعالیت‌های نظامی، تروریستی و زندگی فرقه‌ای داشته‌اند را مخل امنیت شهروندان کلن می‌داند.

در پی انتشار این خبر، گروه‌های متشکل از جدا شده‌های این سازمان با ارسال نامه و ایمیل به مسئولان شهر کلن و مقامات دولت آلمان با یادآوری اعمال خشونت‌آمیز اعضای این گروه نسبت به کنترل دقیق این افراد هشدار دادند.

همچنین در این نامه‌ها نام برخی تشکلهای پوششی سازمان مجاهدین از جمله شورای ملی مقاومت، پناهندگان ایرانی مقیم آلمان، کانون پناهندگان ایرانی در کلن، برخی ایرانیان دموکرات مقیم آلمان و ایرانیان پناهنده، برده شده است که با ظاهر پوششی به فعالیت برای سازمان مجاهدین مشغولند.

بر اساس توافق سازمان ملل و دولت عراق قرار است، اعضای سازمان مجاهدین در عراق که اکنون در کمپ لیبرتی در این کشور مستقرند به عنوان پناهنده در کشورهای پناهنده پذیر پذیرش شوند و تاکنون فقط آلبانی با انتقال ۲۱۰ نفر از اعضای این گروه موافقت کرده است.



انتقال مجاهدین به آلمان و اعتراض مقامات کلن

رسانه های ایران

پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۹۲

رسانه‌های آلمان از صدور دستور انتقال شماری از اعضای مجاهدین مستقر در کمپ لیبرتی عراق به آلمان خبر داده و اعلام کردند، این دستور با توافق نمایندگان سازمان ملل و دولت آلمان مبنی بر پذیرش ۹۷ نفر از اعضای گروه مجاهدین صادر شده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر، روزنامه "کلنراشتات آنسایگر" که در کلن منتشر می‌شود، از دستور دولت آلمان به مسئولین شهر کلن مبنی بر پذیرش ۷۷ نفر از اعضای مجاهدین خبر داد.

به نظر می‌رسد این دستور در پی توافق نمایندگان سازمان ملل و دولت آلمان در پذیرش ۹۷ نفر پناهنده از اعضای گروه مجاهدین صادر شده باشد که ۷۷ نفر از این تعداد قرار است به شهر کلن فرستاده شوند.

براساس این گزارش ۹۷ عضو گروه مجاهدین کسانی هستند که پیش‌تر در آلمان پرونده پناهندگی داشته‌اند و در حکومت صدام در عراق از آلمان به این کشور فرستاده شده بودند.

مسئولیت های وی در گذشته عبارت بوده از :
مسئول روابط خارجی سازمان در عراق که تمامی
ملاقات ها و معاملاتی که با دولت صدام حسین
انجام می شد تحت نظر وی اجرا می شد .

در سال ۱۳۷۰ یکی از فرماندهان ارشدی بود که در
کشتار کردها در خانیقین ، منطقه مرواید شرکت
داشت.

یکی از سران و شکنجه گران زندان های فرقه در
سال ۱۳۷۴ در قرارگاه اشرف می باشد که خیلی از
اعضاء را بازجوئی و شکنجه می کرد، همچنین
یکی از اعضاء به اصطلاح دادگاه هایی!! بود که
مسعود رجوی برگزار می کرد .

یکی از سران و دست اندرکاران مرگ های
مشکوک درون سازمان تروریستی مجاهدین
می باشد .

در سال ۱۳۶۴ ، ۱۳۶۵ در پاکستان تحت پیگرد
قضائی بود که با اسم و پاسپورت عراقی از پاکستان
گریخت و به عراق آمد.

**معصومه ملک محمدی از
جمله کسانی است که نام وی
در لیست سران سازمان که
پیگرد قضائی در عراق دارند
وجود دارد وی در سال ۱۳۶۵
در پاکستان تحت پیگرد
قضائی بود که با اسم و
پاسپورت عراقی از پاکستان
گریخت و به عراق آمد**



افشاء یکی از چهره های مجاهدین که می خواهد از قانون عراق به البانی بگریزد

محمد کرمی

شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۲

مهمترین هدف سازمان مجاهدین این است که
تلاش می کنند وی را از پیگرد قانونی عراق فراری
بدهند . معصومه ملک محمدی از جمله کسانی
است که نام وی در لیست سران سازمان که پیگرد
قضائی در عراق دارند وجود دارد وی در سال
۱۳۶۵ در پاکستان تحت پیگرد قضائی بود که با
اسم و پاسپورت عراقی از پاکستان گریخت و به
عراق آمد.

طبق اخبار رسیده از درون تشکیلات فرقه
مجاهدین ، سران سازمان مجاهدین تصمیم
گرفته اند که معصومه ملک محمدی ، یکی از
معاونین مؤگان پارسائی را به البانی بفرستند . از
آنجائی که فرزانه میدان شاهی نتوانسته از ریزش
نیروها جلوگیری کند و تاکنون نزدیک ۷۰ نفر از
اعضائی که به کشور البانی اعزام شده اند از
سازمان جدا شده اند . این یکی از اهداف فرقه
مجاهدین است اما مهمترین هدف سازمان این
است که تلاش می کنند وی را از پیگرد قانونی
عراق فراری بدهند معصومه ملک محمدی از جمله
کسانی است که نام وی در لیست سران سازمان
که پیگرد قضائی در عراق دارند می باشد .



زمینه سازان و جاده صاف کن های واقعی کشتارها در اشرف و لیبرتی

قربانعلی حسین نژاد ، ۱ مهر ماه ۱۳۹۲

معصومه ملک محمدی که هم اکنون در لیبرتی است و از ۲۰ سال پیش تا کنون مسئول بخش روابط خارجی و در زمان صدام حسین مسئول ارتباط با دولت عراق بود، بعد از سرنگونی صدام حسین نیز همچنان به عنوان مسئول روابط خارجی سازمان در اشرف یعنی روابط با عراق و عراقیها و آمریکاییهای اشغالگر باقی ماند و همراه با دستیار و مشاورش عباس داوری (رحمان) مشغول دخالت روزانه در امور عراق و تلاش برای ایجاد تفرقه و بهم زدن اوضاع عراق و تقویت دسته بندیهای ضد دولت عراق و جلوگیری از هرگونه ائتلاف و وحدت برای تشکیل دولت آشتی ملی و دامن زدن به اختلافات و درگیریهای داخلی و جاسوسی علیه مقاومت عراق در برابر آمریکاییها به سود آمریکایی ها و دادن اطلاعات مقاومت عراق به آمریکاییها و جعل اطلاعات و بیانیه به فارسی ترجمه شده به عربی!! به اسم عراقی ها و درست کردن امضاهای تقلبی و جعل آمار و ارقام دروغین مبنی بر حمایت ۵ میلیون و ۳ میلیون عراقی و... از باقی ماندن سازمان در عراق که بعد با اخراج از اشرف معلوم شد هیچ حمایتی نداشته اند به علاوه گروه سازیه و ایجاد جمعیتها و تشکلهای موهوم عراقی که مطلقاً وجود خارجی نداشتند و تبلیغ پولی آنها با بیانیه های جعلی حمایت از باقی ماندن در عراق در مطبوعات آن کشور و... بودند، و همین دخالتها و کارهای جعلی به اسم عراقی ها که مردم و دولت و حتی اپوزیسیون آن کشور خوب می دانستند که این حرفهای سازمان مجاهدین است و نه مردم عراق (مانند درخواست باقی ماندن ارتش آمریکا در عراق و پروژه تألیف و ترجمه کتابهای داستان و پخش آنها در میان نوجوانان و جوانان عراق بوسیله

آمریکایی ها مبنی بر اینکه حمله به آمریکاییها تروریسم و کار دولت ایران می باشد و آمریکایی ها می خواهند کشورتان را از نفوذ دولت ایران نجات بدهند و باید در عراق بمانند و...) و پی بردن عراقی ها به این اقدامات خائنانه و کثیف بود که آنها بویژه دولت و نیروهای عراقی را دشمن مجاهدین و از آنها بیزار کرد بطوریکه کار به جلسه پارلمان عراق در اعتراض به این دخالتها و نشان دادن نشریه مجاهد عربی در تلویزیون توسط سخنگوی دولت عراق کشید که طی آن با خواندن عناوین نشریه مبنی بر خیمه شب بازی خواندن انتخابات عراق و دخالتها دیگر در امور عراق و نشان دادن عددها و حروف فارسی و رد پای اصطلاحات مجاهدین خاص فرهنگ ایرانی و فارسی در بیانیه های صادر شده به اسم عراقی ها که در مطبوعات عراق آگهی پولی کرده بودند و... فضای دشمنی و ضدیت با حضور سازمان در عراق به علت کارهای خلاف قوانین آن کشور که از رهبری سازمان سر می زد ایجاد شد و دست دولت و نیروهای عراقی و دولت ایران را برای کشتار مجاهدین و جنایتهاشان در این ده سال بویژه کشتار اخیر در اشرف باز نمود. خودخواهی ها و توهینهای معصومه ملک و معاونش عباس داوری در بخش روابط خارجی به شعور عراقی ها در این ده سال اخیر بود که این همه دشمن در عراق برای مجاهدین تراشید بطوریکه موقع اخراج از اشرف و این همه کشتارها و جنایتها علیه افراد سازمان و ساکنان اشرف مطلقاً از دفاع و حمایت عشایر و قبایل و شیوخ و رؤسای آنها به عنوان همسایه های اشرف که اکثراً هم مسلح هستند خبری نشد علیرغم اینکه آن همه سالها در اشرف تغذیه شدند و مهمانیها و جشنهای پرخرج و پولهای هنگفت به آنها داده شد با انبوهی وقت و انرژی زنان و مردان اشرف و با کارهایی شاق و پر رنج و زحمت برای عشایر و شیوخ آنها که بعضی هایشان نیز به زنان اشرف طمع می کردند. لذا دست رهبری سازمان مجاهدین با خط و خطوط و سیاستهای یاد



شده اش در رابطه با عراق و تحولات و دولت آن بویژه مسئولین بخش روابط خارجی آن و در رأس آنها معصومه ملک محمدی نیز بر خونهای ریخته شده در اشرف آغشته است زیرا کار این بخش به مسئولیت معصومه ملک محمدی که در حالی مسئول امور عراق در سازمان شده بود که به اعتراف خودش در صحبتهايش با ما در لیبرتی کوچکترین اطلاعی نه از زبان عربی و نه از فرهنگ عراق و مردم عراق و عرب ندارد همراه با دستیارش عباس داوری کارشان دشمن تراشی و عامل برافروختن کینه ها و دشمنیها در میان عراقی ها و نیروهای آنها و دولت عراق علیه مجاهدین بوده و با توهینهایشان به عراقی ها و پروژه های دخالت روز مره شان در امور عراق و تلاشهایشان و اعلام بسیجهایشان برای سرنگون کردن دولت عراق (از جمله پروژه سین چهل یعنی سرنگونی دولت مالکی در چهل روز!!! در سال ۱۳۸۶) و جاسوسیهایشان علیه عراقی ها به سود نیروهای آمریکایی تماماً به دستور شخص رجوی و در اجرای رهنمودهای او موجب کشیده شدن هر چه بیشتر دولت عراق و حتی احزاب دیگر مخالف دولت و کردها که در دولت سهیم بودند به سوی دولت ایران و همدستی بیشتر با ایران علیه مجاهدین گردید. اینجانب که به مدت ۲۵ سال در قرارگاههای مختلف سازمان در عراق و بیشتر در اشرف و بغداد در بخش روابط خارجی سازمان بودم بارها در این ده سال اخیر یعنی بعد از سرنگونی دولت سابق عراق و اشغال این کشور توسط ارتش آمریکا نتایج و آثار منفی این پروژه های ضد عراقی و دخالتهای آشکار و با مباهات!! در امور داخلی و کشمکشها و اختلافات مذهبی و ملی و سیاسی عراق بر روی سرنوشت مجاهدین و تبدیل شدن این تقبلها و گروه سازیهها و تبلیغات و فعالیتهای غیر قانونی مداخله جویانه بر ضد خود ما یعنی ساکنان اشرف آنها از نوع و با سبک همان تبلیغات که در اروپا و آمریکا می کردند و تبلیغ عربی حمایتها از مجاهدین توسط سران اروپا و آمریکا

بویژه جنایتکاران جنگی ارتش و اطلاعات آمریکا که در میان ملت عرب بویژه عراقی ها به علت جنایتهایشان در حق آنها منفور هستند را به خانم معصومه ملک محمدی و مسئول بخش روابط خارجی و دستیارش آقای عباس داوری یادآور می شدم و با نامه های متعدد حتی به خود مسعود رجوی خطر این نوع دخالتها و نامه ها و بیانیه ها با فرهنگ مجاهدین و به سبک تبلیغات غربی یعنی دشمنان عرب و عراق و برگزاری مراسم و جشنها به مناسبتهای مذهبی شیعی و دعوت شیعیان عراق به اشرف و راه انداختن سینه زنی و نوحه خوانی آنها در مسجد اشرف و خواندن زیارت عاشورا در برابر آنها توسط مجاهدین آنها با بلندگو که صدایش را مردم اطراف تا کیلومترها می شنیدند زیارتی که آشکارا ابوبکر و عمر و عثمان در آن مورد لعن قرار می گیرند و به هیچ وجه خود شیعیان عراق به علت حضور سنی ها این زیارت را نمی خوانند و به خلفای راشدین لعنت نمی فرستند، و دامن زدن به اختلافات بین شیعه و سنی با دعوت از سنی ها از سوی دیگر و در مناسبتهای مذهبی و تشویق آنها به نماز خواندن در پشت امام شیعه یا بر عکس در مسجد اشرف!! به عنوان ایجاد وحدت بین شیعه و سنی در عراق!! و... بله خطر این کارها بر روی جان و مال مجاهدین در اشرف را یادآور می شدم و حتی یک بار در نشست داخلی پنجاه نفره روابط خارجی در اشرف بلند شده ضمن اعتراض به معصومه ملک محمدی که حرف مسعود رجوی مبنی بر اینکه عراقی ها وحشی هستند و همان عربهایی هستند که دخترانشان را زنده به گور می کردند و... تکرار می کرد خطر این کارها و دخالتها و جعلیات فریبکارانه به اسم عراقی ها و توهین به آنها و به شعور آنها را یادآور شدم ولی در جواب و به جای توجه به انتقادهایم با داد و فریادهای رایج معصومه ملک محمدی و عباس داوری و دشمنهایشان در همان نشست روبرو شدم.

که این زمین‌ها متعلق به گروه مجاهدین خلق است و با توسل به زور توسط صدام از کشاورزان منطقه گرفته شده و به آنها هدیه داده شده است. آنها برای توضیح دادند که مجاهدین یک گروه معارض نظام ایران هستند و به همین دلیل هیچ‌کس حاضر به خرید و فروش و مرادده مالی با آنها نیست و همین موضوع باعث شده که قیمت زمین‌های آنها این‌قدر کاهش پیدا کند و آنها به نوعی توسط مردم عراق تحریم شده بودند.

یاسری که خود از خانواده‌های شهدای ترور عراقی است، ادامه داد: من خودم تعداد زیادی از اعضای خانواده‌ام را در جریان انتفاضه شعبانیه از دست دادم و در جریان مبارزه با دیکتاتوری صدام شاهد بودم که مجاهدین چگونه زن و مرد بیگانه را به خاک و خون کشیدند.

وی در پایان با ابراز شادمانی از تخلیه پادگان اشرف گفت: اعضای گروه تروریستی مجاهدین باید هرچه زودتر علاوه بر محاکمه به‌طور کامل از خاک عراق اخراج شوند، زیرا آنها جنایت‌های زیادی در حق ملت ایران و عراق مرتکب شده‌اند.

عبدالحسین عبدالعظیم
الیاسری نماینده پارلمان عراق
و عضو کمیته مالی این
پارلمان با ذکر خاطره‌ای از
مجاهدین گفت: ملت عراق در
همان دوران دیکتاتوری صدام
از تشکیلات تروریستی
مجاهدین متنفر بودند و با
حضور این گروه در خاک
کشور عراق مخالفت می‌کردند



مردم عراق در زمان صدام هم از مجاهدین متنفر بودند

رسانه های ایران

شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۲

یک نماینده پارلمان عراق با اشاره به خاطره‌ای از برخورد مردم عراق با گروه مجاهدین، به نفرت مردم کشورش از این گروه تروریستی اشاره کرد.

به گزارش سیرنیوز؛ عبدالحسین عبدالعظیم الیاسری نماینده پارلمان عراق و عضو کمیته مالی این پارلمان با ذکر خاطره‌ای از گروه مجاهدین گفت: ملت عراق در همان دوران دیکتاتوری صدام از تشکیلات تروریستی مجاهدین متنفر بودند و با حضور اعضای این گروه در خاک کشور عراق مخالفت می‌کردند.

یاسری در ادامه با بیان خاطره‌ای نفرت ملت عراق از مجاهدین و دلیل این نفرت را این‌گونه توضیح داد: در زمان دیکتاتوری صدام به‌واسطه خفقان سیاسی حاکم امثال من نمی‌توانستیم در حوزه‌های سیاسی فعالیت کنیم و من در آن زمان به فعالیت اقتصادی مشغول بودم. یک بار برای اجاره زمین کشاورزی به استان دیاله سفر کردم تا چند هکتار زمین اجاره کرده به کشت چند نوع محصول بپردازم. وقتی در زمین‌های این استان پرس‌وجو می‌کردم، به زمین‌هایی برخورددم که علی‌رغم حاصلخیزی قیمت بسیار نازلی داشتند!

وقتی دلیل را از کشاورزان منطقه جویا شدم، گفتند



مروری بر حوادث پادگان اشرف

انجمن نجات مرکز فارس

پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲

بالاخره، پادگان اشرف پس از یک دهه تلاش دولت عراق و سازمان ملل تخلیه شد. روز چهارشنبه بیستم شهریور روند انتقال اعضای به جای مانده از حوادث مشکوک ۱۰ شهریور در پادگان اشرف به پادگان لیبرتی به پایان رسید.

سخنگوی سازمان مجاهدین خلق، محمد محدثین به خبرگزاری اسوشیتدپرس گفت: که "رئیس جمهور منتخب شورا، مریم رجوی در چند روز اخیر بر خروج ساکنان باقی مانده تأکید کرد". این در حالی است که رئیس جمهور خود خوانده ی مجاهدین خلق تا پیش از این بر بازگشت ساکنان لیبرتی به کمپ اشرف اصرار می کرد.

مریم رجوی کشته شدن اسرار آمیز پنجاه و دو تن از ساکنان را "نمونه ای از جنایات ضد انسانی" می خواند که البته پر بیراه هم نمی گوید اما نمونه های دیگر جنایات ضد بشری چطور؟ آیا وی می پذیرد که ساکنان کمپ های مجاهدین خلق اساساً و همواره مورد سوء رفتارهای ضد بشری قرار می گیرند؟

بیش از سه دهه است که اساسی ترین حقوق انسانی اعضای سازمان مجاهدین خلق نقض می شود. در ژوئیه ۲۰۱۳ نماینده وقت سازمان ملل در عراق، مارتین کوبلر به شورای امنیت گفت: "موارد نقض حقوق بشر در خود کمپ آزادی (لیبرتی) از نگرانی های فزاینده ی ماست."

صدها گزارش از نظارت های روزانه ی ما نشان می دهد که زندگی اعضا در کمپ حریه شدیداً تحت کنترل است. "شاید به دلیل این اظهارات روشنگرانه اش، کوبلر همواره از سوی پرو پاگاندای مجاهدین برچسب "عامل جمهوری اسلامی" بودن می خورد، هرچند که گفته ها و گزارش هایش مهر تأییدی بود بر گزارش های

پیشین بین المللی درباره ی نقض گسترده ی حقوق بشر در قرارگاه های مجاهدین خلق از جمله گزارش دیدبان حقوق بشر، وزارت امور خارجه ی امریکا و مؤسسه رند وزارت دفاع امریکا. در گزارش رویترز در ماه جولای ۲۰۱۳ آقای کوبلر متذکر می شود که شمار زیادی از ساکنان به ناظران سازمان ملل گفته اند که برای خروج از کمپ و شرکت در روند انتقال مورد نظر کمپساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، تماس با اعضای خانواده شان در بیرون از عراق یا حتی تماس با بستگانشان در خود کمپ های سازمان مختار نیستند."

بنابراین ساکنان اشرف تا پیش از کشته شدن نیز از زندگی عادی محروم شده بودند. سران فرقه ی مجاهدین خلق با شستشوی مغزی آن ها و روش های پیچیده ی کنترل ذهن به آن ها القا کرده بودند که تا پای جان از اشرف دفاع کنند و در این راه به آن ها قول شهادت و بهشت داده بودند. در سخنرانی مریم رجوی در مراسمی که به مناسبت کشته شدن ساکنان اشرف در پاریس برگزار شد، می شنویم: "پس بگذارید به شهیدان قتل عام اشرف بگوییم که شما راه و رسم مجاهدین را به اوج رساندید."

بنا به گفته ی وی شهادت راه و رسم مجاهدین است و کشته شدگان این واقعه "نسل مسعود" هستند که "شکست ناپذیر و پیروز" هستند.

بنابراین کشته شدن افراد پس از مدت ها عدم همکاری با سازمان های بین المللی و دولت عراق و اصرار بر ماندن در اشرف و سرانجام به قتل رسیدن، "پیروزی" نامیده می شوند!

پس از انتقال ۴۲ فرد باقیمانده از کشتار اشرف به کمپ لیبرتی، نماینده ی جدید سازمان ملل در عراق جورجی بازتین به اسوشیتدپرس گفت: "آنچه در اشرف در روز یکم سپتامبر رخ داد، مسیر رخدادها را عوض می کند". او به کشورهای سوم هشدار داد که "این ماجرا زنگ هشدار است



تصفیه برخی از اعضایش، سازمان از آن شرایط برای خونریزی های بیشتر سود جسته و برای اهداف پروپاگاندایی از قربانی ها سوء استفاده کرده و آن ها را به قتل رسانده است. " در حالی که سازمان مجاهدین خلق نیروهای امنیتی عراق را متهم به کشتار در اشرف می کند، بغداد دست داشتن در این واقعه را تکذیب میکند و مقامات می گویند که نزاع داخلی دلیل این رویداد بوده است.

چه بر سر آن هفت نفری که ظاهراً ناپدید شده اند آمده است؟ دستگاه تبلیغاتی سازمان ادعا می کند که آن ها توسط نیروهای عراقی گروگان گرفته شده اند. اسوشیتدپرس گزارش می دهد که وزیر حقوق بشر عراق شیاء السودانی و مسئول مسائل مجاهدین خلق در دولت عراق جرج باکوس، هر دو تکذیب می کنند که این افراد در زندان های عراق باشند. بازتین، مأمور سازمان ملل نیز اطلاعی از مکان این افراد ندارد. مسعود خداینده عضو سابق سازمان و تحلیل گر مرکز مطالعات تروریسم، معتقد است که " بر اساس این گمان که مسعود رجوی در آن جا پنهان شده بوده است شواهد قوی وجود دارد که هدف از حمله به کمپ اشرف دستگیری و کشتن وی بوده است. " خداینده تصریح می کند که هفت فرد ناپدید شده حلقه ی درونی بسیار نزدیک به رجوی بوده اند. آن ها بخشی از نقشه ای از پیش طراحی شده برای نجات دادن وی در صورت رخدادن چنین حملاتی بودند. دیگر اعضا آن جا بودند تا در برابر هرگونه تهاجمی مقاومت کنند و به مسعود رجوی و محافظانش فرصت بدهند تا فرار کنند. " علاوه بر این ها، حمله به کمپ اشرف پیش تر نیز توسط سازمان پیش بینی شده بود. اگر واقعاً انتظار چنین حملاتی را داشتند، چرا پیش از کشته شدن این شمار زیاد از نیروهایشان کمپ را تخلیه نکردند و سر سختانه خواهان بازگشت به اشرف بودند؟

مزدا پارسی

برای همه ی کشورهای که می توانند دست یاری دراز کنند. " وی یادآور شد که انتقال، تضمین نهایی برای امنیت ساکنان لیبرتی است. با این وجود، مقامات سازمان ملل به اسوشیتد پرس گفته اند که فرایند انتقال کند بوده است زیرا بسیاری از ساکنان با روند انتقال همکاری نکرده اند و این موضوع تلاش ها برای جابجایی افراد را با پیچیدگی هایی مواجه کرده است.

مریم رجوی در پی بهره برداری بیشتر از آن چه خود " نتایج این شهادت ها و حماسه های قهرمانانه در اشرف " می خواند، به " مادران و خانواده های " اعضای کشته شده ی فرقه اش درود می فرستد. در حالی که مادران و خانواده های بیشتر این افراد سال ها بود که از عزیزانشان خبری نداشتند چرا که آن ها حق نداشتند با مادران و خانواده های چشم انتظارشان تماس بگیرند. حال که فرزندان این خانواده ها کشته شده اند، به آن ها به مناسبت " شهادت قهرمانانه ی " فرزندانسان تبریک و درود فرستاده می شود!

ماجرای کشتار ۵۲ ساکن اشرف بسیار مبهم به نظر می رسد. تنها فیلم ها و عکس های موجود از این واقعه توسط خود سازمان منتشر شده است.

هیچ عکس و فیلمی از چگونگی به قتل رسیدن این افراد در دسترس نیست. خبرگزاری تسنیم از یک مقام عراقی نقل می کند که ویدئوی منتشر شده از درگیری در قرارگاه نظامی مجاهدین خلق نشان می دهد که " بیشتر کشته شدگان در واقع به دست هم قطاران خود به قتل رسیده اند. " در تصاویری که سازمان از این واقعه منتشر کرده است، دست کم در دو مورد افراد مجروح از ناحیه ی کتف یا پهلوی آسیب دیده اند. این افراد چنانچه تصاویر نشان می دهد توسط همزمان خود جابجا می شوند و سپس همین مجروحان را در تصاویر بعدی می بینیم که به ضرب گلوله در سرشان کشته شده اند. منبع عراقی به تسنیم گفت: " با توجه به سوابق مجاهدین خلق در



مسئول اول تمامی قربانیان فرقه مجاهدین شخص مسعود رجوی است!

انجمن نجات مرکز فارس

پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲

چند روز پیش فرقه تروریستی رجوی در اخبار خود اعلام کرد که یکی از نیروهایش که به لیبرتی هم منتقل شده بود بنام محمدرضا که از ناحیه کلیه دچار مشکل هم بوده است متأسفانه فوت می کند. ایشان اهل استان خوزستان بودند. ضمن تسلیت به خانواده این عزیز از دست رفته لازم دانستم نکاتی را در خصوص چگونگی توضیح فرقه رجوی در خصوص از بین رفتن این کادر مجاهدین توضیح دهم!

مجاهدین در چگونگی علت مرگ ایشان گفتند که او که فارغ التحصیل رشته دکترای برق از دانشگاه های امریکاهم بوده است سالیان متمادی با این بیماری دست و پنجه نرم می کرده و بطوریکه قرار هم بوده است که یکی از همزمانش یکی از کلیه هایش را به او اهداء کند! ولی بدلیل اینکه دولت عراق اجازه عمل و پیگیری درمان را از سازمان سلب کرده بوده اینکار انجام نشده و اکنون دیگر محمدرضا از بین رفته است! فرقه رجوی این روزها بشدت سعی بر این دارد گذشته سیاه و ننگین و سراسر ضد انسانی حتی برای نیروهای خود را هم پاک و وارونه جلوه بدهد! مسعود رجوی از سالهای خیلی قبل رسماً اعلام کرده بود که هیچ کس را حتی برای درمان بیماری های صعب العلاج به خارجه نمی فرستیم. او حتی فکر کردن به دنیای غرب برای درمان را هم گناه کبیره اعلام کرده بود و می گفت کسی که در ذهنش حتی به خارجه فکر کند یک طعمه وزارت اطلاعات است و حکمش اعدام است! بدیهی است که انجام عمل جراحی پیوند کلیه در کشوری مثل عراق امکان پذیر نبوده است و محمدرضا برای پیگیری درمان خود بایستی به یکی از کشورهای اروپایی یا به کشور امریکا که او سالیان سال را در

انجا بسر برده بود و مشکلی بلحاظ رفتن نداشت منتقل می شد. اما فرقه رجوی با بهانه کردن این مسئله که دولت عراق اجازه درمان نمی دهد از انجام اینکار سرباز زد تا اینکه محمدرضا هم قربانی خودکامگی و لج و لج بازی رجوی شد! بیماری محمدرضا از سالیان پیش شروع شده بود و آنها خودشان هم می دانستند که اگر هر چه سریعتر پیوند کلیه انجام نشود او جان خود را از دست می دهد. محمدرضا می توانست حتی بصورت مستقل با پاسپورت خود به هر کشوری که می خواست منتقل شود اما این سران فرقه رجوی و مشخصاً شخص رجوی از خروج او از عراق ممانعت کرد! او می خواست با از بین رفتن محمدرضا برای خودش بازار گرمی کرده باشد و طوری خودش را مظلوم نشان دهد!

واقعیت این است که مسئول اول از بین رفتن محمدرضا و محمدرضاها های دیگر در این فرقه تروریستی رجوی است و بس! مراد



مصاحبه با آقای سیروس غضنفری درباره

درگیری و تخلیه اشرف

انجمن نجات مرکز آذربایجان شرقی

یکشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۲

با سلام به حضورتان که دعوت ما را پذیرفتید و برای مصاحبه به دفتر انجمن آمدید .

من قبل از شروع سوالات باید تشکر کنم از دست اندرکاران این انجمن که در این ۹ سال توانسته خودش را به نقطه ای برساند که امروز سران فرقه رجوی از افشاگری های این NGO هستریک وار موضع می گیرند که خودتان بهتر از من می دانید به هر حال فرقه رجوی از ضربه ای که خورده نمی داند، چطور می تواند موضع گیری کنند و تبریک به تمام رنج دیده های فرقه رجوی که امروز شاید شکست آنها را از نزدیک نظاره می کنند.

سوال: آقای سیروس غضنفری چنانچه شاهد هستید در روز ۱۰ شهریور یک گروه از خانواده های شهدای شعبانیه برای انتقام به اشرف حمله کردند و در این وسط حدود ۵۲ نفر از سران فرقه در آنجا کشته شدند مقصر اصلی این کار چه کسی بود و چرا این داستان پیش آمد ؟

جواب: من در روز ۱۱ شهریور از طریق فضای مجازی متوجه شدم و چنانکه می دانید در دو سال پیش هم من این را به نوعی گفته بودم که رجوی دنبال پیروزی در اشرف نیست بلکه دنبال کشته سازی در اشرف است و این کار را رجوی سالها پیش تصمیم گرفته بود که نباید از نفرات اشرف چه رده بالای آن و چه رده های پایین آن از اشرف سالم بیرون بروند و علت آن هم مشخص است و خودتان هم در آن سالها از خود رجوی شنیده بودید که می گفت: زنده شما به درد من نمی خورد و شما در آن زمان برای من ارزش دارید که کشته شوید و کسی نتواند از شما استفاده کند و این دیدگاه درسران این فرقه و همچنین در ایدئولوژی این سازمان است من این را می توانم

بگویم که در این داستان که باعث حمله به اشرف شد مسعود و مریم مقصر هستند. من به گذشته بر می گردم به آن زمان که من در اشرف بودم ، ما با خانم مهناز شهنازی در رده خودمان نشست داشتیم من در آن زمان به این اشاره کردم که ما باید از عراق خارج شویم چون حمایت کننده اصلی ما سقوط کرده و در عراق هر کسی سرکار بیاید به دلیل عملکرد ما در این کشور زیر ضربه خواهیم بود و بهتر است از عراق به کشورهای اروپایی برویم آن زمان سران فرقه مست رابطه با آمریکا بودند و ایشان به من گفت برادر گفته است یکی دادیم هزارتا خواهیم گرفت و اشرف شهر ، شهر هاست و این شهر ناموس مجاهدین است . من مجدداً دو هفته ی دیگر همین مسئله را طوری دیگر بیان کردم با همان مسئول نشست گفتم ما قبلاً به بغداد می رفتیم ما را توجیه می کردند که نزد مردم عادی صحبت نکنیم که مجاهد بودن ما را آشکار کنند و امروز ما خودمان همین کار را انجام می دهیم که قبلاً قرار نبود پیش کسی مجاهد بودنمان آشکار شود و همان ملت در عراق زندگی می کنند حتی همان همسایه های مان که در سال ۶۹ از ما ضربه خوردند و این داستان یک روز تکرار خواهد شد که حتی دولت عراق هم نمی تواند جلو آن را بگیرد ولی افسوس همان کارها پیش آمد و این تنها حرف من نبود بلکه نفرات دیگر هم این مطالب را می گفتند و جواب سران هم برای ما مشخص بود که خواهند گفت: آمریکا از ما حمایت می کند و ما با چنگ و ناخن رژیم عراق و ایران را سرنگون خواهیم کرد اگر این فرقه دارای یک گروهی منطقی بود آن زمان باید به نظر نفرات خود احترام می گذاشت و می آمد جواب می داد و ما به همین خاطر به این سازمان فرقه خطاب می کنیم که فقط نظر دو نفر مهم است و بقیه باید گفته آنها را عملی کنند بدون چون و چرا و اگر نظر آن دو عملی نشود و کسی موضع بگیرد خائن خطاب خواهند کرد و یا مزدور . به همین خاطر در این فرقه نفرات مثل برده باید کار کنند و مثل برده



گوش بفرمان آن دو باشند و چنانکه می دانید رجوی مقصر اصلی این داستان و مریم رجوی که به عنوان سخنگوی این فرقه درفرانسه ساکن است باید در آن کشور دادگاهی وجواب گوی این درد و رنج ها باشد و ایشان هم در این کشتار مقصر می باشد .

سوال: چنانکه می دانید فرقه رجوی چند روز پیش قرارگاه اشرف را تخلیه کرد به نظر شما این تخلیه پیروزی است یا شکست ؟

جواب : ممکن است رجوی درنشت ها این تخلیه را به پیروزی تبدیل کند و دراین زمینه ایشان هنر دارند و چنانکه در عملیات فروغ جاویدان آن شکست را به پیروزی تبدیل کرد اما بعداً مقصر اصلی شکست ، نفرات شدند که با بحث تنگه و توحید همه قبول کردند که ما مقصر هستیم و ما بودیم که شکست خوردیم و امروز هم ایشان این را پیروزی می داند ولی چطور در درون تشکیلات می گوید ما پیروز شدیم چون کشته داشتیم و آن خون ها ادامه راه ماست ولی در بیرون سخنگو این فرقه می گوید هر کس از شکست ما بنویسد و یا بیان کند در آینده به حساب آن خواهیم رسید این دو تناقض همیشه دراین سازمان وجود داشت و دارد اما به نظر من این یک شکست تلخ برای این سازمان از سه جنبه است . اولین مورد آن شکست ایدئولوژیکی است مورد دوم شکست استراتژیک مورد سوم شکست تشکیلاتی این سازمان بوده و هست و از آن روز که سران فرقه تصمیم به خارج شدن از این کمپ گرفتند شکست از آن روز شروع شد ولی رجوی این را قبول نمی کرد که درعراق دارد شکست می خورد و باید بپذیرد و به تمام نفرات بگوید من اشتباه کردم چون نمی خواهد این را بگوید دست به هر کاری می زند به عنوان مثال حدود یک ماه پیش در نواری ویدئویی به نفرات زندانی گفت بروید گم شوید ، بیان این کلمه از یک فرد که خود را رهبر معنوی خطاب می کند این را می رساند که خود از شکست باخبر است ولی دنبال بهانه است که مقصر این شکست ها را

خود نفرات بداند ، این گروه با تخلیه اشرف پایان راه خود را امضاء کرد و بعد از این ، این فرقه باید توسط کسانی دیگر از لیبرتی خارج شوند چون رجوی امروز نزد نفرات خود اعتبار ندارد و این شکست دردوماه آینده درداخل تشکیلات بروز خواهد کرد چون امروز سران فرقه نفرات را با آن ۵۲ نفر سرگرم کردند ولی این ادامه دار نیست و در داخل تشکیلات نفرات را تبدیل به خون خواهی از رجوی خواهند کرد و قبلاً گفته بود من نمی گذارم از دماغ کسی خون بیاید و همان نفر تا امروز صد ها نفر را به کشتن داده تا خود کمی بیشتر عمر کند و این خون خواهی درونی یک شکاف باز خواهد کرد که نفرات در داخل همان کمپ به زد و خورد خواهد کشاند.

سوال: به نظر شما آینده این گروه در عراق ویا دریک کشور دیگر چطور خواهد بود ؟

قبل از جواب سوال شما من اشاره داشته باشم در نشست های ما درعراق با خود رجوی او به این موضوع اشاره می کرد که اگر عراق نباشد سازمانی هم دیگر وجود نخواهد داشت این حرف را رجوی قبل از حمله آمریکا به عراق در آخرین توجیه اش که بعد از آن دیگر نشست نگذاشته است گفت ما باید از سید رئیس حمایت کنیم با تمام وجود حتی نیاز شد مثل جنگ خلیج حمایت علنی کنیم آن موقع ما رادیو و تلویزیون خودمان را تعطیل کردیم ولی این بار ما هم به نفع میزبان اخبار را ارائه خواهیم کرد و ما با میزبان هم استراتژی هستیم و به هم وابسته اگر ایشان دراین جنگ شکست خورد ما هم شکست خوردیم و آن هم شکست استراتژیک ، من فقط به خاطر این حرف خود رجوی این را می گویم که این فرقه دیگر درعراق جایی ندارد و نقطه اصلی این گروه هم درعراق گرفته شد و رجوی دیگر نمی تواند یک تعدادی را درعراق به عنوان رزمنده حفظ کند تا درخارج برای آنها دلسوزی کنند این دیگر وجود ندارد و اگر نفرات موجود درکمپ لیبرتی را هم از عراق خارج کنند این نفرات درسه گروه خواهد بود آن شقه در



در این چند سال زحمت کشیده و افشاگری کردند من یاد آن روزها می افتم که یک مادر جلو اشرف فریاد می زد بگذارید من یک بار هم که شده فرزندم را از نزدیک ملاقات کنم و این ناله ی من روزی اینجا را ویران خواهد کرد و همان شد و ما امروز شاهد هذیان گویی های سخنگوی این فرقه در رسانه ها که موضع گرفته ، خودشان هم متوجه شکست شده اند و من امیدوارم به زودی آن دسته گروگان ها که دست این ها در عراق هستند آزاد شود و آنها هم رها شوند و این تنها خواسته من برای آن دسته که در دست سران فرقه در لیبرتی زندانی هستند می باشد.

سوال: آقای سیروس حدود ۱۷ سال در این گروه بودی از نزدیک با این تشکیلات آشنا هستی نظر شما در خصوص ظلم هایی که فرقه رجوی به شما و سایر دوستانتان کرد چیست؟

جواب: من قبلاً هم به این موضوع اشاره کرده بودم ولی الان می خواهم کوتاه بگویم من و من های دیگر در آن تشکیلات عمرمان را از دست دادیم آن هم بهترین دوران عمرمان . ولی خیلی ها هستند که جگر گوشه خود را توسط این فرقه از دست داده اند و همه ما منتظر روز اجراء عدالت هستیم و آن روز دور نیست که ما به حقمان خواهیم رسید.

سوال آخر: آیا حرف های دیگری هم داری که در این مصاحبه نکرده باشید ؟

جواب: ما خیلی حرف داریم ولی من به این جمله اشاره می کنم که سران فرقه و رهبران آن این را بدانند که صدامی که آنها را حمایت می کرد دیگر وجود ندارد و امروز هم سی سال پیش ایران نیست ایران امروز به عنوان یک قدرت منطقه ای تبدیل شده و سیاست تک قطبی هم در این نقطه تمام شده است و این شکاف هم وجود ندارد و در ترکیب قدرتهای منطقه ای ایران هم نقش یک بازیگر اصلی دارد که تنها یک راه برای فرقه رجوی وجود دارد آن هم رها کردن نفرت لیبرتی می باشد و این هم در چند ماه آینده تحقق پیدا خواهد کرد.

درون این فرقه وجود دارد که به هر کشوری انتقال دهند ما شاهد جدایی نفرت با ابعاد بیشتر خواهیم بود گروه دوم بین این گروه و خارج از گروه باقی خواهند بود اما چون در آن کشور حمایت کننده نیاز دارند و هر موقع آن دسته احساس کردند که استقلال پیدا کردند آن زمان این گروه را ترک خواهد کرد و دسته سوم به خاطر اشتباهات خود که سالها انجام داده اند کج دار و مریض ادامه حیاط را با رجوی دیگر خواهند داد که داستان خود رجوی به نظر من مثل اوجالان و شاید هم داستان مریم هم به آن شکل پیش بیاید و رجوی ها دیگر که آینده این فرقه را ادامه دهند یک فرقه عجیبی خواهد شد آینده این گروه بعد از صدام پایان یافته می شود .

سوال: به نظر خود آیا رجوی بیرونی خواهد شد یا نه ؟

جواب : ایشان خودش بیرونی نخواهد شد اما ایشان را بیرونی خواهند کرد به نظرم از درون خودشان محل اختفاء ایشان لو خواهد رفت همان دوستان خود که امروز مریم از آنها استفاده می کند و می گوید دوستان ما در همه صحنه ها بوده و خواهند بود همانها بیرونی خواهند کرد و چون سرعت تحولات امروز درباره این گروه بیشتر شده شاید خیلی طولانی نشود و من مطمئن هستم با این روند ایشان را بیرونی کنند .

سوال: آیا این گروه بعد از حمله به اشرف و آن پیام هایی که آنها داده اند و از رسانه ها انتظار داشتند توانستند به آن برسند و بتواند از این اتفاق بهره برداری کنند ؟

جواب: باید بگویم نه و این فرقه انتظار نداشت که چنین اتفاقی را اینطوری در رسانه ها بایکوت کنند و به همین خاطر هم مریم رجوی از آمریکا خواست که هر چه سریعتر کمک کند نفرت باقی مانده در اشرف را به لیبرتی انتقال دهند و من به همین خاطر می گویم که این فرقه دیگر نمی تواند از شکاف موجود عراق هم استفاده کند و این هم نتیجه کاری است که جدا شده ها و خانواده ها



وکیلان خبریه

سازمان مجاهدین خلق سران عراق و ایران را تهدید به ترور کرد

خبرگزاری "نون" پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲ سخنگوی سازمان مجاهدین خلق، سران عراق و ایران را تهدید به ترور کرد و این مساله را به خاطر گرفتن انتقام اخراج عناصر این سازمان از اردوگاه اشرف در استان دیالی عراق عنوان نمود.

سایت "هابیلیان" (که مختص اخبار تروریسم است) گزارش داد: «این تهدید از طریق سایت رسمی سازمان خلق در اینترنت و به زبان فارسی منتشر شده و این تهدید دو هفته پس از کشته شدن تعدادی از عناصر این سازمان در اردوگاه اشرف صورت گرفته است.»

این سایت که به نقل از سخنگوی سازمان خلق این خبر را نقل کرده و نامی از این سخنگو به میان نیآورده است، به نقل از این فرد دشنام ها و الفاظ رکیکی علیه مسئولان عراق و ایران منتشر کرده و تهدید نموده که در هر جای جهان که باشند آنها را به قتل خواهند رساند.

به نظر می رسد اعتماد به نفس سازمان خلق در رابطه با اینکه مورد پیگرد قانونی قرار نخواهد گرفت و حمایت برخی کشورهای غربی از آنان باعث شده که سازمان خلق، اظهاراتی خطرناک و این چنینی را مطرح نماید.

زمره مجاهدی خلق تتوعد قادة العراق و ایران بالتصفیه

قرنطینه کردن ۴۲ نفری که از کمپ سابق اشرف به لیبرتی انتقال داده شدند.

این افراد را در لیبرتی ایزوله کرده اند و در قرنطینه نگه می دارند و نمی گذارند با بقیه تماس برقرار کنند، تا آنچه راکه در اشرف گذشته در محافل خصوصی با نفرات دیگر بیان کنند. طبق خبرهای رسیده از داخل کمپ موقت لیبرتی، پس از ۱۲ روز شکاش برای تعطیل کردن اشرف و انتقال ۴۲ نفر باقی مانده، مدت ۱۴ روز است که مابقی افراد زنده، از کمپ سابق اشرف به لیبرتی انتقال داده شده اند. این افراد را در لیبرتی ایزوله کرده اند و در قرنطینه نگه می دارند و نمی گذارند با بقیه تماس برقرار کنند، تا آنچه راکه در اشرف گذشته در محافل خصوصی با نفرات دیگر بیان کنند. ترس و وحشت سازمان از پس لرزه های این موضوع درون تشکیلات است. برای کشته شدن این ۵۲ نفر در محافل خصوصی خیلی ها که مسئله دار شده اند نظرات خود را بیان می کنند، اما بدلیل خفقان شدید جرأت نمی کنند که انتقادات خود را بیان کنند و سران سازمان به مسئله واقف هستند.

محمد کرمی، وبلاگ عیاران، ۴ مهرماه ۹۲

سیاسی محاکمه می‌شویم و اعتماد به رژیم داشته و می‌خواستیم از طریق انتخابات دست به اصلاحات بزنیم. بعد از ما زبان تفنگ سخن خواهد گفت.

از آن پس (سال تأسیس ۱۳۴۴)، رهبران و اعضای سازمان در شرایط پیچیده‌ی امنیتی به خانه‌های امن تیمی رو آورده و در یک طرح تشکیلاتی و در قالب شاخه‌های مختلف به تحقیق گسترده‌ای در موضوعات مختلف فلسفی و سیاسی مبادرت ورزیدند.

این دوره به مدت ۶ سال به طور انجامید و حاصل آن چهار رساله و جزوه درون گروهی به نامهای «شناخت»، «راه انبیا و راه بشر»، «تکامل» و «اقتصاد به زبان ساده» بود. همچنین رساله «امام حسین علیه السلام» را می‌توان به این مجموعه اضافه کرد.

به موازات اقدامات فوق در اواخر دهه ۱۳۴۰، عده‌ای از اعضای سازمان به منظور آموزش دوره‌های چریکی و آمادگی لازم برای ورود به عرصه‌ی مبارزات مسلحانه، عازم اردوگاه‌های فلسطینیان در کشورهای لبنان، سوریه و اردن شدند.

واقعیت آن است که در آن سال‌ها به دلیل گسترش مبارزات چریکی و مسلحانه، در اغلب کشورهای اسلامی و جهان سوم و جاذبه خیره کننده‌ای که از این طریق به دست آمده بود، جو سیاسی داخل کشور در میان روشنفکران و روحانیون مبارز به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بود.

مؤسسين و اعضای اولیه سازمان به دلیل سابقه اسلامی و ارتباطاتی که از قبل با شخصیت‌هایی مذهبی همچون مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی، آیت الله مطهری و شیعه بهشتی داشتند، به سرعت توانستند نظر اعتماد بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و متدینین بازار و



منافقین از آیت‌الله طالقانی پیروی نمی‌کردند

مهندس محمد غرضی در گفتگو با خبرگزاری فارس

پنج‌شنبه، ۴ مهر ۱۳۹۲

در پیدایش «سازمان مجاهدین خلق ایران» در اواسط دهه ۱۳۴۰ معلول شرایطی است که رژیم پهلوی پس از سرکوب قیام ۱۵ خرداد و تبعید رهبر قیام به ترکیه و سپس عراق و دستگیری تعداد بی‌شماری از مبارزان و نخبگان سیاسی و مذهبی و در بن بست قراردادن گروه‌ها و احزاب آزادی‌خواه، دوران جدیدی از حکومت استبدادی و سرکوبگرانه‌ی خود را آغاز کرد.

بنیان‌گذاران سازمان (محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان)، قبل از آن عضو نهضت آزادی ایران و از شاگردان مرحومان، طالقانی و بازرگان به شمار می‌آمدند. آنان معتقد بودند که در شرایط جو خفقان و انسداد سیاسی، خشونت را باید با خشونت پاسخ داد و در برابر مشی مسالمت‌آمیز و حرکت قانونمند بایستی مشی مسلحانه را در برابر رژیم اتخاذ نمود. این باور قبل از آن در آخرین دادگاه بازرگان در سال ۱۳۴۲، توسط وی به رژیم هشدار داده شده بود: ... ما آخرین نفراتی هستیم که در این دادگاه به اتهام



اصناف را به خود معطوف ساخته و از حمایت‌های مادی و معنوی آنان برخوردار شوند.

بنیان‌گذاران و بیش از ۹۰٪ از کادرهای اصلی سازمان قبل از هرگونه اقدامی علیه رژیم، در شهریور ۱۳۵۰ پس از ۶ سال تلاش مداوم و مخفیانه، توسط تورهای پلیس و ساواک (که از قبل با نفوذ در شبکه‌ی مجاهدین آنها را شناسایی کرده بودند) دستگیر و همگی به مجازات‌های اعدام و حبس‌های طویل‌المدت محکوم گشتند. این واقعیت تلخ را باید پذیرفت که به دلیل شرایط اختناق و عدم ارتباط گسترده آنان با متفکران دینی و سیاسی، مضمون و محتوای فکری مجاهدین و آثار مکتوب آنها از دید روحانیون و رهبران مذهبی به دور ماند و تنها پس از حوادث سال ۱۳۵۰ و دستگیری رهبران مذهبی و زندگی مشترک در زندان شاه منتهی به شناخت کامل از تفکر و ایدئولوژی مجاهدین در نزد حامیان مذهبی آنها گشت. این موضوع زمانی علنی و شفاف شد که سازمان در سال ۱۳۵۴ رسماً تغییر مواضع ایدئولوژیک خود را از اسلام به مارکسیسم به اطلاع همگان رساند و از آن پس، دوران ادبار و فروپاشی سازمان فرا رسید. اما امروز با نگاهی به این سازمان مخوف که از تمام اهداف اولیه خود دور شده است با محمد غرضی یکی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق که بسیار زود از سازمان جدا شد و انقلابی در خدمت انقلاب اسلامی قرار گرفت و پست‌های مهمی هم در انقلاب به دست آورد به گفت‌وگو نشستیم که در ذیل می‌آید:

چگونه با بنیان‌گذاران سازمان آشنا شدید؟

— شهید محمد حنیف نژاد، سعید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان که پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق بودند هم سن و سال و دوست و

مانوس بودم. آشنایی من با این عزیزان از اول بهمن ۱۳۴۰ که تظاهرات آغاز شد صورت گرفت.

زمینه آشنایی شما کجا بود؟

— دانشگاه

فکر اولیه تشکیل سازمان مجاهدین از کجا کلید خورد؟

— جبهه ملی در سال ۱۳۳۹ از موقعیت سیاسی که در جهان ایجاد شده بود بهره‌برداری سیاسی کرد تا قدرت پیدا کند. از طرفی دولت علی‌امینی در کشور بر سر کار آمد و از طرف دیگر در امریکا «جان اف. کندی» رئیس‌جمهور امریکا شد. به این ترتیب جبهه ملی موقعیت ورود به قدرت را پیدا کرد.

در سال ۱۳۳۹ یکصد هزار نفر از مردم دعوت جبهه ملی را لبیک گفتند و در پارک لاله گرد هم آمدند. شب قبل از همایش اعضای جبهه ملی جلسه گذاشتند که چه کسی باید در همایش بحث کند. که قرعه به نام شاپور بختیار افتاد و در جلسه تصمیم گرفته شد در مورد پیمان سنتو بحث شود. آقای بختیار در اجتماع ۱۰۰ هزار نفری مردم گفت: که ایران باید از سنتو خارج شود. سخنرانی بختیار فرصت را برای شاه فراهم کرد تا به امریکا برود و مقامات امریکایی را مجاب کند که جبهه ملی با سنتو مخالف است به این ترتیب مقدمات عزل دولت امینی فراهم شد.

از آن به بعد اختلاف در گروه ملی پدید آمد. مهندس بازرگان و یدالله سبحانی و آیت‌الله طالقانی نهضت آزادی را تشکیل دادند. و نهضت آزادی متشکل از افرادی بود که تمایلات اسلام‌گرایانه داشتند. کسانی که در جبهه ملی فعالیت می‌کردند و تمایلات اسلام‌گرایانه داشتند نهضت آزادی را



چگونه سازمانی با این اهداف متعالی دچار دگردیسی شد؟

— البته دگردیسی سازمان مقداری جای بحث دارد. به نظرم تحولات اجتماعی مهمتر از افراد است. اهمیت سمت و سوی تحول اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. لاجرم سازمان مجاهدین خلق نیز از این قاعده مستثنی نبود. سازمان مجاهدین خلق سال ۴۹ دست به هواپیما ربایی زد. به این ترتیب توانستند موج اجتماعی در راستای اقدامات سیاسی، نظامی و اسلامی در جامعه ایجاد کنند. از دیگر عواملی که به اقدامات مسلحانه و عضوگیری سازمان کمک کرد عدم توانایی سربازگیری رژیم گذشته بود. به این ترتیب نیروی علاقمند به اقدامات نظامی به سازمان پیوستند و سازمان نظامی شکل گرفت.

این پتانسیل اجتماعی در راستای اقدامات سیاسی و نظامی سازمان تا زمان دستگیری به شدت رشد پیدا کرد. طبیعی است وقتی یک نیروی سیاسی در بدنه اجتماعی نفوذ کند و طرفدار پیدا کند دشمنانش نیز بیکار نمی‌نشینند و برای شکست آن پدیده نقشه می‌کشند.

گروها معاند و معارض که نمی‌توانستند ببینند یک تشکیلات نظامی، سیاسی و اسلامی رشد پیدا کند، برای شکست سازمان سعی کردند در ستاد سازمان نفوذ کنند. برای نفوذ نخست حوزه‌هایی که می‌توانستند با سازمان تعامل کنند را برگزیدند که این امر در زندان اتفاق افتاد. حزب توده و دیگر احزاب چپ غیر اسلامی در سازمان نفوذ کردند. ساواک نیز برای شکست سازمان به شدت فعال بود. اقدامات نیروهای رقیب و ساواک نتیجه داد و سازمان دچار دگردیسی شد به طوری که برای اولین بار در سال ۴۹ و ۵۰ اسم مارکسیست اسلامی مطرح می‌شود.

تشکیل دادند. بعد از تشکیل نهضت آزادی زمینه آشنایی ما با افراد نهضت آزادی بیشتر شد.

زمانی که به هر دلیلی از سازمان مجاهدین خلق جدا شدید آیا سازمان به اهداف اولیه خود پایبند بود یا دچار دگردیسی شد؟

— از سازمان نبریدم بلکه سازمان از ما برید. طیف متجاوز خودش را از مبارزه محروم کرده بود. در ۶ بهمن سال ۱۳۴۱ بود که شاه قصد داشت رفورم ۶ ماده‌ای را اجراء کند. این رفورم خط کشی‌های سازمان را جدی تر کرد.

نهضت آزادی در زمان قیام ۱۵ خرداد به همت آیت‌الله طالقانی اعلامیه ۱۵ خرداد را مبنی بر اینکه دیکتاتور خون می‌ریزد را منتشر کرد. به علت انتشار این اعلامیه مجموعه نهضتی آزادی‌ها به دادگاه رفتند. این عوامل زمینه‌هایی شد که بعد از ۱۵ خرداد خطوط بسیار روشن شود. بعد از قیام، مذهب‌یون به یک سمت تمایل پیدا کردند و غیر مذهب‌یون به سمت دیگر تمایل پیدا کردند. به این ترتیب اعضای سازمان پراکنده شدند و از اعضای سازمان عده‌ای مانند احمد سلامتیان و ابوالحسن بنی‌صدر راهی فرانسه شدند. و بقیه هم راهی زندان شدند. بعد از روشن شدن خطوط سازمان و اعضا مقاومت مسلمان‌ها در برابر جریان کندی - امریکایی شکل تعیین کننده‌ای گرفت. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ مشخص کرد که قدرت سیاسی اصلی کجاست. معلوم شد مقاومت‌های جدی تر و محکم‌تری برای مبارزه با رژیم صورت می‌گیرد.

بعد از اینکه تقی‌شهرام از زندان فرار کرد و یا فراری‌اش دادند آرام آرام منافقین توسط تقی‌شهرام وارد سازمان شدند.



ویژگی شخصیتی مسعود در دگردیسی سازمان نقش داشت؟

بحثی که آقای میثمی گفتند قطعاً درست است. گزارشی از واقعه است که قطعاً اتفاق افتاده است. متأسفانه می‌تواند فردی نظریاتی پیدا کند می‌تواند خودش را بر دیگران تحمیل کند. قبل از زندان این بحث‌ها بسیار کم رنگ بود. وقتی سازمان قدرت اجتماعی پیدا می‌کند مدعیانی پیدا می‌کند. من از جزئیاتش مطلع نیستم. اما قبل از زندان مطلع هستم این بحث‌ها اتفاق افتاد.

سازمان بستر اجتماعی خود را چگونه از دست داد؟

سازمان بعد از اینکه شناخته شد هجوم اجتماعی برای کمک به این مجموعه خیلی رشد کرد. اینکه مدعی پیدا کرد این حرف درست است و اینکه چه کسانی به سمت انقلاب رفتند و چه کسانی به سمت ادعا رفتند این از شواهد مشخص است.

افرادی سعی کردند انقلابی بمانند و انقلابی ماندند. عده‌ای هم مدعی ریاست بودند و می‌خواستند فرمان و تئوری دهند. که این کار را کردند؟

نقش آقای شریعتی و آیت‌الله طالقانی را در مورد مجاهدین بفرمایید؟

سخنرانی علی شریعتی تا قبل از سال ۴۹ در حسینه ارشاد از چنان استقبالی برخوردار نبود. اما زمانی که مجاهدین خلق مبارزه مسلحانه را شروع کردند و شهید دادند آرام آرام سخنرانی شریعتی در حسینه ارشاد با استقبال فراوان جوانان روبرو شد. دکتر شریعتی توانست نقش امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) را در عصر جدید بازنمایی و الگو برداری کند. حسینه ارشاد نیز تحت تاثیر تحولات اجتماعی خیلی رونق می‌گیرد.

برای تحلیل درست سازمان نباید عوامل سیاسی و اجتماعی و اتفاقات داخل کشور و عوامل دیگر را از هم جدا کنید. در زندان عده‌ای چپ کردند. اتفاقی که افتاد این بود که به محض اینکه جریان چپ و جریان غیر اسلامی در سازمان اعلام موجودیت کرد به سرعت عده‌ای منزوی شدند و در داخل تشکیلات مورد هجمه قرار گرفتند. جامعه نیز به تغییر ایدئولوژی عکس‌العمل نشان داد.

اشخاص چه نقشی در به انحراف کشیدن سازمان مجاهدین داشتند؟ به طور مثال اگر آقای حنیف‌نژاد و مهندس سعید و بدیع‌زادگان زنده می‌ماند چه اتفاقی می‌افتاد؟

سازمان تا زمانی که در بدنه اجتماعی زمانه خود نفوذ نکرده بود مدعیان کمی برای رهبری داشت. اما رفته رفته با نفوذ در بدنه اجتماعی آرام آرام مدعیانش زیادتر شدند. مثلاً در آن دادگاهی که من نیز بودم ناصر صادق، نفر اول، مسعود رجوی، نفر دوم، محمد بازرگان، نفر سوم و علی میهن دوست، نفر چهارم بود. این چهار نفر محکوم به اعدام شدند و چون برادر مسعود در سازمان ملل کار می‌کرد تلاش بسیاری کرد از اعدام مسعود جلوگیری کند و در این راه موفق شد و مسعود با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد و بعد از اینکه به حبس ابد محکوم شد احساس قدرت کرد و در داخل زندان خود را مسئول سازمان معرفی کرد. البته در زندان توفیق چندانی نیافت و بعد از انقلاب این توفیق را به دست آورد من اعتقاد دارم که با تمرکز به اشخاص نمی‌توان پی به حقیقت برد.

آقای میثمی معتقد بود که مطالعات بیش از اندازه مسعود را مغرور کرده بود. آیا



شما به عنوان کسی که پایه‌گذاران مجاهدین خلق از دوستان شما بودند و با هدف اولیه آنان آشنا هستید وقتی پایان خونین این سازمان را نگاه می‌کنید چه حسی دارید؟

من احساس می‌کنم که متأسفانه عده ای، تعداد زیادی از سربازان انقلاب که می‌توانستند در کشور مفید باشند را به بیراه بردند و ماهیت آنها را سلب کردند و اینها را گمراه کردند. متأسفانه ۱۷ هزار نفر را از مجموعه وفادار به انقلاب مردمی شهید کردند. متأسفانه به دامن صدام و کشورهای خارجی افتادند.

شستشوی مغزی

دکتر مسعود بنی صدر

بسیاری از جدانشدگان از فرقه های مخرب علی رغم اینکه در صحبت های خود بسیار از فرقه و شستشوی مغزی توسط فرقه سخن می گویند، اما حتی بعد از گذشت چندین سال جدائی از فرقه هنوز ته دلشان مطمئن نیستند که آیا حضور آنها در فرقه به اختیار خودشان بوده است و یا به نوعی شستشوی مغزی شده و در فرقه به بردگی کشیده شده اند. جهت کمک به جدانشدگان از فرقه های مخرب سلسله مقالاتی را به نگارش در آورده ام. در این مقالات سعی کرده ام بطور مختلف و با استفاده از آخرین دست آوردهای علمی و تجربی نشان دهم که چرا ما می گویم افراد جذب شده به فرقه های مخرب به اختیار خود به آنها نپیوسته و مختارانه برده فرقه نشده اند.

مرحوم شریعتی در سال ۳۷ برای تحصیل به فرانسه می‌رود و سال ۴۳ برمی‌گردند. ابتدا در مشهد معلم بود و بعد به تهران می‌آیند و تا قبل از قیام مسلحانه جلسات شریعتی مملو از مشتاقان نبود و بعد از قیام مسلحانه از مشتاقان مملو شده بود.

درباره آیت‌الله طالقانی نفرمودید؟

آقای طالقانی از مبارزین انقلابی در دوره رضاخان بود و از سال‌های ۱۳۱۸ به بعد ایشان تبدیل به چهره شاخص مبارزاتی شد. بسیاری از جریان‌های سیاسی به او نزدیک بودند. آیت‌الله طالقانی نواب صفوی را در طالقان مخفی کرد.

سال‌های ۳۰ تا ۴۰ نهضت آزادی را تشکیل می‌دهند و در زندان کتاب «پرتوی از قرآن» را نوشتند و بعد از این که این کتاب منتشر می‌شود آقای طالقانی موفق می‌شوند مقداری تحلیل‌های اجتماعی را به تفسیر قدسی بیافزایند تا در مقابل نفوذ مارکسیست موثر باشد. این درحالی است که قبل از این تفسیر، تمام تفاسیر قدسی و متکی به آیات و روایات بود. جوانان مبارز دیگر روش‌های مسالمت جویانه نهضت آزادی را در مبارزه نمی‌پسندید. به همین دلیل سازمان مجاهدین خلق را تشکیل دادند. و در سال ۴۳ سران نهضت آزادی محاکمه شدند و این محاکمه ۷۸ جلسه طول کشید. البته من در همه جلسات دادگاه حضور داشتم - در یکی از جلسات بازرگان به رئیس دادگاه گفت: که ما آخرین گروهی هستیم که با قبول قانون اساسی مبارزه می‌کنیم. قره‌باغی رئیس دادگاه وقت، به شدت قرمز شد. مبارزه بازرگان و آیت‌الله طالقانی تا حدودی تابع قانون مشروطه بود. ولی سازمان با او همراهی نداشت و مسعود رجوی و اعضای سازمان لقب پدر به آیت‌الله طالقانی دادند اما از او تبعیت نمی‌کردند.

از تشکیلات فرقه ای رجوی شود. جدا شده‌های این گروه هدف مسعود رجوی از ساخت این برج را ایجاد نماد و شبیه‌سازی با اماکن تفریحی و دیدنی ایران را داشتند.

هدف از ایجاد این برج استفاده از تصاویر آن در ویدئوها و عکس‌های منتشر شده از رسانه‌های این گروه بود تا چهره ای بانشاط و پویا از این بیابان واقع در جاده خالص نشان داده شود. گفتنی است با آزادسازی پادگان اشرف از وجود اعضای گروه مجاهدین و با از بین رفتن آثار و بناهای باقی‌مانده از این گروه، یاد سال‌ها جنایت و خیانت مجاهدین در حق مردم عراق برای همیشه محو خواهد شد.



نابودی نمادهای مجاهدین در عراق؛ برج پادگان اشرف سرنگون شد

مؤسسه راهبردی دیده‌بان

دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۲

با خروج آخرین نفرات گروه مجاهدین از پادگان اشرف، برج موسوم به آزادی در این پادگان سرنگون شد تا هیمنه پوشالی این گروه برای همیشه از یاد ملت عراق پاک شود.

به گزارش مؤسسه راهبردی دیده‌بان، برج آزادی اشرف که مرتفع‌ترین برج این پادگان بود، بعد از خروج آخرین گروه از اعضای مجاهدین از پادگان اشرف، سرنگون شد.

به گفته شاهدان عینی در اطراف این پادگان، اعضای مجاهدین با ناامیدی و ناراحتی فراوان شاهد سرنگونی پایه‌های این برج بودند و این آخرین تصویری بود که از پادگان اشرف به یاد سپردند.

برج آزادی تقریباً در مرکزی‌ترین نقطه این پادگان و در وسط خیابان ۱۰۰ (خیابان اصلی اشرف) بنا شده بود و بنا به گفته اعضای جدا شده این گروه، با صرف هزینه‌ای بسیار زیاد و بیگاری اعضای مجاهدین در طول چندین ماه ساخته شده بود تا شاید بتواند ایجاد روحیه و انگیزه برای اعضای فریب خورده در این پادگان باشد و مانع ریزش نیرو



وی همچنین تاکید کرد: مجاهدین در سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ در اعمال تروریستی در استان دیاله نقش داشتند و با خروج آنها از این اردوگاه، استان دیاله هم از شر آنها خلاص می شود. وی ابراز امیدواری کرد حضور مجاهدین در اردوگاه ترانزیت موقت باشد و به زودی خاک عراق را ترک کنند.

صبح روز دهم مرداد جمعی از مردم و خانواده های شهدای عراقی که فرزندانشان به دست مجاهدین به شهادت رسیده اند با حمله به پادگان اشرف، خواستار خروج همه مجاهدین از عراق شدند که این مسئله منجر به درگیری شد.



دفتر سازمان ملل: وقت آن رسیده

مجاهدین از عراق بروند

واحد مرکزی خبر

شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۲

جورجی بوستن معاون نماینده سازمان ملل در عراق با صدور اطلاعیه با اعلام اینکه آخرین گروه از مجاهدین از اردوگاه اشرف خارج شدند از کشورها خواست مجاهدین مستقر در عراق را هر چه زودتر به کشور ثالث منتقل کنند.

به گزارش واحد مرکزی خبر از بغداد، در این اطلاعیه آمده است: وقت آن فرا رسیده است تا کشورهای دیگر در اسرع وقت مکانی به غیر از عراق را برای اعضای این گروه در نظر بگیرند تا خاک عراق را در اسرع وقت ترک کنند.

از سوی دیگر سرلشگر جمیل الشمری رئیس پلیس استان دیاله عراق دیروز بطور رسمی اعلام کرد: آخرین گروه از مجاهدین که چهل و دو نفر هستند اردوگاه اشرف را به مقصد اردوگاه ترانزیت در نزدیک فرودگاه بغداد ترک کردند.

الشمری افزود: مجاهدین پس از سی سال حضور در اردوگاه اشرف در نهایت این اردوگاه را ترک کردند و دولت عراق هم بطور رسمی اردوگاه اشرف را مسدود کرد.

انتقاد معاون وزیر خارجه آمریکا از منافقین: اجازه دهید روند انتقال به خارج از عراق پیش رود

انجمن دفاع از قربانیان تروریسم به نقل از اجلاس سنای آمریکا (شنبه ۱۳ مهر ۹۲)

دیروز در اجلاس استماع کمیته خارجی سنای آمریکا معاون وزیر خارجه آمریکا از اخلاص رهبران منافقین در روند انتقال اعضاء این فرقه به خارج از عراق انتقاد کرد. وی که در پاسخ به سوالات دو سناتور حامی منافقین سخن می گفت علناً اظهار داشت: "من از رهبری مجاهدین در کمپ و مستقر در پاریس می خواهم تا اجازه دهند این انتقال پیش برود زیرا تا زمانی که این انتقال محقق شود امنیت و سلامت در خطر خواهد بود. ما هر کاری را که از دستمان بر آید انجام خواهیم داد تا این افراد در کمپ در امنیت به سر ببرند. اما همان طور که شما اشاره کردید تهدید القاعده در عراق در حال افزایش است و این امری مشکل است."

منظور رسیدن به اهداف پلید سیاسی و منافع حقیر گروهی سوءاستفاده می کند.

آقای راکی در پاسخ ضمن اظهار تأسف از کشته شدن تعدادی از اعضا در حادثه اخیر گفت؛ شک ندارم که مسئول اصلی تمامی این خونریزیها شخص رجوی است. برادر من در جریان جنگ به اسارت نیروهای عراقی درآمده بود و برخلاف میل خودش و با فریب به فرقه رجوی فروخته شد.

سالیان است که هیچ گونه اطلاعی از او نداریم و مادر بیمارم مستمر سراغ او را می گیرد و اتفاق اخیر بدتر نگرانی ما و مادرم را دوچندان کرده. آخر تا کی باید این نگرانی ما ادامه داشته باشد. رجوی که بویی از انسانیت نبرده و الان هم معلوم نیست کجا گم و گور شده و با فتنه گری که می کند باعث شده که هربار تعدادی از افرادی که به معنای واقعی گروگان می باشند کشته شوند. ما اشک تمساح ریختن زن رجوی که خودش جای امنی زندگی می کند را نمی خواهیم. من دوست دارم او دست از سر برادرم بردارد تا به دنبال زندگی عادی خود برود و البته دوست داریم به وطن و نزد خانواده برگردد تا روزی اشک ریزی و چشم به در دوختن سالیان مادرم تمام شود. باور کنید در صورتی که برادر اسیرم آزاد شود و بخواهد به خانه و وطن برگردد حاضرم تمام زندگی ام را با او تقسیم کنم. بنابراین ما خانواده ها از زحمات شما بی نهایت متشکریم چون شما به یک وظیفه انسانی و خدایی عمل می کنید. ما از شما می خواهیم که نگرانی ما را به سازمانهای بین المللی منتقل کنید تا آنها رجوی را تحت فشار بگذارند که دست از سر این اسیران بردارد. رجوی از این خونریزیها بیشترین استفاده را می برد. من یکبار برای دیدن برادرم به همراه دیگر خانواده ها به پادگان اشرف رفتم و از نزدیک شاهد برخورد وحشیانه آنها با خانواده ها بودم. انشاءالله با تلاش های هرچه بیشتر، شر آنها از سر عزیزان ما کوتاه شود.



دیدار انجمن نجات خوزستان با

خانواده های راکی و کاربخش

انجمن نجات مرکز خوزستان

دوشنبه ۱ مهر ۱۳۹۲

خانواده راکی: مسئول اصلی تمامی این خونریزیها شخص رجوی است.

روز سه شنبه مورخه ۹۲/۶/۲۶ آقایان حمید دهدار حسنی و علی اکرامی و یوسف جرفی از اعضای انجمن نجات با آقای غلامرضا راکی برادر محمد رضا راکی از اسیران در بند فرقه رجوی در شهر مسجد سلیمان دیدار کردند.

در این دیدار، اعضای انجمن نجات ضمن تشکر از دعوت خانواده آقای راکی آخرین اخبار مربوط به خروج اسیران در بند فرقه رجوی از پادگان اشرف را به اطلاع خانواده ایشان رساندند. اعضای انجمن همچنین تاکید کردند که اگر این خروج زودتر صورت می گرفت چه بسا حادثه تاسف بار ۱۰ شهریور به وجود نمی آمد و افراد قربانی نمی شدند. ولی فرقه رجوی با مانع تراشی بر سر راه خروج اعضا از پادگان اشرف به همراه تحریک برای ایجاد درگیری برای اصرار بر ماندن در پادگان اشرف که بدلیل شرایط خاص عراق فاقد امنیت لازم بود زمینه های کشتار اعضا را فراهم کرد. بعد از سرنگونی حکومت صدام تاکنون فرصتهای زیادی برای خروج اعضا بدست آمد که بدلیل خیره سری سران این فرقه و اصرار بر ماندن در عراق از دست رفت. فرقه رجوی درحقیقت از این قربانی ها به



خانواده کاربخش: اجازه سوءاستفاده رجوی از خون فرزندان اسیرمان را نمی دهیم

روز سه شنبه مورخ ۹۲/۶/۲۶ اعضای انجمن نجات خوزستان با آقای ذبیح الله کاربخش برادر حشمت الله کاربخش از اسیران در بند فرقه رجوی در منزل مسکونی آنها در شهر مسجد سلیمان دیدار کردند. در ابتدا اعضای انجمن نجات ضمن تشکر از خانواده کاربخش و آقای ذبیح الله کاربخش از اینکه آنها را در جمع صمیمی خود پذیرفته اند تشکر و قدردانی کردند. و همچنین به دنبال آن گزارشی از حادثه تاسف بار پادگان اشرف و کشته شدن تعدادی از اعضا که در حقیقت قربانیان مقاصد جاه طلبانه رجویها شدند را به اطلاع این خانواده رساندند.

اعضای انجمن نجات در این رابطه متذکر شدند که رجویها در طی این سالیان در حالیکه شرایط برای خروج نیروها از عراق فراهم بود با ایجاد کارشکنی های مختلف جهت ارضاء جاه طلبیها و منافع قدرت طلبانه خود زمینه را برای کشتار و قربانی نمودن اسیران در بند فراهم نمودند و اکنون نیز به طرز رذیلانه ای از خون آنها سوء استفاده تبلیغاتی می نمایند در حالیکه همگان می دانند که مسئول و مقصر اصلی ریخته شدن این خونها کسی جز رجوی نیست.

آقای کاربخش ضمن تأیید نقطه نظرات اعضای انجمن نجات گفت: ما خانواده ها اجازه سوء استفاده رجوی را از خون فرزندان اسیرمان نمی دهیم. رجوی اعضای اسیر و در بند را سپر بلای خود کرده است در حالیکه خودش و دیگر سران این سازمان ضد بشری در خارج به سر می برند. با انواع دسیسه ها مانع خروج اعضا از عراق می شود. آقای کاربخش اضافه کرد طی چند مرحله که به نیت ملاقات با برادرم به پشت درب پادگان اشرف رفتم از نزدیک شاهد رفتار ضد انسانی و برخورد خشونت آمیزی که مسئولان

کمپ با خانواده ها داشتند بودم و الان هم بعد از این اتفاق اخیر واقعا ما نگرانیم چون اینطور که پیش می رود رجوی تا همه افراد اسیر را بخاطر خود خواهی هایش به کشتن ندهد دست بردار نیست.

در پایان اعضای انجمن نجات ضمن آرزوی سلامتی برای خانواده آقای کاربخش و آزادی برادرش حشمت الله کاربخش بعد از ۲ ساعت دیدار صمیمی منزل ایشان را ترک کردند.

افشای روابط سری میان سازمان
تروریستی خلق و "حارث الضاری"

خبرگزاری النخيل

النخيل، بغداد، ۱۳ مهر ۹۲

النخيل - برخی منابع سیاسی آگاه در عراق از وجود روابط عمیق میان هیئت علمای مسلمین که شیخ "حارث الضاری" رئیس آن است و سازمان تروریستی خلق خبر دادند. این منابع در گفت و گویی مطبوعاتی عنوان کردند که هیئتی از سازمان تروریستی خلق اواخر سال گذشته در پایتخت اردن "آمان" با شیخ "حارث الضاری" رئیس هیئت علمای مسلمین عراق در محل اقامت وی در اردن دیدار و گفت و گو داشتند. این منبع که به خاطر حساسیت موضوع نخواست نامش فاش شود، تصریح کرد که در این دیدار فرزند شیخ "حارث الضاری" و "سرمد عبدالکریم" مدیر خبرگزاری "العراقیه" که زمینه ساز این دیدار بوده حضور داشتند. این منبع در ادامه خاطرنشان کرد: «سرمد عبدالکریم» که در سایت الکترونیکی خود از سازمان خلق حمایت می کند، به همراه هیئت سازمان خلق که از پایتخت فرانسه "پاریس" برای این دیدار آمده بودند، حضور داشت.»

در قرارگاه اشرف در عراق دور هم جمع کرده بود، که در وانفسای لابی بازی های اسرائیلی، آمریکایی، اروپایی، یک به یک آنها را به انحاء مختلف به کشتن بدهد، و خون آنها را دست مایه گرفتن امتیاز و پول نماید. بنابراین، اعضای نگون بخت، باید قربانی مطامع وی شوند. وگرنه، روند جابجایی باید مختل گردد.

در درگیری هایی که با ارتش و پلیس عراق بوجود آورد بسیاری را به کشتن داد. و بعد از ریختن خون ۵۲ نفر دیگر، اشتباهی وحشی و خونخوار رجوی راه به جایی نبرد و قبول کرد که باقیمانده اعضا به لیبرتی منتقل گردند.

واقعا، رجوی نمی توانست بدون اینکه، خونی از دماغ کسی بریزد، این جابجایی ها را انجام دهد؟ علی الحال، اکنون همه آنها در لیبرتی جمع شده اند. که تا حالا دو بار لیبرتی مورد هجوم قرار گرفته است و چند نفر نیز کشته شده اند. آلبانی ۲۱۰ را پذیرفته است که فرقه فقط ۱۹۰ نفر را منتقل کرده است. از قرار معلوم آلمان نیز به ۱۰۰ نفر پذیرش داده است و فرقه فقط ۷ نفر را منتقل کرده است.

براساس اطلاعات دقیقی که وجود دارد، اعضای که به آلبانی منتقل شده اند، اکثراً از سازمان جدا شده اند و به دنبال زندگی عادی خود رفته اند. و این شوک عجیبی را به سران فرقه وارد کرده است.

فرقه رجوی بدون انسانهای مغز شویی شده ای که دورش را احاطه کرده اند، به هیچ وجه تاب حیات نخواهد داشت، در هراس از ریزش نیروهایش، عملاً انتقال آنان را به کشورهای اروپایی مختل کرده است.

قصد و تصمیم اصلی فرقه رجوی، این است که تمام نیروهایش را در خاک عراق، به مسلخ کشانده و از بین ببرد.

حسینی



رجوی با به هدر دادن خون ۵۲ نفر، اشرف را تخلیه کرد

انجمن نجات مرکز تهران

یکشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۲

روز چهارشنبه ۲۰ شهریور ۹۲

بعد از کش و قوس های زیاد فرقه رجوی، مقر اشرف برای همیشه بسته شد و کلیه افراد باقیمانده به لیبرتی منتقل شدند.

از ابتدا که دیکتاتور سابق عراق سقوط کرد و دولت مردمی عراق، حکومت را به دست گرفت. در تمام اطلاعاتی ها، بر اساس قانون اساسی، کشور عراق به وضوح اعلام نمود که، اعضای سازمان مجاهدین هیچ جایی در عراق ندارند. و باید در اسرع وقت خاک این کشور را ترک کنند. ولی رجوی، می گفت:

"من در زمان صدام اینجا جاگیر شده ام، و اشرف سرزمین من است، باید اینجا بمانیم، و تمام امکانات اشرف اعم از زمین و املاک و چیزهای منقول و غیر منقول اشرف نیز مال خودمان است." گذر زمان، و فشار های بین المللی که به فرقه رجوی آمد، ادعای رجوی در اشرف را مخدوش کرد و نامه ها و توصیه های مسئولین متعدد بین المللی، عرصه را بر فرقه رجوی تنگ کرده و مجبور شدند تن به جابجایی بدهند. ولی، اصل و اساس برنامه رجوی، این نبود. رجوی انسانهایی را



پیام ۲۷ شهریور رجوی؛ هیچ عضوی از مجاهدین به خارج از عراق نخواهد رسید!

انجمن آریا

پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۹۲

شاید این مجموعه، فرآیندی از آخرین نمادهای ایدئولوژیکی رجوی برای اعضای فرقه اش باشد. توصیه می شود دست اندرکاران حقوق بشر، تحلیل گران و منتقدین، پیام اخیر رجوی را گوش دهند. تا با اقدامات روشنگرانه و تا جایی که فرصت باقی است، از مرگ دسته جمعی اعضای مجاهدین در کمپ لیبرتی و عراق جلوگیری نمایند.

«اسطوره اشرف» یا مرگ دسته جمعی اعضای مجاهدین در عراق؟

پیام صوتی مسعود رجوی که اخیراً در سایت های مجاهدین منتشر شده، بسیار خطرناک، نقشه مسیر تداوم راه گذشته و باقی ماندن در عراق است. پیامی که از نظر محتوایی حاصلی جز مرگ دسته جمعی و نابودی آگاهانه اکثر اعضای مجاهدین را در پی نخواهد داشت.

از هفته گذشته خبرهایی مبنی بر این وجود داشت که پیام ویژه ای به ساکنان کمپ لیبرتی در عراق رسیده است. خلاصه پیامی از رجوی که وعده داده شده بود روزهای آینده ورق ۵۲ کشته را برخواهیم گرداند. این پیام ۱۷ روز پس از وقایع اخیر پادگان اشرف منتشر شده و مشخصاً بر روی "الگوی عاشورایی" و "لشگرهای فدایی"، اشاره و تأکید گردیده است. رجوی در این پیام گفته است؛ "تا آخر باید ایستاد و آنها را وادار به عقب نشینی و شکست نمود." اما مشخص ننموده است چگونه؟ و با چه امکاناتی؟

در "نقشه مسیری" که "لشگرهای فدایی" ملزم به دفاع از کمپ لیبرتی و ماندگاری برای خلق "هزار اشرف" و آمادگی برای جنگ با طرف

مقابل در عراق می باشند، با چه وسیله، روش و ابزاری می توانند به پیروزی های موهوم یا مبهم دست یابند؟! آیا چنین توهمی در مسیر مسدود نمودن راه آزادی ساکنان و نابودی کامل آنان طراحی شده است؟ در واقع محتوای پیامی که منتشر شده، نقشه راهی است که کمپ لیبرتی را به "اشرف ثانی" تبدیل می نماید. برای رسیدن به این نقطه "لشگرهای فدایی ۱۰۲" را در کمپ لیبرتی گسترش می دهند. و تا لحظه ای که به "کهکشان" موهوم رجوی برسند، کار تمام شده و به "پیروزی" دست یافته اند. نام مستعاری برای مرگ دسته جمعی!

نکته مهم دیگری که در این پیام وجود دارد، تکرار تهدیدات گذشته راجع به منتقدین، جدانشدگان و خانواده های اعضای سازمان است. ظاهراً رجوی به اعضای خارج کشوری خود دستور داده است، از همه امکانات برای سرکوب و از میدان به در کردن منتقدین در هر جای دنیا استفاده فعال نمایند. این کار "دفاع فعال" گذاشته شده است. یعنی ضرب و شتم و حذف فیزیکی در روز روشن!

شاید این مجموعه، فرآیندی از آخرین نمادهای ایدئولوژیکی رجوی برای اعضای فرقه اش باشد. توصیه می شود دست اندرکاران حقوق بشر، تحلیل گران و منتقدین، پیام اخیر رجوی را گوش دهند. تا با اقدامات روشنگرانه و تا جایی که فرصت باقی است، از مرگ دسته جمعی اعضای مجاهدین در کمپ لیبرتی و عراق جلوگیری نمایند. رجوی تأکید دارد همه ساکنان لیبرتی باید مجموعه ای از "لشگرهای فدایی ۱۰۲" شده و خود را برای فدا کردن آماده نمایند. تا به این شکل تضمینی برای تداوم حیات و فعالیت های سازمان خارج کشوری مجاهدین در اروپا و آمریکا فراهم گردد. رجوی می خواهد همه را در عراق به کشتن دهد!

محمد علوی



پاسخ رجوی به وضعیت کنونی چیست؟

انجمن نجات مرکز تهران

چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۲

کش دادن زمان است. به این امید که در دستگاه حاکمه عراق تغییرات دلخواهی انجام گیرد و اقامتشان پایدار گردد.

۳- حذف اشرف بخاطر شرایط خاص منطقه و درگیر شدن تمام قدرتها و سیاستمداران و رسانه‌ها به مقوله سوریه پیش آمد و صرفاً یک فرصت تاکتیکی به دست داد تا بتوان در این فضای به دست آمده دست به یک اقدام نظامی علیه فرقه رجوی زد.

و نظرات دیگر. اما علیرغم هرگونه تحلیل دیگری. رجوی مسلماً روی یکدنگی خود استوار خواهد بود. همان اصراری که در ماندن اشرف داشت در ماندن در عراق هم دارد. عراق نیز ظرفیت استراتژیکی مبارزه مسلحانه فرقه رجوی را دارد. آمدن رجوی از روز اول به عراق اساساً برای همین منظور بود که آتش جنگ مسلحانه را قویتر کند. بهای سنگینی هم بخاطر هم سو شدن با صدام و متحد شدن با او پرداخت. مردم او را متحد صدام پنداشتند. صدامی که مدام بمب و موشک بر سرشان می‌ریخت.

رجوی با دادن اطلاعات از کم و کیف و موقعیت نیروهای ایران که برای صدام ارزش زیاد نظامی داشت پول و سلاح به میزان زیاد دریافت می‌کرد. پس از اشغال عراق توسط آمریکا و سرنوشتی صدام، رجوی با دادن تمام تسلیحات به آمریکا، توانست قرارگاه را حفظ کند. در مدت ده سال بعد آن هم سختی‌های زیادی به آنها وارد شد. نفرات در نشستهای دیگ و انتقاد از خود باید ماندن در عراق و اشرف را به مثابه یک اصل پذیرا می‌شدند. کم‌کم مسئله اشرف نه به عنوان صرفاً یک مکان بلکه بعنوان یک خصوصیت در ذهن و روان افراد حک شده است. این کاری است که با سرسپار کردن نفرات به رهبر و نشستهای شدیداً تند و پرخاش جویانه عملی شده است. بنابراین رجوی کاری کرده است که جان دادن نفرات برایشان افتخار شود. فرقی هم ندارد در عراق باشد یا در اروپا. چنانکه هم اکنون شاهد اعتصاب غذای

با سپری شدن دو هفته از واقعه اشرف، هنوز اظهارنظرهای زیادی در این باب شنیده می‌شود که اهمیت این قرارگاه برای رجوی چقدر بود که حاضر شد برای حفظش ۵۲ تن از با ارزشترین کادرهای سابقه‌دار خود را با این که می‌دانست دیر یا زود این اتفاق خواهد افتاد، قربانی کند. با تخلیه باقیمانده ساکنان اشرف به لیبرتی عملاً پرونده این قرارگاه برای همیشه بسته شد. مهمترین محورهایی که می‌شود از این اظهارنظرها برداشت کرد از این قرارند:

۱- از آنجا که اشرف محل شکل‌گیری ارتش آزادیبخش رجوی بوده است و حملات نظامی به نیروهای ایران. بخصوص عملیات مرصاد (فروغ جاویدان) عملاً از این پایگاه فرماندهی می‌شد، عملاً ظرف انجام این نوع عملیات از بین رفت. شاید در زمانی که نیروهای فرقه رجوی در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا بطور کامل خلع سلاح شدند و تمام زرهی‌ها و سلاحهای سبک و سنگین تحویل نیروهای آمریکایی گردید شاید دیگر صحبت از عملیات مسلحانه از داخل خاک عراق به ایران کاملاً ذهنی به نظر می‌آمد ولی بودن این قرارگاه فی‌نفسه حکایت از محلی بالقوه برای عملیات ولو در آینده داشت.

۲- حذف قرارگاه اشرف برای رجوی دیگر راهی به جز ماندن در زندان لیبرتی و تحمل تمام مصائب و ریسکهای بعدی آن و یا خروج به کشوری ثالث نمی‌گذاشت. چرا که یکی از خواستهای رجوی بازگشت به اشرف بخاطر ظرف ایدئولوژیکی آن بود. مسئله‌ای که بعنوان بهانه برای بیشتر ماندن در عراق مطرح می‌شد و این که رجوی فقط به دنبال



نفرات در لیبرتی و چند شهر اروپایی هستیم. کسی که اعتصاب غذا کرده است ذهنش آنقدر پالایش و یکسویه شده است که حتی اگر در اعتصاب غذا هم کشته شود باز از آن لذت می‌برد چرا که رضایت رهبرش را فراهم کرده است. بنابراین با فشار هر چه بیشتر به رجوی باید جلوی این فاجعه انسانی هر چه زودتر گرفته شود.

برای جلوگیری از ریختن خون تعداد بیشتری از ساکنان، باید زمینه حفاظت لیبرتی و خروج به کشور ثالث هر چه سریعتر فراهم گردد. باید رجوی بپذیرد که قرارگاه اشرف دیگر وجود ندارد، فصل استراتژی سرنگونی از عراق تمام شده است و عقل سلیم حکم می‌کند که هر چه سریعتر از این مهلکه یا دام یا هر اسمی که بخواهید رویش بگذارید نفراش را خارج سازد. مگر نه این که رجوی خود می‌گوید مسئول خون و نفس هر مجاهد است. پس این مسئولیت را چگونه می‌خواهد اجرا کند.

سیاست جلب عملی حمایت آمریکا نیز راه به جایی نبرده است. علیرغم حمایت‌های کلامی و آه و افسوس‌هایی که این روزها از جانب بسیاری از مقامات اروپایی و آمریکایی شنیده می‌شود هیچ اقدام عملی جهت انتقال ساکنان لیبرتی به کشور ثالث دیده نمی‌شود. رجوی تا کی می‌خواهد روی این نوع حمایت‌های کلامی حساب باز کند. کشیدن دیوار حفاظتی قطور آیا تمام مشکل را حل می‌کند؟ جلوی پرتاب موشک و خمپاره به داخل قرارگاه را که نمی‌گیرد آیا این کار صرفاً برای روحیه دادن به ساکنان است؟ مگر حفاظت‌های اشرف تأثیری داشتند؟ دوباره چرخه بلندگوهای ۲۴ ساعته فرار از لیبرتی و تنش‌های ناشی از حضور خانواده‌ها و در انتظار است. نفراستی که سالها در پوشش خبری خاص داخل قرارگاه داشته‌اند از ارتباط با جهان خارج بی‌بهره بوده‌اند. به خواست رجوی خانواده و زندگی آزاد را سم و دشمن دانسته و به هر طریقی

از آن فرار کرده و می‌خواهند در نشستیهای دیگر و غسل آن را در خود بکشند. حال اگر پای این نیروها به یک کشور خارجی دیگر باز شود مسلماً دچار طوفانها و تلاطمهای شدید مانند یا رفتن خواهند شد. این همان وضعیتی است که هر نفر را بر سر دوراهی مهمی در زندگیش قرار می‌دهد. چرا که با خارج شدن کامل از عراق چشم‌انداز سرنگونی اساساً محو و گم می‌شود و از طرفی شرکت در نشست و غسل و کشتن محبت و علاقه به زن و زندگی در خود به صورتی فشارآور در می‌آید. و این مرحله خطیر دیگری است که رجوی باید آن را بپذیرد. یعنی ریسک از دست دادن تمام نفرات، جدا شدن نفراستی که به عشق سرنگونی به عراق و اشرف آمده بودند از نفراستی که به عشق مسعود و گردن نهادن فرقه‌ای حاضر به ترک او به هیچ قیمتی نیستند و زندگی و دنیای خود را کاملاً نادیده می‌گیرند. حالا باید دید در آستانه نیم قرن حیات سازمان، رجوی در این بزنگاه چه تصمیمی خواهد گرفت و حاضر است یک لحظه هم شده دست از لجاجت بردارد و ببیند فرقه وضعیت فعلی به شدت آسیب‌پذیری که در عراق دارد نشان‌دهنده‌ی مسیری درست بوده و یا صرفاً بر اساس طرز تفکری خود محور و خود مدارانه که همه کس و همه چیز را صرفاً در خدمت رسیدن به آمال خود دیده و قربانی می‌کند، قرار گرفته است.

جمیل



نامه علیرضا میرعسگری به خانم آنگلا

مرکل صدر اعظم آلمان

علیرضامیرعسگری، کانون آوا، ۲ مهر ۹۲

سرکار خانم آنجلا مرکل صدر اعظم محترم

جمهوری فدرال آلمان

ضمن تبریک به مناسبت انتخاب مجدد شما به عنوان صدر اعظم جمهور فدرال آلمان توجه شما را به نکاتی در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت جلب می کنم.

سازمان مجاهدین خلق از تاریخ ۲۶/۰۱/۲۰۰۹ دیگر در لیست تروریستی اروپا قرار ندارد.

این سازمان بعد از سرنگونی صدام حسین توسط نیروهای آمریکایی خلع سلاح شد و عملاً امکان اقدامات تروریستی در خاک ایران را ندارد.

این گروه مدعی است که برای برقراری آزادی و ایجاد یک حکومت سکولار در ایران تلاش می کند؛ ولی در عمل در درون این گروه شاهد نقض حقوق بشر و تهدید مخالفان و منتقدان به این گروه به ترور هستیم.

نقض حقوق بشر

فاکت های زیادی از اقدامات خشونت بار در سازمان مجاهدین خلق وجود دارد. در این گروه ازدواج ممنوع است و اعضای ازدواج کرده با اجبار

مجبور به طلاق از همسرانشان شده اند. زندانی شدن به خاطر انتقاد یا مخالفت با رهبران سازمان مجاهدین امری طبیعی است. مجازات اعدام یا شکنجه افراد بصورت سیستماتیک در سازمان مجاهدین اجرا می شود.

شخصاً در سال ۱۹۹۴ به دلیل مخالفت با اعمال تروریستی سازمان مجاهدین و همکاری این گروه با دیکتاتور سابق عراق (صدام حسین) به زندان محکوم شده و مورد شکنجه و آزار قرار گرفتم که دچار آسیب های جسمی و روحی در اینجانب شد که چندین ماه در بیمارستانهای کشور آلمان تحت مداوا قرار گرفتم.

دو تن به نامهای قربانعلی ترابی و پرویز احمدی در سال ۱۹۹۴ در زندان به قتل رسیدند که از نزدیک شاهد مرگ پرویز احمدی بودم. شهادت من در گزارش ماه می ۲۰۰۵ دیدبان حقوق بشر موجود می باشد.

این جزئیات نمونه کوچکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در داخل سازمان مجاهدین است که در گزارش ماه می ۲۰۰۵ سازمان دیده بان حقوق بشر (خروج ممنوع) تشریح شده است.

خشونت و ترور

سازمان مجاهدین از زمان شروع به کار خود، اصلی ترین نیروی ضدغربی، قبل و در طول انقلاب ۱۹۷۹ در ایران، بوده است. مجاهدین خلق



۶ امریکایی را در طول دهه ۱۹۶۰ در ایران به قتل رساند.

از سال ۱۹۸۰ این گروه با اعلام مشی مسلحانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به خشونت عریان روی آورد، از آن زمان تا سرنگونی صدام حسین در عراق، مجاهدین خلق حملات خمپاره‌ای علیه اهداف غیرنظامی را ادامه داده که منجر به کشته شدن مغازه داران و رهگذران زیادی شد.

صدام حسین به مجاهدین دستور می‌داد به کدام اهداف حمله کنند، و در عوض مزد آن‌ها را پرداخت می‌کرد. اسناد و فیلم‌های دیدار مسعود رجوی و دریافت پول توسط وی از سران حزب بعث عراق موجود می‌باشد.

شبکه خبری ان بی سی آمریکا در تاریخ ۹ فوریه ۲۰۱۲ به نقل از چند مقام بلند مرتبه آمریکایی اعلام کرد ترور دانشمندان هسته‌ای ایران توسط اعضای سازمان مجاهدین خلق که توسط موساد آموزش دیده بودند انجام گرفته است.

خانم صدر اعظم

سازمان مجاهدین خلق بر اساس ایدئولوژی خشونت و ترور بنیانگذاری شده و این گروه در طی پروسه تبدیل به یک فرقه مذهبی خطرناک شده است. خود سوزی‌های ژوئن ۲۰۰۳ در اعتراض به دستگیری مریم رجوی که به دستور رهبران این گروه در اروپا و کانادا صورت گرفت بیانگر پتانسیل این گروه در عملیات خشونت آمیز است.

به اطلاع می‌رسانم که سازمان مجاهدین خلق ایران با توجه به همکاری نظامی و اطلاعاتی با صدام حسین در زمان جنگ ایران و عراق به شدت نزد مردم ایران منفور می‌باشند و اساساً دارای پایگاه اجتماعی نمی‌باشند.

مدارک و مستندات زیادی وجود دارد که سازمان مجاهدین و القاب دیگر آن (شورای ملی مقاومت و ...) یک فرقه تروریستی خطرناک هستند.

خانم صدر اعظم

سخنگوی سازمان مجاهدین اخیراً مخالفان و منتقدان خود را تهدید به مرگ کرد که این سخنان در سایت‌های وابسته به سازمان مجاهدین انعکاس پیدا کرد که بعد از چند روز از روی این سایت‌ها برداشته شد. با توجه به ماهیت این گروه در تروریسم و خشونت؛ از دولت آلمان تقاضا دارم با دقت سازمان مجاهدین و القاب دیگر آن (شورای ملی مقاومت، پناهندگان ایرانی مقیم آلمان، کانون پناهندگان ایرانی کلن، جمعی از ایرانیان دموکرات مقیم آلمان و جمعی از ایرانیان پناهنده) را تحت نظر داشته باشند و مراقب باشند که این گروه خاک کشور آلمان را دست‌خوش اعمال خشونت آمیز خود نکنند.

با تشکر از توجه شما

نداد و به دنبال سهم‌خواهی از انقلاب بود؛ از این رو ملاقات‌هایی با امام داشتند و بالاخره اولین کسی که آن‌ها را شناخت امام بود. در نهایت آن‌ها با انقلاب و رهبری انقلاب سر ناسازگاری را باز کرده و به انفجار و ترور دست زدند. در ۳۰ خرداد نیز همه نیروهای‌شان را در تهران بسیج کرده تا به درگیری خیابانی بپردازند و خروجی آن این بود که بالاخره توسط مردم دفع شوند چراکه مردم پذیرای آنها نبودند. وی افزود: بعد از ۳۰ خرداد و بعد از آن که سازمان دید توسط مردم طرد شده است به سمت عراق رفت و بعد از چندین ماه نیروهایش را از استان‌های غربی به سمت کردستان و از آن‌جا به داخل عراق برد و تشکیلاتی را به نام تشکیلات مجاهدین خلق تشکیل داد. پس از آن نیز رجوی که به همراه بنی‌صدر از ایران فرار کرده بود زمینه هماهنگی با صدام را فراهم کرد که در زمان جنگ علیه ایران به حمایت از صدام بپردازد. از این رو می‌توان این سازمان را سازمانی بحران‌زا و بحران‌زی دانست یعنی حیاتش را در بحران می‌بیند و در بحران زندگی می‌کند.

علی‌مرادی که خود را یکی از اعضای پیشین نیروهای مسلح ایران معرفی کرده بود، گفت: در ابتدای جنگ ایران و عراق به اسارت در آمد و حدود ۹ سال در اردوگاه اسرای جنگی بودم و در اواخر جنگ تبلیغات مجاهدین با پشتیبانی ارتش عراق و همچنین تهدیدها و امتیازدهی‌های آن‌ها به حدی بود که تعدادی از اسرا جذب گروه مجاهدین شدند که من هم از آن‌ها بودم و در سال ۶۸ به سازمان مجاهدین پیوستم و ۱۵ سالی در آن‌جا بودم. بعد از سرنگونی صدام از آن‌ها جدا شده و به کمپ آمریکایی‌ها پیوسته و بعد از آن به ایران برگشتم و از آن‌جا که همه ما به نوعی مورد خیانت تشکیلات قرار گرفتیم و بخش عمده‌ای از روح و جانمان در این تشکیلات به هدر رفت، سعی کردیم با شرکت در انجمن‌های نجات جدایی‌مان را که یک جدایی سهوی و عقلی بوده است، اعلام



نشست خبری ۴ نجات یافته کادر نظامی

فرقه رجوی

رسانه‌های ایران

سه شنبه ۲ مهر ۱۳۹۲

به گزارش خبرنگار سیاسی خارجی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، علی‌مرادی از نجات‌یافتگان کادر نظامی گروه تروریستی مجاهدین که بعد از ظهر دوشنبه به همراه طالب جلیلیان، صمد نظری و جانشاه سیدمحمدی در دفتر خبرگزاری تسنیم حضور یافته بود، به بیان نقش مجاهدین در عملیات‌های مختلف پرداخت.

او گفت: از ابتدای فاز نظامی تا ضرورت وابستگی و در خدمت گرفتن ارتش عراق و وابستگی و نوع جنایات سازمان مجاهدین، این سازمان فعالیت‌های زیادی انجام داده است. این سازمان سعی کرد تا بعد از انقلاب با وعده و وعیدهای مختلف بسیاری از آن‌هایی را که از زندان آزاد شده بودند، جذب خود کند. مسعود رجوی رهبری این سازمان را بر عهده گرفت و ویژگی‌های شخصیتی‌اش که دارای کیش شخصیتی بالایی بود باعث فرقه‌گرایی‌اش شد؛ او رهبری سازمان را به صورت انفرادی بر عهده داشت. مرادی افزود: از آنجا که بعد از انقلاب انتظار می‌رفت همه به دولت مرکزی کمک کنند تا دستاوردهای انقلاب حفظ شود اما سازمان از همان ابتدا به قانون اساسی رای



کرده و از طریق رسانه‌ها به افشاگری ماهیت گروه مجاهدین پیردازیم و در جهت روشنگری افکار عمومی قدم برداریم. همچنین به خانواده‌ها برای نجات فرزندان‌شان کمک کرده و از به دام افتادن دیگر جوان‌ها جلوگیری کنیم.

او در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره این که مجاهدین چه کسانی را برای خود یک خطر تلقی می‌کنند؟ گفت: اصلی‌ترین مشکل برای مجاهدین از نظر آن‌ها جاداشدگان هستند. رجوی گفته است که اگر پیروز شویم، همه بریده مزدوران را می‌بخشیم و اگر شکست بخوریم به نیروهای‌مان دستور می‌دهیم که همه آن‌ها را بکشند.

مرادی ادامه داد: در حال حاضر تهدید مجاهدین تنها برای افراد جدا شده است و این در حالی است که تعداد ۸۰۰ تا ۹۰۰ تن از جاداشدگان به طور فعال به دنبال افشاگری ماهیت مجاهدین هستند.

وی در پاسخ به سوال خبرنگار ایسنا مبنی بر این که آیا میان گروه مجاهدین و نیروهای رژیم صهیونیستی ارتباطی وجود داشته است؟ گفت: برخی ملاقات‌ها از جمله ملاقات اعضای ارشد سازمان با مسوولان ارشد عراق بود که بعد از سرنگونی صدام افشا شد و یا ماجرایی سهمیه مجاهدین از نفت عراق که در قبال عملیات‌های تروریستی سازمان به آن اعطا می‌شد. این‌ها از جمله مسائلی بودند که بعد از سرنگونی صدام افشا شدند اما در حال حاضر مستندی درخصوص همکاری سازمان با اسرائیل نداریم اما هم‌سویی سیاست‌های آن را با رژیم صهیونیستی باید مورد توجه قرار داد. بین کل جریان‌هایی که در فلسطین علیه اسرائیل فعال هستند، نظام جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های جهادی که علیه اسرائیل فعالیت می‌کنند، حمایت می‌کنند اما مجاهدین از گروه‌هایی که اهل مذاکره با اسرائیل هستند، حمایت می‌کند. از این رو و از این دست معاملات

می‌فهمیم که سیاست‌های‌شان هم‌سوء است ضمن این که یکی از گمانه‌زنی‌های جاداشدگان این است که ممکن است در ماه‌های اخیر رجوی به اسرائیل رفته باشد. در ادامه این نشست، جانشاه سیدمحمدی یکی دیگر از نجات‌یافتگان کادر نظامی گروه مجاهدین گفت: من از افسران ارتش بودم که در سال ۵۹ اسیر شدم. در سال ۶۸ تا ۸۴ در کمپ مجاهدین در عراق بودم و بعد از آن‌جا فرار کردم و بعد به کمپ آمریکایی‌ها پیوستم. و بعد از عفو مقام معظم رهبری به ایران بازگشتم. وی درباره دلیل حضورش در جمع رسانه‌های تصویری و نوشتاری ایران گفت: بیش‌تر به این خاطر در این جمع حاضر شدم که بگویم فرقه رجوی، فرقه‌ای است که هنوز شناخته نشده است. در عملیات مروارید و دیگر عملیات‌ها سرسپردگی گروه به صدام مشخص بود و قتل و عام زیادی انجام شد و سازمان سعی کرد تا همه آن‌ها را لاپوشانی کند.

جانشاه سیدمحمدی در ادامه به تشریح چگونگی حضور مجاهدین در عملیات مروارید پرداخت و گفت که سازمان به منظور لاپوشانی این عملیات مدعی شد افرادی را که در این عملیات کشته است، کسانی بوده‌اند که با لباس نیروی سپاه در مناطق کردنشین فعالیت داشتند. در صورتی که این‌طور نبود و به دنبال این عملیات نیروهای کرد سازمان ریزش کرد. او در ادامه به وجود قطعه مروارید در پادگان اشرف که به منظور یادبود کشته شدگان عملیات مروارید بنا شد اشاره کرد و افزود: بسیاری از تجهیزات و ادوات جنگی سازمان، ادواتی بودند که در جریان جنگ ایران و عراق عراق و کویت به عنوان غنیمت در اختیار سازمان قرار گرفته بود. وی درخصوص ترور سردار صیاد شیرازی نیز بیان کرد که این ترور به درخواست صدام از سوی گروه انجام شد.



مورد نظر افراد این سازمان است که هرگاه فرصتی به آن دست بدهد در ترورش کوتاهی نخواهد کرد. این عضو جدا شده از گروه تروریستی مجاهدین با تأکید بر ماهیت تروریستی سازمان مجاهدین بیان کرد: ماهیت سازمان و به طور خاص شخص رجوی تروریستی است. سازمان به کشورهای مختلف اطلاعات هسته‌ای ایران را داده تا غرب آن را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کند اما ماهیتش تغییری نکرده است. سازمان برنامه‌هایی برای ترور در آینده دارد اما چون با کوچک‌ترین اقدامی مجدداً در این فهرست قرار می‌گیرد کاری انجام نمی‌دهد.

وی در ادامه همدستی سازمان را در اجرای ترور دانشمندان هسته‌ای بعید ندانست.

طالب جلیلیان یکی دیگر از نجات یافتگان گروه تروریستی مجاهدین نیز با اشاره به چگونگی پیوستن و جدایی‌اش از سازمان به تشریح عملیات مرصاد که خود در آن حضور داشت پرداخت و گفت: زمانی که از سازمان صحبت به میان می‌آید، منظور شخص رجوی است و حرکت‌های او، حرکت‌های تاکتیکی برای به دست آوردن قدرت است. در عملیات مرصاد که با شکست مجاهدین همراه بود، همه بر این باور بودند که صدام خیانت کرد اما در واقع تحلیل‌های نادرست رجوی موجب این شکست بود ولی او در توجیه این شکست مدعی بود که نیروهای مجاهدین در تنگه مسائل جنسی و زن مانده بودند و با این مساله اعتراضات را سرکوب می‌کرد.

در ادامه صمد نظری در سخنانی گفت: بعد از انقلاب با سازمان مجاهدین خلق آشنا شدم و در جریان جنگ مسلحانه از سال ۶۰ ارتباطم با سازمان قطع شد اما در بهار ۶۴ به این سازمان برگشته و به عنوان سرباز ارتباطات و شناسایی در جنگ برای سازمان فعالیت می‌کردم. در سال ۷۲ هم از آن‌ها جدا شده و به ایران برگشتم.

او با اشاره به تشکیل گروهان‌های نظامی در سازمان و استقرار آن‌ها در مناطق مرزی گفت که وظیفه این گروه‌ها دستگیری افراد و جمع‌آوری اطلاعات برای نظام صدام بود و معتقد بودند که برای ضربه زدن به نیروهای ایرانی باید این جبهه را تقویت کرد و به افزایش عملیات‌ها پرداخت. این عملیات‌ها به جایی رسید که رجوی در فضای قدرت‌طلبی‌هایش متوهم شد و عملیات مرصاد را ساماندهی کرد.

وی ادامه داد: مجاهدین نقاط نفوذ خود را در نقاط چالش و بحران می‌دیدند. مثلاً مدعی بودند که در ایران تبعیض قومیتی و زن ستیزی است و در سازمان عدالت و برابری وجود دارد و برای نمونه مریم رجوی را جلوی دوربین‌ها برده و به تبلیغ می‌پرداختند.

نظری با بیان این که بیش‌ترین جذب مجاهدین در زمان جنگ بوده و آن‌ها جذب نیرو ندارند و فعالیتی در فضای حقیقی ندارند تصریح کرد: این سازمان اکنون در زمان صلح و به واسطه تجارب نیروهای مسلح و امنیتی و اطلاعاتی و هم‌چنین افشاگری‌های جادش‌دگان عرصه‌ای برای فعالیت بیرونی ندارد.

او درباره ترور شخصیت‌ها نیز گفت: ترور افراد مختلف به واسطه انتخاب شخص رجوی و تأیید او توسط افراد آموزش دیده انجام می‌شد. تمام تلاش سازمان زدن «سرانگشتان نظام» بود. اکنون سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس نیز از جمله

سازمان منافقین داده شده و در آنجا به شهادت رسیده بودند، در پادگان اشرف دفن شده‌اند و به همین دلیل خواستار جست‌وجو در قبرستان اشرف هستیم.

وی افزود: من به عراقی‌ها پیشنهادی راجع به پادگان اشرف دادم. اشرف زن مسعود رجوی بوده و در درگیری اول انقلاب به هلاکت رسید. حالا دیگر موضوعیتی ندارد که پادگان را با همان اسم اشرف عنوان کنیم. پیشنهاد ما تعویض اسم پادگان بود که از این به بعد اسم آن را "عبرت" بگذارند تا مردم عبرت بگیرند و بدانند کسانی که به مردم ما خیانت کردند سرانجامشان چه شد. رسانه‌ها هم همکاری کنند تا آن مکان با نام عبرت شناخته شود.



احتمال دفن اسرای ایرانی در پادگان اشرف

تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۳۹۲

رئیس کمیته جست‌وجوی مفقودین ستادکل نیروهای مسلح گفت: اطلاعات ما حاکی از این است که برخی اسرای ما که به زور تحویل سازمان منافقین داده شده بودند، در پادگان اشرف دفن شده‌اند و به همین دلیل خواستار جست‌وجو در قبرستان اشرف هستیم.

به گزارش برگزاری تسنیم، سردار سیدمحمد باقرزاده رئیس کمیته جست‌وجوی مفقودین ستادکل نیروهای مسلح، روز گذشته با حضور در خبرگزاری تسنیم در گفت‌وگو با خبرنگاران خبرگزاری تسنیم از مذاکرات نشست سه‌جانبه ایران، عراق و صلیب سرخ سخن گفت و خبر داد: آخرین مذاکراتی که چند روز پیش در اهواز داشتیم، نشست سه‌جانبه‌ای با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نماینده وزارت حقوق بشر و وزارت دفاع عراق بود. در این اجلاس بر چند موضوع تأکید شد. در این اجلاس توافقاتی به عمل آمد و قرار شد در مورد نحوه کار در کردستان عراق، بازدید از قبرستان‌های آن صورت گیرد که احتمالاً شهدای معسکرات و کسانی که در اردوگاه‌ها به شهادت رسیده‌اند در آن دفن شده‌اند. بخشی از این شهدا در گذشته تحویل ما داده شد اما بخشی از آن پیدا نشد که باید ردیابی شود. اطلاعات ما حاکی از این است که برخی از اسرای ما که به زور تحویل

عماد یوخنا، نماینده مسیحی پارلمان عراق در گفتگو با سایت اشرف نیز اظهار داشت: گروهک تروریستی منافقین در طول حضور خود در اردوگاه اشرف با نیروهای امنیتی عراق به هر شکل ممکن درگیر می‌شدند. این نماینده عراقی خاطر نشان کرد: علی‌رغم این که دولت عراق در این سالها برای مسئله خروج اعضای گروهک منافقین صبر و تحمل نشان داده است اما با نماینده سازمان ملل در بغداد نیز همکاری داشته است. وی تأکید کرد: اردوگاه اشرف در دوران حکومت صدام به شکل غیرقانونی تحت سلطه گروهک منافقین درآمد و برای روستاهای اطراف مشکل اقتصادی به وجود آورد به دلیل این که در اردوگاه مزبور زمین‌های کشاورزی وجود داشت. گفتنی است، از زمان حکومت صدام دیکتاتور عراق، اردوگاه موسوم به اشرف در اختیار گروهک منافقین قرار گرفت و این گروهک تروریستی از اردوگاه مزبور برای مقاصد تروریستی خود بهره می‌جست.



امریکا ادعای منافقین مبنی بر دیدار با اعضای ناپدید شده سازمان را رد کرد

انجمن نجات

دوشنبه ۱ مهر ۱۳۹۲

سفارت امریکا در عراق اعلام کرد که هیچ اطلاعی از مکان هفت عضو مجاهدین که گفته می شود به دنبال درگیریهای اخیر در کمپ اشرف ناپدید شده اند ندارد.

سازمان تروریستی مجاهدین ادعا کرده است که اطلاعاتی دارند مبنی بر این که یک هیئت امریکایی با این هفت نفر عضو سازمان که در نزدیکی فرودگاه بغداد و در بند نیروهای عراقی هستند دیدار کرده است.

سخنگوی سفارت امریکا در عراق؛ رادنی فورد این ادعای مجاهدین را "کاملاً غیر واقعی" خواند. او گفت: که هیچ فردی از دولت امریکا این اعضای ناپدید شده را نه دیده و نه ملاقاتی با آنها داشته است.

عراق روز جمعه این ادعای مجاهدین مبنی بر بازداشت هفت تن از ساکنان اشرف را رد کرد.

خبرگزاری اسوشیتدپرس

جدایی ۷۰ تن از اعضای گروهک منافقین پس از ورود به کشور
آلبانی

به گزارش اشرف نیوز، این منبع گفت: ۱۵۹ عضو گروهک منافقین جمعه گذشته از کمپ لیبرتی در عراق وارد آلبانی شدند و ۷۰ عضو این گروهک از انتقال به پایگاهی که دولت آلبانی برای اعضای این فرقه تدارک دیده بود، خودداری کردند.

وی تأکید کرد: دولت آلبانی نیز این افراد را که ضمن مخالفت با ادامه فعالیت در قالب این گروهک، جدایی خود را از این فرقه اعلام کرده بودند به یک آپارتمان منتقل کرد.

به گفته منابع اطلاع رسانی غربی دولت آلبانی اعضای گروهک منافقین را به پایگاهی نزدیک تیرانا پایتخت این کشور منتقل کرده است.

گفتنی است، بسیاری از اعضای منتقل شده به کشور آلبانی به دلیل فاصله گرفتن از شرایط ایزوله و کنترل فرقه خواستار جدایی از این گروهک هستند و دیگر حاضر به پذیرش و عمل به دستورات سرکردگان این فرقه نیستند.

تاریخ انتشار: ۲۶ شهریور ۱۳۹۲



این تازه از نتایج سحر است باش تا صبح دولت بدمد!

انجمن نجات مرکز فارس

سه شنبه ۲ مهر ۱۳۹۲

در خبرها آمده بود که تعداد قابل توجه از کسانی که به کشور آلبانی منتقل شده اند که گویا ۷۰ نفر هستند با اعلام جدایی از سازمان مجاهدین در مکان دیگری ساکن شده اند و خلاصه حسابشان را از این فرقه تروریستی جدا کردند! ضمن تبریک به این افراد بایستی به رجوی گفت بخاطر داری که خیلی سال پیش در نشستی یکی از بچه ها رو در روی تو گفت که اگر درب اشرف را باز کنی یک نفر هم برایت نمی ماند؟ و تو با خشم و کینه وصف ناپذیر به او حمله کردی که درب اشرف همیشه باز است اما روبه سوی ایران آنهم پس از طی شدن مراحل قانونی که همان دو سال ماندن در خروجی سازمان و هفت سال در زندان ابوغریب و اگر چیزی احياناً از آن شخص باقی ماند به ایران تحویل می شود!

خدا را صد هزار بار شکر که هرچند خیلی خیلی سخت گذشت اما عمری باقی ماند و اینگونه خوار و خفیف شدند را می بینیم! جناب آقای رجوی دیدی که بقول خودت ظلم پایدار باقی نخواهد ماند و درب اشرف هم بسته شد؟ دیدی که سمبل و نشانه مجاهد خلق که همانا قرارگاه اشرف بود دریش گل گرفته شد؟ راستی حالا که اشرفی دیگر نیست می شود توضیح دهی و واقعیت را بگویی که این همه اشرف، اشرف کردند برای چه بود؟ ولی بقول خواهر مریم نقطه آغاز بگو نه مثنی اراجیف که بخورد نیروهای می دادی! برای چه این همه بچه های مردم را به جلوی تیر مستقیم عراقی ها دادی و خونشان را به زمین ریختی؟ آیا ارزش داشت؟ آیا این کشته ها تو را به تهران نزدیک تر کرد یا باعث شد که تنفر مردم نسبت به تو و فرقه کثیف صد برابر شود؟ راستی مگر تو خودت در نشستها و تحلیلهای که وقتی چانه ات گرم می شد نمی گفتی که نیروی نامنظم و چریکی که مشروط به زمین و خاک شود نهایتاً با دادن تلفات بسیار مجبور به جابجایی

می شود و نبایستی مشروط به زمین بود پس چرا این همه برای نگه داشتن اشرف اصرار داشتی و اکنون با خفت و خواری و با دادن این همه کشته مجبور شدی با ذلت آنجا را ترک کنی؟ آیا همان زمان که ما بعنوان کسانی که سالها بخاطر تو در بیابانهای عراق مانده بودیم به تو می گفتیم که ماندن ما درعراق دیگر هیچ توجیهی ندارد و نهایتاً مجبور به ترک عراق می شویم پس چه بهتر که خودمان برویم تا بیرونمان کنند بهتر نبود که فردیت کثیف و چنشدش آورت را زیرپا می گذاشتی و گوش می دادی که امروز این طور با ذلت بیرون رفتیم نه نکنند! لااقل آنطور می گفتی که ما خودمان رفتیم نه اینکه بیرونمان کردند! اردوگاه اشرف در یک کلام مکانی بود که مسعود رجوی در آنجا تمامی جنایات و خیانتهای خود به ایران و مردم ایران و حتی نیروهای خود را فرماندهی و کنترل می کرد. آنجا مکانی بود که شاید لازم باشد در خصوص آن کتابها نوشته شود تا در تاریخ ما بعنوان مکانی نفرین شده ثبت شود! اما هر چه بود تمام شد. دریش بسته شد! اما بسته شدن قرارگاه اشرف به این سادگی ها هم نبود. به جرات می توان از اصلی ترین عواملی که باعث این اقدام شد را خانواده ها و تلاش چندین ساله آنها نام برد! خانواده هایی که برغم راه ناامن کشور عراق و دوری راه در سرما و گرما خودشان را به پشت درب این اردوگاه می رساندند تا بلکه بتوانند بچه هایشان را ببینند اما بچه هایشان بدستور رجوی با سنگ و میله گرد و تیر کمان از آنان پذیرایی می کردند و شعار می دادند مرگ بر فامیل الدنگ ما!!!! تف بر تو که اینگونه با پدران و مادران نیروهای خودت برخورد کردی و ادعای مجاهد خلق هم داری! اما آقای رجوی سخن کوتاه کنم بسته شدن درب اشرف و از دست دادن اصلی ترین کادرهای سازمان و جدایی روزانه نیروهای تازه از نتایج سحر است باش تا صبح دولت بدمد! هنوز کو تا تو پاسخ جنایات را دریافت کنی؟ هنوز کو تا تو گرفتار آه دل خسته بیوه زن و یتیم هراسان شوی؟ هنوز کو تا تو تقاص پس بدهی!!!

مراد

دولتی برای اخراج مجاهدین از عراق ضرب الاجل تعیین خواهد کرد.

وی تأکید کرد: مجاهدین در مدت حضور خود در عراق به غیر از ضرر هیچ نفعی برای این کشور نداشتند. آنها بدانند در عراق امروز دیگر جایی برای آنها نیست و چه بخواهند و چه نخواهند باید خاک عراق را ترک کنند.

جورج بوستن معاون نماینده سازمان ملل نیز ضمن تأکید بر ضرورت اخراج مجاهدین از عراق و انتقال آنها به کشور ثالث گفت: از کشورهای سازمان ملل می خواهیم برای اسکان این عده در کشورهای دیگر با بغداد همکاری کنند.

وی افزود: به خوبی درک می کنیم که آینده این گروه دیگر در عراق نیست و باید به خارج از این کشور انتقال داده شوند.

معاون نماینده سازمان ملل گفت: به خوبی می دانیم امنیت گروه مجاهدین در عراق دیگر تامین نمی شود و تنها راه حفظ امنیت آنها خروج شان از عراق است.

وی در عین حال از دولت عراق خواست تا رسیدن به راه حل مناسب برای انتقال آنها به خارج، امنیت موقت باقی مانده های این گروه را به عهده بگیرند.

جورج بوستن معاون نماینده سازمان ملل در دیدار با فالح الفیاض در بغداد گفت: به خوبی می دانیم امنیت گروه مجاهدین در عراق دیگر تامین نمی شود و تنها راه حفظ امنیت آنها خروج شان از عراق است.



بغداد: برای اخراج مجاهدین از عراق ضرب الاجل تعیین می کنیم

باشگاه خبرنگاران

دوشنبه ۱ مهر ۱۳۹۲

مقام عراقی در حضور سفیر آمریکا و جمعی از نمایندگان کشورهای اروپایی اعلام کرد: مجاهدین جایی در عراق ندارند.

به گزارش سرویس بین الملل باشگاه خبرنگاران، "فالح الفیاض" مشاور امنیت ملی و رئیس کمیته عراقی برای بستن پرونده مجاهدین یکشنبه در دیدار با سفیر آمریکا و جمعی از نمایندگان کشورهای اروپایی در بغداد اعتراض این کشور به ادامه حضور مجاهدین در عراق را به اطلاع آنها رساند.

وی افزود: بغداد بزودی برای اخراج مجاهدین از عراق ضرب الاجل تعیین می کند.

الفیاض گفت: این تروریست ها دیگر در عراق جایی ندارند و جامعه بین الملل باید برای اخراج آنها از این کشور جدیت به خرج دهد.

وی افزود: سازمان های خارجی در این زمینه با بغداد همکاری ندارند و در صورت ادامه عدم همکاری با عراق، بغداد بزودی در نشست ویژه



چرا سناریوی فرقه رجوی مبنی بر " حمله به اشرف " را نمی توان باور کرد ؟

الف مینو سپهر ، ۱ مهرماه ۱۳۹۲

خشونت ورزی و جنگ و ترور راهکار کسانی است که از فرهنگ و تمدن بشریت قرن‌ها عقب مانده اند . سرانجام پس از حدود سه هفته جار و جنجال و هیاهو و تبلیغات فرقه تروریستی رجوی مبنی بر ادعای حمله به اشرف آقای نوری المالکی نخست وزیر عراق رسماً اعلام کرد فرقه رجوی دروغ می گوید چرا که نه حمله ای به این کمپ صورت گرفته و نه کسی بازداشت شده است .

گزارش رادیو فردا در این مورد - آنچه مسلم است در بامداد یکشنبه یکم سپتامبر اتفاقات خونینی در این کمپ رخ داده که منجر به کشته شدن تعدادی از بقایای رجوی گردیده که باعث تأسف می باشد . از آنچه تا امروز دستگاه تبلیغی رجوی برای اثبات ادعای خود منتشر کرده به جز عکس جنازه چند نفر که از نزدیک مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند مدرک قابل قبولی که حاکی از حمله نظامی به این کمپ شده باشد وجود ندارد . از سویی دیگر دولت عراق گرچه انفجارها و درگیری هایی را در این کمپ مورد تأیید قرار داده است ولیکن اعلام می کند نیروهای عراقی در این رخداد ها هیچ گونه نقشی نداشته اند . آقای مالکی در آخرین موضع گیری خود اعلام نموده پس از وقوع انفجار و شلیک گلوله نیروهای عراقی تصمیم گرفتند برای بررسی حادثه وارد محل اسکان این افراد گردند که با مخالفت و ممانعت اعضای مستقر در کمپ روبرو شدند . بنا بر گزارش ها در روز دوشنبه (۲۴ ساعت بعد) مسئولین عراقی و یونانی وارد کمپ گردیدند و تعدادی جنازه را مشاهده کرده اند . اینکه چگونه و به چه دلیل این افراد کشته شده اند تاکنون مشخص نیست ولیکن با توجه به سوابق قبلی و برخی از شواهد این حادثه می تواند یک تصفیه خونین درون گروهی محسوب گردد. فیلم ارسالی فرقه رجوی و تحلیل و بازخوانی و کنکاش بابک هروی در این مورد با اعلام رسمی دولت عراق مبنی بر عدم شرکت نیروهای

نظامی آن کشور در این رخداد سناریوی ادعایی فرقه رجوی که تاکنون کوچکترین مستندی از شرکت عراقی ها ارائه نکرده است - طبعاً می توان سناریوی دست داشتن عراق در این ماجرا را کاملاً کنار نهاد . اکنون دو سناریوی دیگر محتمل قابل بررسی و تجزیه و تحلیل می باشند. یکم : تصفیه درون گروهی و تلاش برای محو بقایای آثار جنایات این فرقه قبل از تخلیه و تحویل اردوگاه همگان آگاه هستند که آقای مارتین کوبلر در آخرین گزارش خود قبل از پایان مأموریت به سازمان ملل اعلام نمود اوضاع در کمپ را تنش آلود اعلام نموده و اضافه کرد رهبران سازمان حقوق اعضای خود را نادیده می گیرند وی همچنین گفت افراد بجا مانده (۱۰۰ نفر) حاضر به تخلیه کمپ نیستند - ۱۷ ژوئن ۲۰۱۳ .

دولت عراق نیز در ماه رمضان اعلام کرد پرونده پایگاه اشرف تکمیل شده و بقایای کمپ بعد از ماه رمضان به کمپ موقت منتقل خواهند گردید . البته دولت عراق قبلاً نیز بارها نسبت به تخلیه و تحویل مسالمت آمیز اردوگاه اشرف هشدار داده بود . با این همه هشدار از دولت عراق تا یونانی تا دولت امریکا و ... چرا فرقه رجوی حاضر به تخلیه و تحویل مسالمت آمیز کمپ نبود ؟ پاسخ روشن است و این قانون گریزی و ماجراجویی دو دلیل مهم با خود دربرداشت . اول : تخلیه و تحویل کامل اشرف به معنای بسته شدن دکان دونبش این فرقه در عراق می گردید که شناسه و شناسنامه این گروه بود. یادمان نرود مریم قاجار بازگشت افراد منتقل شده به کمپ موقت حریه به اشرف را بعنوان یک راه حل پیشنهاد و بر آن اصرار می کرد (!) و دوم : اینکه گرچه فرقه رجوی طی دو سال گذشته با وقت کشی مشغول از بین بردن کلیه آثار جرم و جنایت خود در این قلعه محصور و مخوف بود ولیکن شاید از بین بردن برخی از آثار بازهم نیاز به زمان بیشتری داشت و این نیز می تواند یک علت باشد . به هرصورت فرقه رجوی خوب می دانست دولت عراق تصمیم قاطع دارد این اردوگاه را برای همیشه از وجود تروریست ها پاک کند ولی با این همه همچنان بر نگاهداری این محل به بهانه فروش اموال اصرار می کرد.



خطاب به سرکرده تروریستها به مریم ومسعود ودیگر قاتلان وجنایتکاران فرقه رجوی

همایون کهزادی، انجمن یاران، پاریس، ۳۰
شهریور ۹۲

ما از روزی که وارد آن پایگاه جهنمی در اشرف
شدیم پیه همه چیز رو به تن خود مالیدیم .

زیرا آنجا بالاتر از خطر بود و از همانجا آب از
سرمان گذشت. می خواهم این حرف را در
گوشه‌های بسته خود فرو کنید ما بیدی نیستیم که با
این بادها بلرزیم...

“اگر از سر بردن می ترسیدیم در محفل عاشقان
نمی رقصیدیم”

حال مسعود می خواهد با عربده کشی و عصبانیت
جدا شده ها را بترساند ، اما این را بدانید که ” دیگر
آن سبو بشکست و آن پیمانه بریخت ”.

راستی چطور شد تا دیروز می گفتید که ما هیچ
عملیاتی در ایران نکرده ایم اما امروز اعتراف
می کنید که ما صیاد شیرازی و صدوقی و دستغیب
و ... را ما کشتیم و بعد هم با ترس و لرز آن را از
روی سایتهای خود برداشته و سکوت کردید؟؟؟

البته از قدیم گفتند آدم دروغگو حافظه ندارد چون
یادتان رفته بود که قبلا چی گفته بودید اما امروز از
سوزش مجبور شدید که به زبان بیاورید هرچند که
این پارسه‌های نشسته دردی را دوا نمی کند. اما
بدانید که تاریخ مصرفتان تمام شده .

راستی شما که اینقدر شجاع و نترس هستید و خط
و نشان خوب می کشید لطف بفرمایید چرا در
سورخ موش تشریف دارید؟ شما که ماشالله خوب
عربده می کشید ولی خوب است که خورده ای به

حرفهایی که می زنید فکر کنید زیرا خودت
می دانید که مرد عمل نیستی! حداقل طوری حرف
بزن که بعد ها بتوانی حرفه بعدی را بزنی چون به
نظرم برای یک شخصیت مهم که حرفهایش
پشیزی هم ارزش ندارد والان فراری شده ومعلوم
نیست کجاست خوب نیست ... آقا مسعود این را
بدانید که تو وامثال تو و دیگر سرکرده گانت ،
زندگی تمامی جوانان ایران را خراب کردید. ما
چیزی برای از دست دادن نداریم بهتر است که
شما مراقب خودتان باشید و دیگر برای جدا شدگان
عربده خوابیده و خط نشان نکشید.

"زیباری" از "اشتون" خواست تا ساکنان
لیبرتی هرچه سریعتر در کشورهای عضو
اتحادیه اروپا اسکان داده شوند
سایت الغدیرس - چهارشنبه ۱۰ مهر
۱۳۹۲

"هوشیار زیباری" وزیر خارجه عراق روز
چهارشنبه از "کاترین اشتون" مسئول
سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواست تا
هر چه سریعتر ساکنان لیبرتی را در
کشورهای عضو اتحادیه اروپا اسکان
دهد. وزارت خارجه عراق طی بیانیه ای که
نسخه ای از آن بدست سایت
"الغد پرس" رسیده عنوان کرد: «در
راستای تماس ها و دیدارهایی که
"هوشیار زیباری" وزیر خارجه عراق در
حاشیه مشارکت خود در نشست مجمع
عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک
انجام می دهد، با "کاترین اشتون"
مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا
دیدار و گفت و گو داشته و در آن از وی
خواست تا هر چه سریعتر کشورهای عضو
اتحادیه اروپا را به اسکان ساکنان اردوگاه
لیبرتی در کشورهای خود، تشویق نماید.



خانواده ها: سایه مرگ بر سر فرزندانمان

در لیبرتی وجود دارد

انجمن نجات مرکز مازندران

پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۲

نگرانی خانواده ها از بلاتکلیفی بستگانشان در اشرف و لیبرتی و متوقف شدن انتقال آنها به خارج عراق در این نشست کاملاً مشهود بود، آنها سعی داشتند با طرح سؤالات به علت و چرایی های این موضوع برسند .

آقای علیرضا رضاعی برادر احمد رضاعی که بیش از ۲۷ سال اسیر فرقه در عراق می باشد در جمع حاضر گفت :

آیا ملاقات با عزیزانمان در عراق حق ما نیست ؟

چرا نمایندگان سازمان ملل همکاری لازم را با خانواده های این اسرا ندارند و اجازه می دهند تا رهبران فرقه هر سازی را برای خود بزنند و روند انتقال افراد به خارج را کند یا متوقف کنند؟

او هم چنین در رابطه با ملاقات با برادرش در جمع حاضر اظهار داشت : در عرف دنیا می باشد که هر اعدای قبل از اعدام حق دارد با خانواده اش ملاقات کند ولی چرا مسئولین سازمان ملل چنین اجازه ای به ما نمی دهند تا حتی قبل از انتقال آنان به کشور ثالث با خانواده شان ملاقات کنند آیا این همان مامشات با سران فرقه تروریستی رجوی نیست ؟

وی در ادامه بیان داشت :

کشته شدن افراد در گذشته در اشرف و لیبرتی برایم ثقیل بود ولی اکنون که از زوایای مختلف به کارشکنی های رجوی مبنی بر عدم انتقال و تخلیه اشرف و ... می نگرم متوجه می شوم که ابعاد این فاجعه بسیار بالا می باشد و چگونه رجوی در طی این مدت خون اعضا را به راحتی به زمین ریخت.

آقای ایرج صالحی یکی دیگر از جدا شدگان از فرقه در پاسخ به سؤال آقای رضاعی گفتند :

ملاقات دو طرف دارد یک طرف آن خانواد ها

هستند و طرف دیگر اعضای اسیر می باشند . با توجه به اینکه افراد فرقه سالیان تحت تأثیر مغز شویی قرار داشته اند کماکان تحت القاءات فرقه و هم چنین وحشت از تشکیلات ، همکاری لازم را برای ملاقات نمی کنند . وقتی هم خود فرد حاضر به ملاقات نباشد دست سازمان های بین المللی بسته است و آنها نمی توانند با زور کسی را وادار به ملاقات کنند . در گزارش سازمان ملل در مورد فرقه هم تأکید شده که تشکیلات فرقه به اعضا حق انتخاب آزادانه را نمی دهد و آنها را تحت کنترل دارد . از این رو تنها راه برای ملاقات ، آزاد کردن اعضا از قید و بندهای تشکیلاتی است ، در غیر این صورت دست مجامع بین المللی در برنامه ریزی برای انجام ملاقات بسته است .

آقای محمد رضا گلی اسکاردی که دو سال قبل از سازمان جدا شده است در پاسخ به بخش دیگری از سؤالات آقای رضاعی توضیح داد : رجوی دیکتاتور از خون اعضای خود ارتزاق می کند برای وی اصلاً مهم نیست که چه تعداد از اعضا کشته شدند رجوی قبل از انتقال افراد از اشرف به لیبرتی شعار می داد باید تا آخرین قطره خون خود در اشرف مقاومت کنید در همین رابطه چندین بار با ارتش عراق درگیر شد که باعث کشته شدن تعداد دیگری از افراد شد .

پس اگر رجوی جان افراد برایش ارزشی داشت تا به حال اشرف را تخلیه می کرد و دیگر اصرار بر بازگشت همه به اشرف نداشت تا این فاجعه پیش آید .

آقای هادی شبانی نیز در رابطه با مناسبات فرقه ای و بی ارزش بودن جان افراد در فرقه در این جلسه بیان داشت : رجوی در طی سالیان گذشته همه عاطفه را در افراد کشته است اعضای خانواده حتی در داخل مناسبات با هم هیچ رابطه ای ندارند ولی بعد از مرگ اعضا بستگانشان را به جلوی صفحه تلویزیون آورده تا نسبت به اعضای کشته خانواده خود صحبت کنند که در



او هم چنین برای سایر خانواده توضیح داد که چگونه تشکیلات فرقه با فریب کاری اموال برادرش را از او در کشور رومانی گرفته و وی را به عراق کشانده و اسیر کرد.

از دیگر خانواده های حاضر در جلسه آقای اسماعیل قبادی که خواهرش مهین بیش از ۲۷ سال در عراق اسیر فرقه می باشد و هم چنین خانم اشرف السادات موسوی خواهر مصطفی موسوی مصرانه از اعضای انجمن می خواستند تا اقداماتی صورت گیرد تا دیر نشده آنها بتوانند با بستگان خود در لیبرتی ملاقات و آنها را متقاعد کنند که هر چه زودتر خود را از تشکیلات فرقه خارج نمایند.

در ادامه نشست مسئول جلسه در رابطه با فریکاری و کارشکنی رجوی ها برای عدم انتقال افراد به کشور ثالث و یا حتی تخلیه مابقی افراد اشرف برای حاضرین گفت ما قبلاً توضیح دادیم که رجوی عامل همه کارشکنی ها و عدم موفقیت در انتقال افراد و جابجایی هاست و سعی دارد تا زمان بیشتری را بگیرد. در اتفاق اخیر نیز که خیلی ها آن را محکوم کردند وزارت خارجه آمریکا نیز طی نامه ای به مریم قجر آن را محکوم و خواهان خروج هر چه سریعتر مابقی افراد اشرف به لیبرتی شدند مریم قجر طی نامه ای ضمن پاسخ فریکارانه به وزارت خارجه آمریکا سعی نمود تا با درخواست مواردی غیر قابل امکان و تجهیز کردن مجدد لیبرتی بار دیگر درصدد بود جهت انتقال سریع افراد و تخلیه کامل اشرف کارشکنی کند.

در پایان جلسه همه حاضرین ضمن ابراز نگرانی از وضعیت افراد در اشرف و لیبرتی و بی توجهی و کارشکنی فرماندهان فرقه در انتقال آنان به خارج عراق جهت جلوگیری کشتار دیگر توسط رجوی خواهان اقداماتی از مجامع بین المللی شدند تا دست به اقدام عاجلی زده تا هر چه زودتر این افراد از عراق خارج و از جهنم تشکیلات رجوی رها شوند.

اینجا نیز نمی توانند احساسات و عاطفه را ابراز کنند و باید مطالب نوشته شده را تکرار کنند. در جریان همین واقعه یکی از اعضای خانواده کشته شده ها که در لیبرتی مستقر است به منزلش زنگ زده و مرگ خواهرش را به سایر اعضای خانواده تبریک گفت که مورد لعن و نفرین خانواده قرار گرفت و عامل اصلی این فاجعه و مرگ دخترش را رجوی جنایتکار دانست.

آقای مهدی رضانی یکی از خانواده حاضر در جلسه که خواهرش مریم سالیان اسیر این فرقه می باشد اظهار داشت: این فاجعه باعث نگرانی شدید ما گشته است و این را به ما یادآور می شود که تا دیر نشده بایستی تلاش نمائیم تا بستگانمان را از جهنم رجوی در اشرف رها کنیم ظاهراً او قصد به کشتن دادن همه را دارد.

هر چند که قبلاً به اطراف اشرف رفتیم و وضعیت مناسبات و شکل زندگی و ... آنها را دیدم ولی با اتفاقات اخیر نظرم نسبت به بی توجهی مسئولین فرقه نسبت به جانسان جلب شد

آقای رضانی ضمن ابراز نگرانی از بلاتکلیفی افراد در عراق از همه حضار خواست تا تلاش مضاعفی برای یافتن راه حلی برای انجام ملاقات در لیبرتی با بستگان بیايند.

خانم فاطمه سهرابی خواهر اسیر فرقه رحیم سهرابی یکی دیگر از شرکت کنندگان در این جلسه که سخنان خود را با لعن و نفرین به رجوی آغاز نمود اظهار داشتند:

سر منشأ همه گرفتاریهای ما خانواده ها رجوی جنایتکار است او تا به حال چندین بار در پیامها و سخنرانی هایش از واقعه عاشورا نام می برد او سعی دارد از نام امام حسین (ع) و عاشورا سوء استفاده کند و احساسات بچه ها را تحریک کند اگر بحث رجوی عاشورا است چرا خود وی در این عاشورا ها شرکت نمی کند و سعی دارد از خون عزیزان مان عاشورایی درست کند!! تمام هدف رجوی زیاد کردن کشته هست تا پرچم فرقه تروریستی خود را بر افراشته نگه دارد.



رجوئها برادر اسیرم را وادار کردند که با من تماس بگیرد و تبریک بگوید!

انجمن نجات

روز گذشته خانم پرستو غلامپور به اتفاق همسرشان علی ابراهیم نژاد از اعضای فعال و مرتبط با انجمن نجات گیلان بمنظور ملاقات با مسئول انجمن در دفتر انجمن حاضر شدند.

خانم غلامپور به مجرد ورود به دفتر انجمن با گریه و تأثر شدید بابت از دست دادن برادر بزرگترش حسن غلامپور در جریان درگیری اخیر اسارتگاه اشرف ضمن قدردانی از تمام مدافعان حقوق بشر از جمله جدانشدگان از فرقه تبهکار رجوی در راستای رهایی اسرای دربند تشکیلات مخوف رجوی، گفت که پدر و مادرم بی آنکه بتوانند جگر گوشه هایشان را در آغوش بگیرند، با چشمانی منتظر دارفانی را وداع گفتند و با وجودیکه خودمان نیز در ارتباط با انجمن نجات نهایت تلاشمان را برای رهایی حسن و منوچهر به خرج دادیم نتوانستیم حسن را ببینیم و در عوض رجوی آشغال توانست او را برای رسیدن به مطامع کثیف خود قربانی کند.

خانم غلامپور در ادامه افزودند: "روزگار را ببین! سالیان سال چشم و گوشمان به تلفن خانه دوخته شده بود شاید که ولو یکبار رجوی به برادرانم اجازه تماس با خانواده ام را بدهد و ما را از چشم انتظاری دریابورد که متأسفانه چنین نشد. حال که رجوی حسن را از ما گرفت برادر دیگرمان منوچهر را که در لیبرتی اسیر است وادار کرده است که ضمن تماس به من و سایر اعضای خانواده مان از بابت قربانی شدن حسن تبریک بگوید! و بخواهد که راهش را ادامه بدهیم!"

در حالیکه خانم غلامپور و همسرشان از این همه دنائت رجوی متحیر شده بودند که چگونه اعضای نگون بخت خود را آلت دست و ابزار خود نموده و با عمر و زندگی شان بازی می کند افزود: "وقتی صحبت های منوچهر به اتمام رسید به وی گفتم

عزیزم. نازنینم کجایه کاری؟! انگار رجوی در این سالیان شمار را مسخ خود کرده است که اینگونه از عاطفه تهی شده اید! حسن و تو عمرتان را نا آگاهانه و در عین حال صادقانه به پای رجوی خائن ریخته اید و این رجوی بود که شما را طعمه عراقی ها کرده و خود و همسرش از مهلکه فرار کردند و دارند خوش می گذرانند. رجوی حسن ما را از ما گرفت و قربانی کرد. از تو می پرسم آیا این ضایعه اسفناک جای تبریک دارد یا تسلیت!؟

برایمان که بسا جای تأسف و تسلیت دارد که هیچ و پوچ حسن جاننش را از داست داده است. حال تو چه می گویی منوچهر جان؟"

اینجا بود که خانم غلامپورتألم و تأثرشان به اوج رسید و دیگر نتوانست ادامه بدهد که همسرشان آقای علی ابراهیم نژاد اضافه کردند که: "در پاسخ به سوال همسر منوچهر سکوت بود و چیزی نگفت که ما فهمیدیم که منوچهر را رجوئها وادار به تکرار اراجیف شان کرده اند و خود منوچهر هم به اظهاراتش ایمان نداشت و حرف دلش نبود لذا خود در ادامه صحبت همسر منوچهر به وی نصیحت کردم که با خدایش خلوت کند و از مرگ تأسفبار برادرش درس عبرت بگیرد و بزودی زود از رجوی جدا شده و به دنیای آزاد و کانون گرم خانواده اش بازگردد."

مسول انجمن ضمن ابراز همدردی و عرض تسلیت به این خانواده داغدار پیرامون وقایع اخیر اشرف که مسبب اصلی اش رجوی بوده و همچنین حول وضعیت حقیقی و حقوقی اسیران اشرف و لیبرتی و سیر تحولات قبل و بعد از درگیری های اخیر توضیحات مبسوطی دادند. همچنین یادآور شدند که می بایست در خاتمه مصاحبه یونامی با یکایک اسیران، آنان از عراق خارج و به کشورهای ثالث انتقال داده می شدند که متأسفانه رجوئها با کارشکنی و اشکال تراشی مانع از روند تعیین تکلیف اسیران و انتقالشان به خارج از عراق شدند که البته هدف استراتژیک مشخصی دارند و نمی خواهند که اسارتگاه اشرف که ظرف مناسب



حسن ما چه کرد این مسعود رجوی خائن . با شما هم این کار را می کند. اگرخواستی به ایران بیا وگرنه به هرجایی که دوست داری برو. فقط از این سازمان خیانتکار جدا شو و زندگی ات را بکن که این رجوی هم تو را مثل حسن می کشد.
قربانت . خواهرت پرستو غلامپور
۱۳۹۲/۶/۲۰

دیدار هیئتی از اعضای سابق سازمان مجاهدین با کاردار سفارت آلبانی در پاریس

فریاد آزادی ، چهارشنبه ۱۰ مهر ۹۲

هیئتی متشکل از آقایان : جعفر ابراهیمی ، قربانعلی حسین نژاد ، محمد کرمی و یوسفی با مراجعه به سفارت کشور آلبانی در پاریس ، با کاردار این سفارت به مدت یک ساعت دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار و گفتگو از دولت آلبانی به علت پذیرش دوستان عزیز ما که سالها در سازمان مجاهدین در عراق اسیر بودند تشکر و قدردانی شد. سپس مشکلات و خواسته های اعضای جدا شده از سازمان در کشور آلبانی با آنها در میان گذاشته شد.

جهت کنترل ذهن و به طبع به اسارت کشیدنشان هست را از دست بدهند چون که اگر این ظرف نباشد و اعضای اسیر و نگون بختش در خارج از این ظرف در خارجه پخش و پلا بشوند دیگر نه از تاک نشانی می ماند و نه از تاک نشان . یعنی که فرو پاشی و اضمحلال کامل تشکیلات رجوی و این مساوی است با نیست و نابودی رجوی و اهداف و آرزوی های کذایی قدرت طلبانه این دیکتاتور بزدل و متواری .

در پایان این دیدار خانم غلامپور از مسول انجمن خواستند که در صورت امکان ، نامه شان به برادر اسیرش منوچهر جهت روشننگری در سایت نجات درج گردیده شاید که منوچهر هم موفق شود آنرا بخواند.

نامه پرستو غلامپور به منوچهر غلامپور

منوچهرجان سلام . سلامی پر از غم و اندوه و با دلی شکسته . امیدوارم حالت خوب باشد. آخر تو تنها یادگاری خانواده ما هستی .

برادر عزیزم. حسن جان برادر عزیزم را که از دست داده ایم و دیگر به آغوش گرم خانواده ما بر نمی گردد و دیگر او را نمی بینیم و لمسش نمی کنیم چونکه رجوی خائن او را کشت و راحت شد و خونسش را به زمین ریخت و خودش درحال خوش گذرانی است .

برادرم بیا . بابا و مامان که حسن را ندیدند. داغ ندیدن شما آنها را کشت. خیلی چشم انتظار دیدن شما بودند ولی افسوس که نشد شما را ببینند ، وداع کردند و رفتند.

منوچهرجان بیا که فقط تو را داریم . بگذار از دیدن تو من و بچه ها محروم نباشیم .

منوچهرجان به خدا قسم آن چیزی که شما فکر می کنید نیست . من دارم زندگی می کنم و دو بچه دارم . بیا تا شما را ببینیم . راحت می توانید زندگی کنید.

الان به خاطر غم بزرگی که دارم چیزی به یادم نمی رسد فقط عاقلانه در خلوت فکر کن که با

افرادی از رنگین پوستان در میان اجتماع این گروهک تروریستی با شگفتی خطاب به یکی از اعضای این گروهک تروریستی و با طنز گفت: هشت سال پیش که ایران بودم به بسیاری از استان ها و شهرهای مختلف سفر کردم، با چنین نژادی که امروز در میان شما می بینم، برخورد نکرده ام، آیا شما اصلاح نژاد کرده اید؟

این منافق در پاسخ به سوال طنز گونه کارمند سابق سازمان ملل در تهران واکنشی عصبی نشان داد و گفت: احتمالا شما هم به یکی از هوادار حکومت ایران تبدیل شده اید که چنین ما را مسخره می کنید.

پس از پایان تجمع این گروهک تروریستی، خبرنگار ایرنا در نیویورک با دو تن از افراد سالخورده ای که با پوشیدن لباس نارنجی و پرچم این گروهک به علت خستگی همچنان در مقابل سازمان ملل نشسته بودند، گفت وگویی کوتاه انجام داد.

او نامش مالابایا و اهل آفریقای جنوبی است.

وی در پاسخ به این سوال آیا می دانید چرا در مقابل سازمان ملل تجمع کردید، گفت: نه. فقط امروز همچون گذشته برای یافتن لقمه نانی در مقابل گرانت سنترال مشغول گدایی بودم، دو نفر به من مراجعه کردند و گفتند اگر چند ساعت با گروه ما همراه شوید و در مقابل سازمان ملل با تکان دادن این پرچم ها شعار بدهید، ۲۰ دلار و یک وعده نهار به شما خواهیم داد، من هم با خوشحالی پذیرفتم.

این پیر زن سالخورده گفت: آنها به من گفتند ما یک گروه حقوق بشری هستیم و تلاش های ما در راه احترام به انسان هایی مثل شما است که هیچ سرپناه و کسی را ندارند.



گروهک منافقین (مجاهدین خلق، فرقه رجوی) در نیویورک دست به دامان متکدیان شد

نیویورک - شمار اندکی از اعضای گروهک تروریستی منافقین که مقابل مقر سازمان ملل علیه مسوولان عراقی و نماینده ویژه سازمان ملل در این کشور تجمع کرده و شعار سر می دهند، دست به دامان متکدیان نیویورکی نیز شده اند.

به گزارش ایرنا، امروز همزمان با نشست شورای امنیت سازمان ملل درباره عراق که بخشی از آن به وضعیت این گروهک تروریستی اختصاص داشت، این عده از منافقین که طی روزهای گذشته تعدادشان به کمتر از ۱۰ نفر می رسید، امروز تعداد ۳۰ نفر از متکدیان و افراد سالخورده در نیویورک از ملیت های مختلف را به خدمت گرفته تا در مقابل سازمان ملل جمعیت خود را بیشتر نشان دهند.

این عده با سروصدا و با کوبیدن بر طبل موجی از سروصدا را در مقابل سازمان ملل به راه انداختند و خواستار بازگشت به کمپ اشرف شدند.

یکی از کارمندان سازمان ملل که سالها در دفتر این نهاد بین المللی در تهران فعالیت داشته و با ساختار جمعیتی و نژادی ایران آشنا است با دیدن

حضور منافقین در عراق تداعی کننده جنایات صدام است

پنج‌شنبه، ۴ مهر ۱۳۹۲

به گزارش واحد مرکزی خبر، اشرف نیوز در خبر ارسالی از عراق بیان داشت ریاض غریب؛ نماینده ائتلاف دولت قانون حضور اعضای سازمان مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین) را در عراق تداعی کننده روزهای سیاه تاریخ این کشور در دوره صدام حسین، برای ملتش دانست. ریاض غریب وجود اعضای گروهک مجاهدین خلق (منافقین) را تداعی کننده جنایات صدام دانست و بقای این سازمان را در عراق برای امنیت و ثبات این کشور خطرناک توصیف کرد. این نماینده پارلمان عراق از استان کربلا انتقال اعضای گروهک مجاهدین خلق (منافقین) از پادگان اشرف در دیاله را یک پیروزی برای ملت کشورش ذکر کرد و افزود: زمان پاکسازی خاک عراق از وجود این گروهک تروریستی و جنایتکار فرا رسیده است. وی گفت: تصمیم دولت عراق در خصوص اخراج عناصر باقیمانده این گروهک قطعی است.

پیرزن دیگری که عکس یکی از سرکرده های گروهک تروریستی را در دست داشت، از او پرسیدم آیا صاحب این عکس را می شناسید، گفت: نه من کاری به این مسایل ندارم، تنها به فکر گرفتن ۲۰ دلار و صرف یک وعده غذای خوب بعد از چند روز گرسنگی هستم.

وی که علاقه ای به معرفی خود نداشت، گفت: گدایی هستم که شب ها در گرانت سنترال می خوابم (ترمینال مرکزی قطار شهری و متروی نیویورک) و روزها به کار گدایی مشغولم و اگر کسی به من پول بدهد هر کاری که بتوانم، انجام می دهم.

گروهک تروریستی منافقین مدت ها است که در اروپا و آمریکا از دانشجویان گرفته تا متکدیان و افراد سالخورده که هیچ گونه شناختی از ماهیت تروریستی آنها نداشته باشند، به عنوان عضوی از خود در تجمعات استفاده می کنند.

ایرنا، نیویورک، نوزدهم ژوئیه ۲۰۱۳





مجلس ایران تحویل مجاهدین به کشور را پیگیری می کند

خبرگزاری مهر

دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۲

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه پس از تعطیلی اشرف باید اعضای مجاهدین تحویل ایران شوند ، افزود: هیچ کشور ثالثی حق ندارد به صورت متمرکز اعضای این گروه را بپذیرد . اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر ، با اشاره به تعطیلی قرارگاه اشرف مقر مجاهدین در عراق گفت : با توجه به جنایاتی که مجاهدین در عراق انجام دادند مردم عراق و مسئولین عراقی نسبت به آنها حساس تر شده اند البته و با توجه به حمایت‌های پنهانی که از مجاهدین می‌شود در نهایت با فشار مردم و مسئولین عراقی ، اعضای گروه مجاهدین به قرارگاه لیبرتی منتقل شدند.

وی به عملیات اخیر انجام شده علیه مجاهدین توسط مردم عراق اشاره کرد و گفت : در نهایت عملیاتی که علیه مجاهدین انجام شد تلفات سنگینی به آنها وارد کرد که هزینه نگهداری و حفاظت از قرارگاه اشرف را بسیار بالا برد.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه وضعیت مجاهدین انتقال داده شده به قرارگاه لیبرتی را پیگیری می‌کنیم ادامه داد: آمریکا ، اسرائیل ، فرانسه و برخی کشورهای دیگر حمایت‌های زیادی را از این گروه انجام می‌دهند تا آنها را بصورت منسجم نگه دارند و هر جا که خواستند انتقال دهند ولی ما در مجلس پیگیری خواهیم کرد تا همه اینها را تحویل ایران دهند کسانی که جنایت کرده‌اند به سزای عمل خود برسند و افرادی که جرمی مرتکب نشدند به زندگی عادی خود بازگردند.

کوثری ادامه داد : آنها دیگر توان اقدام جنایتی ندارند چون اکثریت آنها پا به سن گذاشته‌اند و توان جسمی لازم ندارند با این حال هیچ کشور ثالثی حق ندارد به صورت متمرکز آنها را بپذیرد تا آنها سازمان منسجم خود را حفظ کنند.

وی به دلایل انتقال مجاهدین از قرارگاه اشرف اشاره کرد و گفت : لیبرتی را به صورت موقت انتخاب کردند تا عراقی‌ها روی آنها اشراف داشته باشند با اینکه قرارگاه اشرف نیز در عراق بود ولی عراقی‌ها آنچنان تسلطی روی آنها نداشتند. بالاخره اینها ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر هستند که جنایتهای زیادی را در زمان صدام و حمله آمریکا علیه مردم انجام داده‌اند که در نهایت با وجود حمایت‌های سازمان ملل ، مجاهدین به قرارگاه لیبرتی منتقل شدند.

کوثری با بیان اینکه قطعا مجاهدین تلاشهای زیادی برای انجام خواسته‌های صهیونیستها انجام می‌هند ادامه داد : در مسائل منطقه‌ای در مسئله سوریه گروههای ترور به نیابت از مجاهدین اقداماتی انجام می‌دهند ، زمانی که ریگی بود با ریگی هماهنگ بودند در واقع به خاطر بالا رفتن سن و کاهش توان جسمی بیشتر تجربیات خود را انتقال می‌دهند.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه وضعیت مجاهدین انتقال داده شده به قرارگاه لیبرتی را پیگیری می‌کنیم ادامه داد: آمریکا ، اسرائیل ، فرانسه و برخی کشورهای دیگر حمایت‌های زیادی را از این گروه انجام می‌دهند تا آنها را بصورت منسجم نگه دارند و هر جا که خواستند انتقال دهند ولی ما در مجلس پیگیری خواهیم کرد تا همه اینها را تحویل ایران دهند .



مالکی نقش نیروهای عراقی در حمله به پایگاه اشرف را تکذیب کرد

رادیو فردا، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰

نوری مالکی، نخست وزیر عراق، ادعای سازمان مجاهدین خلق ایران مبنی بر «گروگان گیری» هفت نفر از اعضای این سازمان را تکذیب کرد و گفت که نیروهای عراقی در حمله اخیر به پایگاه نظامی اشرف نقشی نداشته‌اند.

بر اساس اطلاعاتی که روز جمعه، ۲۹ شهریور، در پایگاه خبری نخست وزیر عراق منتشر شد، آقای مالکی سازمان مجاهدین خلق را به «دروغ‌گویی» متهم کرد و گفت که نه تنها این هفت عضو مفقود شده سازمان مجاهدین خلق در اختیار نیروهای عراقی نیستند، بلکه دولت عراق تاکنون «هیچ اقدامی» علیه اعضای این سازمان نکرده است، چه در پایگاه اشرف و چه در پایگاه‌های دیگر.

در جریان حمله روز ۱۰ شهریور به پایگاه نظامی اشرف، جایی که حدود ۱۰۰ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق حضور داشتند، ده‌ها تن کشته شدند. سازمان مجاهدین خلق تعداد این کشته‌ها را ۵۲ تن اعلام کرده و مدعی شده که نیروهای حکومت عراق چنین حمله‌ای را تدارک دیده‌اند.

در عین حال سازمان مجاهدین خلق می‌گوید که در همان روز نیروهای عراقی هفت عضو این سازمان را به گروگان گرفته‌اند و قصد دارند آنها را به حکومت ایران تحویل دهند. اما نوری مالکی در اطلاعات خود مدعی شده است که نیروهای عراقی از پایگاه اشرف «محافظت» کرده‌اند و با این حال سازمان مجاهدین خلق به آنها اجازه نداده است که وارد پایگاه شده و درباره این رخداد تحقیق کنند. نخست وزیر عراق سپس به «توافق» دولت این کشور با سازمان ملل متحد برای اسکان مجدد

اعضای سازمان مجاهدین خلق و در نهایت خروج آنها از خاک عراق اشاره می‌کند و این سازمان را به «نقض متعدد» مفاد این توافق‌نامه متهم می‌سازد.

تاکنون کشور آلبانی با فراخوان سازمان ملل متحد مبنی بر اعطای پناهندگی به اعضای سازمان مجاهدین خلق موافقت کرده و ده‌ها تن از اعضای این سازمان به آلبانی رفته‌اند. در عین حال حمله اخیر به پایگاه اشرف، سازمان ملل متحد را بر آن داشت که بار دیگر فراخوان خود را تکرار کند و از کشورهای عضو این سازمان بخواهد برای اسکان مجدد نیروهای مجاهدین خلق تلاش بیشتری کنند.

اما اطلاعاتی نخست وزیر عراق، واکنش پایگاه‌های خبری سازمان مجاهدین خلق و سخنگوی این سازمان را به دنبال داشته است، چنانچه وب سایت رسمی این سازمان نوشت که این مواضع آقای مالکی «نمی‌تواند حتی یک خرگوش را بفریبد» و این که چنین سخنانی حمایت از یک «معامله» مخفی میان حکومت‌های عراق و ایران دارد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس هم اظهارات شه‌یار کیا، سخنگوی سازمان مجاهدین خلق، را بازتاب می‌دهد که اطلاعاتی نخست وزیر عراق را «مضحک» می‌کند و می‌گوید این دولت عراق بوده که مانع تحقیقات درباره حمله اخیر به پایگاه اشرف شده است.

دولت شیعه مذهب عراق از متحدان جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اجرای حمله به پایگاه اشرف و مرگ تعدادی از نیروهای سازمان مجاهدین خلق نیز واکنش مثبت و استقبال نهادها و مقامات ایرانی را به دنبال داشت و از آن جمله سپاه پاسداران در اطلاعاتی از این اقدام تجلیل کرد.



تبریک به مناسبت بسته شدن لانه تروریستی رجوی

انجمن نجات گلستان ، ۱ مهر ۱۳۹۲

بیش از سه دهه بود که سران فرقه رجوی در قسمت شمالی کشور عراق در نزدیکی شهر خالص در قلعه ای بنام پادگان نظامی اشرف حضور داشتند و تمامی جنایتهای تروریستی و ربودن افراد را در آنجا پایه ریزی می کردند که البته مسعود رجوی خائن شخصاً این گروه تروریستی را سرکردگی می کرد و مریم عضدانلو نیز در اداره امور با او همدست بود .

قلعه اشرف که زمانی مجاهدین به آن افتخار می کردند و در مورد آن این گونه می گفتند که ” کوه زجا بجنب ، اشرف زجا بجنب ” و برای خودشان از این پادگان به عنوان جایگاه ابدی یاد می کردند و حتی خود سرکرده قاتل آن نیز می گفت که اگر سر ما برود باز اشرف را از دست نمی دهیم ، ولی اکنون بعد از ۳۰ سال می بینیم که این عناصر مجاهدین بودند که با خواری و ذلت تمام آنرا ترک کرده و به کمپ دیگری رفتند .

باری ، حضور خانواده در مدت ۴ سالی که در جلوی پادگان نظامی اشرف بودند باعث و بانی بسته شدن درب اشرف و تعطیلی این قلعه مخوف بعد از این همه سال بود چرا که خانواده ها با حضور مستمر و ایستادگی طاقت فرسایشان باعث شدند تا جنایتهای این تروریستها فاش شود و دولتمردان عراقی برای اخراج این گروه تروریستی اقدام کنند و در این بین سهم خانواده های گلستانی در این حضور مقاوم خانواده ها در جلوی پادگان نظامی اشرف ستودنی بود و آنها پا به پای سایر خانواده ها از سراسر کشور برای رهایی اسیران دربند فرقه رجوی و اخراج سران آن از عراق تلاش کردند که شکر خدا این حرکت خانواده ها نتیجه داده و امروز

شاهد گل گرفتن درب پادگان نظامی اشرف و حذف نام آن برای تمام طول تاریخ هستیم و امیدواریم که ارگانهای بین المللی برای نجات زندانیان دربند فرقه رجوی تلاش مضاعفی بکار گیرند تا همانند درگیریهای اشرف که سرکرده این گروه تروریستی برای حفظ منافع خودش دست به چنین جنایتی زد دیگر زندانیان را نیز قربانی مطامع خودش نکند ، چرا که کمپ لیبرتی نیز امنیت ندارد و شاهد بودیم چگونه در سال گذشته آنجا نیز توسط مردم خشمگین عراق که خواستند انتقام کشتن اکراد شیعه توسط سران مجاهدین را بگیرند و آنجا را موشک باران کردند .

انجمن نجات استان گلستان به نوبه خود بسته شدن درب پادگان نظامی اشرف و لانه تروریست را به تمامی خانواده های آسیب دیده از فرقه تروریستی رجوی تبریک می گوید و در آینده نه چنان دور شاهد خشک شدن ریشه این فرقه جنایتکار ضد بشری خواهیم بود . انشاءالله .

**حضور خانواده ها در مدت
۴ سالی که در جلوی پادگان
نظامی اشرف بودند باعث و بانی
بسته شدن درب اشرف و
تعطیلی این قلعه مخوف بعد از
این همه سال بود چرا که
خانواده ها با حضور مستمر و
ایستادگی طاقت فرسایشان
باعث شدند تا جنایتهای این
تروریستها فاش شود و
دولتمردان عراقی برای اخراج
این گروه تروریستی اقدام کنند**



دیداری دوباره، تولدی دوباره

انجمن نجات مرکز البرز

پنجشنبه ۴ مهر ۱۳۹۲

با خانواده به کشوری دیگر عزیمت می کند و در حال حاضر سلامت و موفق می باشد.

۳ سناریوی عراق برای استفاده از پادگان اشرف

عدی الخدران

سه شنبه، ۹ مهر ۱۳۹۲

به گزارش هایلیان به نقل از السومریه نیوز عراق، عدی الخدران فرماندار شهرستان خالص گفت: فرمانداری خالص سه سناریو برای پایان دادن به موضوع استفاده از این پادگان طراحی کرده است که عبارتند از: تبدیل آن به یک منطقه بزرگ گردشگری، استفاده از آن به عنوان یک مرکز پژوهش های علمی کشاورزی برای دانشگاه دیالی و یا تبدیل این پادگان به یک شهرک نظامی. فرماندار شهرستان خالص با اشاره به اینکه در آینده ای نزدیک مذاکرات و گفتگوها برای تصمیم گیری درباره این موضوع آغاز خواهد شد گفت: پایان دادن به موضوع نحوه استفاده از پادگان عراق جدید براساس در نظر گرفتن منافع ملی همه عراقی ها و توافق آرا میان همه طرف های دولتی و فرمانداری خالص خواهد بود.

ماه گذشته پدر و مادر محمد نجاریان کرمانی به یکی از کشورهای همسایه جهت ملاقات فرزندشان مسافرت نمودند و موفق شدند بعد از مدت ۲ سال یکبار دیگر او را از نزدیک ببینند.

محمد نجاریان در درد دلهايش با مادر اشاره ای به رخداد ۱۹ فروردین و نجات خودش کرد که چگونه مسئولین سازمان وی را فریب داده بودند و به وی گفته بودند آمدند شما را از بین ببرند و دستور شلیک به شما را به آنها داده اند و خدا را بار دیگر شکر می کرد که توانست زنده از زیر آن زرهی که زیرش کرده بود نجات پیدا کند. خانواده که بارها فیلم زیر کردن زرهی را دیده بودند و نمی دانستند وی کی بوده و سرنوشتش چه شده با شنیدن این موضوع که فرد زیر شده پسر خودشان بوده ابتدا جا خورده سپس بار دیگر از خداوند بخشنده این تولد دوباره را شکر و دست به نیایش بردند از آنجایی که محمد نجاریان بعد از زیر گرفته شدن زرهی مدتی از ناحیه دو پا مصدوم و ویلچر نشین بود نتوانسته بود جدا شود و قبلاً نیز به خاطر اقدام به فرار بینی وی را شکسته بودند و سازمان قصد داشت وی را در این درگیری با پلیس عراق، کشته و با دجالگری هم از دست او خلاص شود و هم سیاست شهید سازی خود را دنبال نماید. پدر و مادر حدود یکماه رمضان مهمان فرزندشان بودند.

خانواده وی بعد از بازگشت، به دفتر انجمن مراجعه نموده و مختصری از تعاریف محمد را بازگو کردند و برای همه بچه های اسیر چنگال رجوی و خانواده های آنها دعا نموده که بتوانند عزیزانشان را در سلامت دیدار کنند.

محمد نجاریان در سال ۱۳۹۰ بعد از بهبودش، از اشرف فرار و خودش را به نیروهای عراقی می رساند و بعد از مدتی اقامت در بغداد و ملاقات

نقش داشته، آسیب‌های زیادی دیده است.» وی افزود: «من یکی از مجروحان درگیری‌های با سازمان خلق در ماه مارس سال ۱۹۹۱ در منطقه کلار هستم که اعضای این سازمان به همراه ارتش آن وقت عراق برای سرکوب کردن‌ها و نیروهای پیشمرگ وارد این منطقه شده بودند.»

"الاعرجی" تاکید کرد وجود این سازمان در خاک عراق مایه نگرانی ما و روند سیاسی کشور است. وی خاطر نشان کرد: «سازمان خلق هزاران ابزار پیشرفته و امکانات و تجهیزات مختلف دارد که ملت عراق از همه آن‌ها محروم شده است.»

بدر: منظمه خلق شارکت بالقتال ضد قواتنا والیشمرکه عام ۱۹۹۱

آیا می دانید :

آیا می دانید منافقین، ربودن و شکنجه افراد مشکوک را " عملیات مهندسی " می نامیدند؟

آیا می دانید از جمله خیانت‌های منافقین در جنگ تحمیلی، تخلیه تلفنی هموطنان برای حزب بعث بوده است؟

آیا می دانید " حسین ربوبی " مسؤول پایگاه‌های سابق منافقین در پاکستان حکم ابطال نمازی که بدون عکس مسعود رجوی خوانده شود را داده بود؟



فراکسیون بدر در پارلمان عراق : سازمان مجاهدین خلق در درگیری علیه نیروهای ما و نیروهای پیشمرگ در سال ۱۹۹۱ مشارکت داشته است

خندان

سه شنبه ۹ مهر ۱۳۹۲

خندان - علی ناجی

فراکسیون "بدر" در پارلمان عراق وجود سازمان مجاهدین خلق در این کشور را مایه نگرانی در روند سیاسی کشور دانست و تاکید کرد: «سازمان خلق با ارتش سابق عراق در درگیری علیه نیروهای بدر و نیروهای پیشمرگ در منطقه کلار در سال ۱۹۹۱ دست داشته است.»

"قاسم الاعرجی" رئیس فراکسیون بدر در پارلمان عراق در گفت و گو با خبرنگار سایت "خندان" تصریح کرد: «پس از پاکسازی اردوگاه اشرف که توسط سازمان تروریستی خلق اشغال شده بود، دروغ‌های جدیدی پیرامون ناپدید شدن ۷ تن از سران این سازمان تروریستی بدست نیروهای امنیتی عراق مطرح شد.» وی در ادامه خاطر نشان کرد: «این دروغ سازمان خلق در راستای سلسله دروغ‌های این سازمان که با هدف ایجاد مشکلات بین عراق و سازمان ملل متحد و سازمان‌های حقوق بشر است به حساب می آید.» وی افزود:

« روند تخلیه اردوگاه اشرف با نظارت سازمان ملل متحد صورت گرفته است و درگیری‌های داخلی میان رهبران این سازمان هیچ ارتباطی با نیروهای امنیتی عراق ندارد.»

"الاعرجی" در ادامه خاطر نشان کرد: «ملت عراق از این سازمان که ابزار سرکوب صدام در سال ۱۹۹۱ بود و در سرکوب این ملت در دوران انتفاضه



نامه تعدادی از اعضاء سابق و منتقدان سازمان مجاهدین خلق ایران به وزیر کشور آلبانی

فریاد آزادی ، پاریس ، ۸ مهر ۹۲

اقای سایمیر تهپیری، وزیر محترم کشور آلبانی

دولت متبوع شما در چهارچوب اقدامات حقوق بشری ۲۱۰ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق که در کشورعراق اسیر هستند را به عنوان پناهنده سیاسی پذیرفته است اما سازمان مجاهدین از موقعیت پیش آمده سوء استفاده کرده و در بین افرادی که به آلبانی فرستاده شده اند تعدادی از فرماندهان خود را برای کنترل تشکیلاتی که در آنجا درست کرده اند ، جاداده اند. از جمله این افراد که همگی از فرماندهان بالای سازمان می باشند می شود از فرزانه میدانشاهی عضو شورای رهبری مجاهدین، اسماعیل مرتضائی ، هوشنگ دودگانی ، افشین ابراهیمی و کریم قریشی نام برد. از آنجائی که این فرماندهان نتوانسته اند تشکیلاتی را که در البانی درست کرده اند حفظ کنند ، در نتیجه آن همانطور که اطلاع دارید نزدیک به ۷۰ تن از تشکیلات مجاهدین جدا شدند علیرغم اینکه اعلام کرده اند که دیگر نمی خواهند با سازمان مجاهدین همکاری کنند ، از طرف تشکیلات سازمان در آلبانی بشدت تحت فشار هستند.

طبق اخبار رسیده از درون تشکیلات سازمان مجاهدین ، سران سازمان مجاهدین تصمیم گرفته اند که خانم معصومه ملک محمدی یکی از بالاترین فرماندهان خود را از کمپ لیبرتی جهت تقویت تشکیلات به البانی بفرستند نامبرده یکی از چهره های مهم سازمان مجاهدین خلق می باشد.

مهمترین هدف سازمان مجاهدین تلاش برای دور نمودن وی از پیگرد قانونی قوه قضاییه عراق

می باشد. معصومه ملک محمدی از جمله کسانی است که نامش در لیست سران سازمان تحت پیگرد قضائی درعراق ثبت شده است. از جمله مسئولیت های ایشان در عراق بعنوان مسئول روابط خارجی سازمان درعراق ، اجرای ملاقات ها و معاملاتی انجام شده با دولت صدام حسین بوده است. اجرای پروژهای دخالت در امور عراق در ۱۰ سال اخیر ، تلاش برای ایجاد تفرقه و بر هم زدن اوضاع داخلی عراق ، ایجاد انجمن ها و احزاب بنام عراقی ها و حمایت از گروه های خاص تروریستی در عراق ، حمایت از گروه تروریستی طارق الهاشمی (معاون سابق رئیس جمهور عراق که الان فراری است) از جمله اقدامات خانم معصومه ملک محمدی در کشور عراق بوده است.

از اقدامات تروریستی ایشان می شود از شرکت وی بعنوان فرمانده ارشد در کشتارکردها در خائنین، منطقه مروارید در سال ۱۹۹۱ نام برد. خانم ملک محمدی یکی از سران و شکنجه گران زندان های ۱۹۹۵ فرقه در قرارگاه اشرف نیز بود که بسیاری از اعضای ناراضی را بازجوئی و شکنجه کرده و یکی از قضات دادگاه هایی!! بود که مسعود رجوی بر علیه ناراضیان برگزار می کرد. نام این خانم در کنار یکی از مسئولین مرگهای مشکوک در درون سازمان مجاهدین برده می شود. خانم ملک محمدی در سال های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ نیز در هنگام اقامت در پاکستان بدلیل اقدامات غیرقانونی تحت پیگرد قضائی دولت آنجا بود که با اسم و پاسپورت جعلی عراقی از پاکستان به عراق گریخت.

جناب آقای تهپیری

از شما بعنوان وزیر کشور و مسئول امنیت کشور آلبانی درخواست داریم ، با توجه به موارد فوق از ورود خانم معصومه ملک محمدی به آلبانی جلوگیری کنید. نامبرده در کشور عراق به خاطر اقدامات جنایتکارانه اش باید به سیستم قضائی آنجا



تحويل داده شود. ضمناً از دولت آلبانی درخواست می شود که افراد جدا شده از سازمان مجاهدین در مکان دیگر اسکان داده شوند تا از شکنجه های روحی و روانی تشکیلات مجاهدین در امان بمانند.

از اقدامات انسانی و حقوق بشری شما کمال تشکر را داریم. مردم ایران این کار بزرگ شما را هرگز و هیچ وقت فراموش نخواهند کرد.

برخی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق و منتقدان از سازمان مجاهدین خلق :

عبدالرضا رستمی - عادل اعظمی - مهدی افتخاری - زهرا معینی - بتول سلطانی - زهرا میر باقری - بهیه جیلانی - میترا یوسفی - آن سینگلتون - نیاز سلیمی - نسرین ابراهیمی - ب امیری - ویشا مادج - علی اکبر راستگو - ادوارد ترمادو - قربانعلی حسین نژاد - سید امیر موثقی - علیرضا میر عسگری - تورج امیری - محمد رضا نجاریان کرمانی - علی قشقاوی - مسعود خدابنده - حسن پیرانسر - مهرداد ساغرچی - ارش صامتی - پور - بهزاد علیشاهی - کریم غلامی - وحید سعیدی - حسن عزیزی - مهدی خوشحال - مزدک نصیری - احمد محمد - محمد کرمی - علی جهانی - محمد حسین صبحانی - مسعود جابانی - محمود سپاهی - همایون کهزادی - شهرروز تاجبخش - مهدی سجودی - غفور فتاحیان - میر باقر صدیقی - پرویز سام - جعفر ابراهیمی

رونوشت برای:

دفتر نخست وزیر آلبانی - دفتر نخست وزیر عراق
دفتر وزیر امور داخلی آلبانی - دفتر وزیر دادگستری
عراق

زیباری: اروپا به فکر مکان دیگری
برای اسکان مجاهدین خلق باشد
انجمن دفاع از قربانیان تروریسم
دوشنبه ۸ مهر ۱۳۹۲

به گزارش انجمن دفاع از قربانیان تروریسم، وزارت خارجه عراق در بیانیه ای که نسخه ای از آن در اختیار سایت اشرف قرار گرفت، گفت: هوشیار زیباری در ملاقات با کاترین اشتون در حاشیه شصت و هشتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک اظهار داشت: کشورهای اتحادیه اروپا برای اسکان ساکنان لیبرتی باید هرچه سریعتر اقدام کنند و مسئله گروه مجاهدین را با انتقال آنها به خارج از خاک عراق حل و فصل شود. این بیانیه می افزاید: در این ملاقات طی توافقنامه امضاء شده روابط میان بغداد و بروکسل مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین اقدامات لازم برای تشکیل جلسه شورای همکاری در سه ماه آینده صورت گرفت تا با توسعه روابط بین بغداد و کشورهای اتحادیه اروپا مفاد توافقنامه عملی شود. گفتنی است، زیباری با تاکید بر اینکه حضور گروه مجاهدین در خاک عراق با قانون اساسی این کشور مغایرت دارد، گفت: قانون اساسی عراق اجازه حضور سازمان های خارجی را که اقتدار و تمامیت ارضی عراق را به نوعی خدشه دار می کنند، نمی دهد.

دادند تماس بگیری و کشته شدن برادرمان را تبریک بگویی؟! واقعا لعنت بر رجوی، این چه مرامی است که او دارد!! برادر جان گفتی که درحسینیه برایش مراسم بگیریم اگر کشته شدن ابراهیم تبریک دارد پس گرفتن مراسم برای چیست؟! آنها که به مراسم گرفتن اعتقادی ندارند چون مریم عفریته درخارج به کشته شدن امثال ابراهیم به قول خودش افتخار می کند! خودت که جواب اهل خانه را شنیدی که همه بر رجوی لعنت فرستادند چون او را مسبب کشته شدن ابراهیم می دانند. برادر جان چندین بار با این سن و سال و پا دردی که دارم درگرما و سرما به عراق و پشت سیاح اشرف آمدم، جایی که اسمش را شهر گذاشته بودند اما من ندیدم دور یک شهر این همه سیم خاردار و سیاح باشد!! ساعت ها نشستیم و چشمم به درون سیاح بود و التماس می کردیم می گفتیم که ما فقط می خواهیم برای یک دقیقه با عزیزمان ملاقات کنیم اما دریغ از یک جو انسانیت که بگذارند حتی صدای ما به شما برسد آنهایی که دم از خلق می زدند به سمت من و مادران و پدران پیری که آمده بودند عزیزشان را ببینند با نامردی سنگ پرتاب می کردند و فحش می دادند. نمی دانم تو با خبر می شدی یا نه؟ شاید اگر می گذاشتند با شما دیداری داشته باشیم تا ما حرف دلمان را به شما بزنیم، کار به اینجا نمی رسید اما معلوم است که چرا نمی گذاشتند. برادر جان می دانم در اصل تو مقصر نیستی. سالها جز دروغ چیزی در کله شما نکردند، شما گرفتار ذهن بیمار رجوی هستید. اگر عراق خوب بود چرا خودش و زنش فرار کردند و شما را تنها گذاشتند؟ ماندن شما درعراق دیگر چه فایده ای دارد؟ اینطور که رجوی پیش می رود تا شما را به کشتن ندهد ول کن نیست. اسماعیل جان، ابراهیم را از دست دادیم نگذار که رجوی تو را هم به کشتن دهد لاقلا اگر به فکر دل ما نیستی به فکر دخترت زهرا باش که در کشور غریب تنها و بی کس است که چند وقت پیش تماس گرفته بود و گریه



پاسخ آقای عباس اسدی به تماس برادر

اسیرش در فرقه رجوی

انجمن نجات مرکز خوزستان

یکشنبه ۷ مهر ۱۳۹۲

اسماعیل برادر خوبم از اینکه تماس گرفتی تا حداقل خبر سلامتی تو را بشنویم خوشحال شدیم اما خوشحالی از شنیدن صدای تو برای خانواده بعد از شنیدن خبر کشته شدن برادرمان ابراهیم چندان برای خانواده دوامی نداشت، بخصوص وقتی حرف هایی که در رابطه با کشته شدن ابراهیم زدی همه خانواده از تو دلگیر شدند و چندان به مذاق همه ما خوش نیامد. برادر، من می دانم حرف هایی که زدی حرف خودت نبود چون جملاتی که بکار بردی در فرهنگ خانواده ما و کل ایرانی ها نیست. برادریزم اگر تا قبل از این تماس تو حرف های افرادی که سالها نزد تو بودند اما توانستند خود را نجات داده و الان مشغول گذراندن زندگی سالم خود هستند نمی شنیدم که رجوی برای اجرای نیات شیطانی خود چگونه شما را از خود تهی و افکار پلیدش را در مغز شما کرده شاید الان همین نامه را هم برایت نمی نوشتم و تو را برادریز خطاب قرار نمی دادم و یا شاید اصلاً شک می کردم که تو همان اسماعیل باشی.

برادر جان آیا این است جواب آن از خدا بی خبران به این همه سال نگرانی خانواده تو، واقعا گناه ما چیست که بعد از سالها بی خبری و چشم انتظاری برای حتی یک دقیقه تماس، حالا به شما اجازه



**بان کی مون: اخراج مجاهدین از
عراق، فوری است
خبرگزاری ایسنا
یکشنبه ۷ مهر ۱۳۹۲**

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) دفتر رسانه‌ای بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل در دیدار با هوشیار زیباری، وزیر امور خارجه عراق از دولت عراق خواست تا هر چه سریعتر تحقیقات در خصوص حمله اخیر به اردوگاه اشرف را که موجب کشته شدن تعدادی از عناصر گروه مجاهدین شده است، به پایان برساند. در این بیانیه به نیاز فوری برای انتقال ساکنان لیبرتی به خارج از عراق تاکید شده است. دبیرکل سازمان ملل همچنین نسبت به بروز بحران سیاسی و برهم خوردن اوضاع امنیتی عراق ابراز نگرانی کرد و یک بار دیگر از رهبران عراقی خواست تا وارد گفت‌وگوهای جدی شده و به امر آشتی ملی تسریع ببخشند. از سوی دیگر روزنامه آلمانی کلنراشتات آنساینگر نوشت که قرار است شهر کلن در غرب آلمان پذیرای حضور ۷۷ تن از اعضای گروه تروریستی مجاهدین باشد.

می‌کرد که سالهاست صدای پدر و مادرم را نشنیدم. آخر کدام پدر و مادر حاضر است دخترش را تنها آن هم در کشور غریب رها کند؟ این چه دین و مرامی است که رجوی دارد که شما را به انسانهای بی روح تبدیل کرده است. برادر خوبم پشت تلفن هم که فرصت نشد با تو حرف بزنم. باورکن دوران دروغ و دغل های رجوی تمام شده و اگر خودتان را نجات ندهید مردم برای کشته شدن شما به واسطه خیانت های رجوی بخصوص که با صدام درجنگ همکاری کرد دل نمی سوزانند ای کاش آن سران بی غیرت سازمان حداقل نظرات مردم را درمورد علت کشته شدن امثال ابراهیم که در برنامه "نوبت شما" از تلویزیون بی بی سی پخش شد برای شما می گذاشتند تا می شنیدید که اکثریت مردم رجوی را مقصر اصلی کشته شدن افراد اشرف می دانستند و می گفتند اینها تاوان خیانت رجوی را پس می دهند پس فکرکن و خودت را با خیانت رجوی و سرانش نسوزان اسماعیل جان من سواد کافی برای نوشتن نامه ندارم اینها را من گفتم و دخترم هم روی کاغذ آورده. ظاهرا شما نمی توانید خودتان را از دست رجوی نجات دهید من و بقیه خانواده همچنان تلاش می کنیم که به طریقی شما را نجات دهیم اما خودت هم باید فکر کنی که این همه سال با رجوی چه بدست آوردید؟ به کجا رسیدید؟ آخر سر خودش و زنش فرار کردند. بنابراین خواستم این نامه را روی سایت های اینترنتی بگذارند شاید که ندای وجدانهای بیدار در دنیا درد دل ما را بشنوند تا حداقل به رجوی فشار بیاورند شاید که دست از سر شما بردارد و یا نگذارند عده ی دیگری از شما بخاطر رجوی کشته شوند. امیدوارم که شر رجوی از سر همه شما کوتاه شود و بتوانید به زندگی برگردی. همه خانواده برای تو دعا می کنند که عاقبت به خیر شوی و هرچه زودتر به آغوش خانواده بازگردی یادت باشه که دخترت در کشور غریب نگران و منتظر دیدن تو و مادرش است. قربانت برادرت عباس از طرف همه خانواده

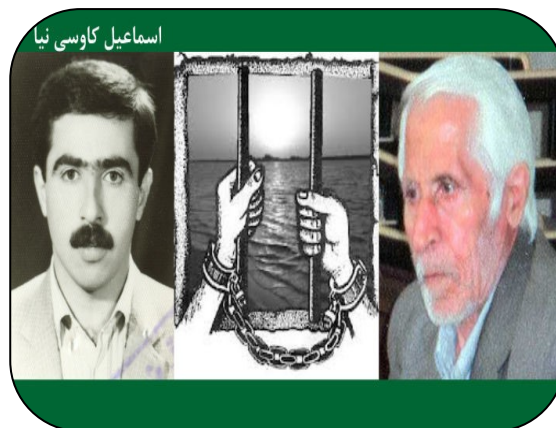
تا این لحظه که نامه را می نویسیم چند بار با مقامات کمیته بین المللی صلیب سرخ دفتر تهران ملاقات کردیم و نامه به آنها دادیم و از درخواست مان برای ملاقات و تماس سخن گفتیم و نوشتیم اما آنها نیز گفتند سران مجاهدین خلق همه درها را بسته اند و امکان ارتباط با خانواده ها را از اعضای مجاهدین در عراق سلب کرده اند.

اسماعیل جان اگر نامه به دستت رسید بدان که ما به شدت نگرانت هستیم صلاح نمی دانیم بیش از این در عراق بمانی اردوگاه لیبرتی را هر چه زودتر ترک کن خودت را به نمایندگان کمیساریای عالی امور پناهندگان در لیبرتی معرفی کن و تقاضای خروج از عراق و انتقال به کشورهای اروپایی را بکن. ما اطمینان داریم سران مجاهدین خلق تشنه قربانی کردن و ریختن خون تو و امثال تو در لیبرتی و عراق هستند. ما پدر و مادر تو هستیم از اخبار و وقایع روز ایران و جهان اطلاع داریم و هر روز آن را دنبال می کنیم مجاهدین خلق مثل مرده متحرک هستند هیچ جایی در ایران ندارند. ملت ایران از آنها متنفر است. سعی کن هر چه زودتر از لیبرتی خارج شوی.

اسماعیل جان هر دوی ما در سن کهولت هستیم و بیمار و در انتظار و چشم به راهت. امیدواریم به یاری خدا از اسارتگاه مجاهدین نجات پیدا کنی. در آرزوی در آغوش کشیدن لحظه شماری می کنیم.

قربانت پدر و مادر چشم انتظارت: چنگیز کاوسی نیا - ربابه حسنی فرخی

رونوشت به: ۱- آقای بانکی مون - دبیر کل محترم سازمان ملل متحد ۲- آقای احمد شهید نماینده ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد ۳- دفتر کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل ۴- کمیته بین المللی صلیب سرخ دفتر تهران و دفتر ژنو ۵- دیده بان حقوق بشر ۶- عفو بین الملل



**نامه پدر و مادر اسماعیل کاوسی نیا
(ساکن کمپ لیبرتی) - مجاهدین خلق
مثل مرده متحرک هستند هیچ جایی در
ایران ندارند ، ملت ایران از آنها متنفر
است**

نیم نگاه، ۱۴ مهرماه ۱۳۹۲

به نام خدا

پسر عزیزمان اسماعیل جان ، مدت ۲۴ سال است که از تو خبری نداریم. ۲۴ سال قبل برای ادامه تحصیل در دانشگاه به کشور ترکیه رفتی و با هزاران امید در انتظار موفقیت بودیم اما بعدها فهمیدیم که فریب رابطین فرقه مجاهدین خلق در ترکیه را خوردی و تو را به عراق فرستادند. سالها همچنان منتظر ماندیم. تلاش زیادی برای دیدنت کردیم اما انگار با درب آهنین روبرو بودیم. هیچ صدایی از ما به تو نرسید. رهبران مجاهدین خلق چرا اینقدر فریبکار و بیرحم و بی عاطفه هستند؟ چرا اجازه ندادند تا تو در طی مدت ۲۴ سال با پدر و مادرت و اعضای خانواده ات فقط یک زنگ بزنی و از آخرین وضعیت را به ما بگویی؟ باید متأسف باشیم برای سردمداران مجاهدین خلق که این چنین احساسات و عواطف پدران و مادران را نادیده می گیرند و هیچ ارزشی برای کانون گرم خانواده قائل نیستند. حال اشرف کاملاً تخلیه شد و ساکنین اشرف مدتهاست به اردوگاه لیبرتی منتقل شده اند.

کرد و آنها مأموریت یافتند که برحق پناهندگی در عراق پافشاری نمایند!

کمیساریای عالی پناهندگان نیز از بدو امر مصاحبه های اختصاصی با تک تک افراد داشت، فلسفه وجودی این مصاحبه ها، علاوه بر روال استاندارد کار این نهاد، اظهارهای پیاپی دولت عراق برای خروج این افراد از خاک این کشور بود، در حالی که رهبری مجاهدین بارها و بارها مانع این مصاحبه ها شد، به اظهارهای دولت عراق توجه نکرد و کمترین همکاری را با سازمان ملل در این باره داشت و در یک نقطه با مانع شدن این افراد از اردوگاه اشرف به کمپ لیبرتی به طور کامل جلوی این مصاحبه ها را گرفت.

مشکل اصلی در راه همیاری سازمان ملل برای انتقال این افراد به خارج از عراق، به ترتیب عبارت بود از ۱- اصرار رهبری مجاهدین برای انتقال یکجای این افراد به خارج از عراق که برای مدت‌ها مانع هر اقدام مؤثری شد. ۲- عدم پذیرش این افراد از سوی کشورهای پناهنده پذیر آن هم به علت این واقعیت که آنان وابسته به یک سازمان تروریستی هستند که رهبری آن گروه تعیین کننده رفتار و واکنش آنان است و از این جهت تهدیدی برای امنیت آن کشورها به حساب می آید. تنها کشور ضعیفی مثل آلبانی که نیاز به کمک های آمریکا دارد و آن هم به تعداد محدود و معدودی حاضر به پذیرش این افراد شد.

این موانع که در مسیر پناهندگی در وضعیت کنونی جهان، موانع کوچکی نیز نیست، ناشی از دخالت رهبری مجاهدین در تعیین وضعیت نیروها به مثابه مانع اصلی است. دولت عراق که بیشترین انعطاف و رأفت را طی این چندسال از خود نشان داده است و پس از خروج آمریکایی ها با این دار و دسته که جزو دشمنان ملت و دولت عراق به حساب می آیند و از عمق توطئه ها و ضدیت های مجاهدین با



رجوی بزرگترین مانع عملیات سازمان ملل و آمریکا : راه حل قطعی، ممکن و ساده برای تضمین سلامت و انتقال گروگانهای لیبرتی

ایران دیدبان، ۱۴ مهرماه ۱۳۹۲

آنچه مانع و رادع اصلی انتقال سریع و امن ساکنان اردوگاه اشرف و لیبرتی بوده است نه بی توجهی دولت آمریکا و نه کم کاری سازمان ملل، نه مانع تراشی دولت عراق و نه دشمنی دولت ایران بوده است، بلکه اصل و اساس به گروگان گرفتن این افراد توسط رجوی برای تضمین بقای تشکیلاتش است. علاوه بر آن رجوی در پی شناساندن خودش به عنوان وکیل و سخنگوی مجاهدین بود، تا از طریق معامله بر سر وضعیت این افراد، راه تعامل سیاسی و به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک سازمان سیاسی را باز کند. این بزرگترین مانع از ابتدا در جهت انتقال این افراد به خارج از عراق بوده و هست.

دولت آمریکا با تک تک ساکنان اردوگاه اشرف قرارداد بسته بود که در ازای تحویل سلاح تحت حفاظت قرار گیرند و کشور ثالثی را برای اقامت انتخاب نمایند، اما رهبری گروه تروریستی مجاهدین، سیاست ماندن در عراق را به آنها حقه

پایانی بر پایان

قرارگاه اشرف برای همیشه بسته شد



خود باخبر است با متانت و صبر برخورد کرده است، همواره از سوی رهبری مجاهدین آماج اتهامات و فحاشی های بسیار زننده و وقیحانه قرار داشته و دارد که حقیقتاً این یک وضعیت استثنای در کل جهان و در طول تاریخ است که یک گروه با تقابل صد در صدی با دولت یک کشور بخواد که در آن کشور پذیرفته شود، در حالی که یک لحظه هم از تلاش برای ساقط کردن آن، غفلت نکند. لابد رهبری مجاهدین گمان کرده است که دولتها نیز مثل آنان پخمه و عقب مانده هستند که تسلیم باج خواهیهای یک گروه ورشکسته شوند!

ایران نیز حقیقتاً نقش سازنده ای، پس از سقوط صدام بازی کرده است و با اعلام اینکه کسانی که دیگر وابستگی تشکیلاتی ندارند می توانند به کشور بازگردند، راه را برای حل قطعی این مسئله باز کرده است و اگر رهبری مجاهدین که با گروگان گرفتن این افراد در پی حفظ تشکیلاتش است نمی بود، قطعاً هر کس به میل و اختیار خود می توانست به ایران بازگردد و یا داوطلب رفتن به کشور دیگری شود. همچنان که همین امروز نیز و پس از تجارب فراوان باز هم رهبری گروه تروریستی مجاهدین با دادن فرمان اعتصاب غذا به نیروها، برنامه های تبلیغاتی خودش را پیش می برد و به جای تسهیل انتقال این افراد به خارج از عراق، در پی آویزان کردن و الحاق خود به آمریکا است.

بنابراین کسانی که فقط به دنبال یافتن نقش رجوی و رهبری گروه تروریستی مجاهدین در قضیه اردوگاه اشرف هستند و نه بیشتر، در حقیقت مانع اصلی کل پروسه جابجایی که البته عامل بدبختی ساکنان کمپ لیبرتی در هر وضعیتی که پس از این برای آنها رقم بخورد هم هست و باید قبل از هر مانع دیگری از سر راه برداشته شود را تحت الشعاع قرار می دهند.



دفاتر انجمن نجات

نام استان	تلفن - فکس - صندوق پستی
آذربایجان شرقی	تلفن : ۰۴۱۱۳۳۷۹۴۳۰ همراه : ۰۹۱۴۱۱۶۴۲۶۷ صندوق پستی : ۵۱۳۸۵-۱۶۳۱
آذربایجان غربی	تلفن و فکس : ۰۴۴۱۲۲۵۲۷۹۳ همراه : ۰۹۱۴۱۴۵۱۵۶۰ صندوق پستی : ۵۷۱۵۵-۱۱۵۷
اردبیل	تلفن : ۰۴۵۱۲۲۵۴۱۰۶ صندوق پستی : ۵۶۱۳۵/۱۶۱
اصفهان	تلفن : ۰۳۱۱۲۶۵۰۶۷۶ همراه : ۰۹۱۳۳۰۳۶۰۱۳ صندوق پستی : ۸۱۴۶۵/۱۴۹۹
ایلام	تلفن : ۰۹۱۹۳۱۴۴۳۶۷ فکس : ۰۳۳۳۱۹۸۲ - ۰۸۴۱ صندوق پستی : ۶۹۳۱۵-۳۹۵
بوشهر	تلفن : ۰۹۱۷۱۷۱۲۴۰۲
تهران	تلفن : ۰۲۱۸۸۹۶۱۰۳۱ فاکس : ۰۲۱۸۸۹۶۵۲۱۸ صندوق پستی : ۱۴۱۴۵/۱۱۹
چهارمحال و بختیاری	صندوق پستی : ۸۸۱۵۵-۵۱۵
خراسان رضوی - مشهد	همراه : ۰۹۱۵۱۰۹۳۲۶۰ تلفن : ۰۸۸۳۸۳۸۹ - ۰۵۱۱ صندوق پستی : ۹۱۷۳۵-۷۸۶
خوزستان - اهواز	تلفن : ۰۶۱۱۳۳۶۲۸۹۱ همراه : ۰۹۱۶-۱۴۱۵۹۲۱ صندوق پستی : ۶۱۵۵۵۱۱۶۱
خراسان جنوبی - بیرجند	صندوق پستی : ۳۶۷ - ۹۷۱۷۵
زنجان	تلفن : ۰۲۴۱۷۲۸۶۳۲۰ صندوق پستی : ۴۵۱۹۵/۱۴۵۶
سمنان	تلفن : ۰۲۳۱۴۴۳۸۰۸۳ همراه : ۰۹۱۹۴۳۲۱۸۷۷ صندوق پستی : ۳۵۱۴۵-۴۱۳
سندج	تلفن : ۰۹۱۸۶۴۶۶۸۸۷ صندوق پستی : ۶۶۱۳۵-۳۶۱
سیستان و بلوچستان	تلفن : ۰۵۴۱۳۲۵۰۶۳۹ همراه : ۰۹۳۶۴۲۴۰۸۴۴ صندوق پستی : ۹۸۱۵۵-۵۱۵
خراسان شمالی	تلفن : ۰۹۱۵۷۹۶۶۰۴۹ صندوق پستی : ۱۴۷۹ - ۹۴۱۵۵
فارس - شیراز	تلفن : ۰۷۱۱۲۳۴۴۵۵۴ صندوق پستی : ۷۱۵۵۵ - ۵۴۵
قم	تلفن : ۰۲۵۱۷۸۳۵۷۵۰
قزوین	تلفن : ۰۹۱۲۱۸۲۲۸۳۵ صندوق پستی : ۳۴۱۸۵ - ۳۱۴۵
کرمان	تلفن : ۰۹۱۳۳۹۳۱۹۳۰ صندوق پستی : ۷۶۱۳۵ - ۳۵۴۶
کرمانشاه	تلفن : ۰۸۳۱۸۲۲۹۷۴۷ صندوق پستی : ۱۶۶۳ - ۶۷۱۵۵
کرج	تلفن : ۰۲۶۳ ۲۲۰۳۲۴۲ همراه : ۰۹۳۵۸۱۷۹۹۵۸ صندوق پستی : ۱۶۹۱ - ۳۱۵۸۵
کهگیلویه و بویر احمد	صندوق پستی : ۳۷۷
گلستان - گرگان	تلفن : ۰۱۷۱۲۲۶۰۲۳۴ همراه : ۰۹۱۱۲۷۵۲۷۲۱ صندوق پستی : ۸۶۷ - ۴۹۱۷۵
گیلان - رشت	تلفن : ۰۱۳۱۷۷۳۰۰۰۵ کد پستی : ۴۱۷۹۹ - ۳۶۸۳۵
لرستان	تلفن : ۰۶۶۱۳۲۴۱۲۱۲ صندوق پستی : ۶۸۱۳۵/۱۸۷
مازندران - ساری	تلفن : ۰۱۵۱۲۲۶۵۶۵۲ صندوق پستی : ۱۵۱۳ - ۴۸۱۷۵
مرکزی - اراک	تلفن : ۰۸۶۱۴۰۲۹۲۶۳ صندوق پستی : ۱۳۱۴ - ۳۸۱۹۵
هرمزگان - بندرعباس	تلفن : ۰۹۳۶۲۸۸۲۸۶۶
همدان	تلفن : ۰۹۱۸۸۱۱۲۶۰۱۲ صندوق پستی : ۹۶۶ - ۶۵۱۵۵
یزد	تلفن : ۰۳۵۱۶۲۰۲۵۲۶ صندوق پستی : ۵۹۴ - ۸۹۱۶۵

